



فصلنامه اجتماعی فرهنگی ISSN: 2676-6396

آذربایجان پژوهی

سال اول، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۹
قیمت ۳۰۰۰۰ تومان

۱. آذربایجان و اوضاع سیاسی - اجتماعی آن در قبل از اسلام
دکتر احد عبادی

۱. قاجارلار سلاله‌سی، تذکره‌چی لر خاندانی
دکتر وصاله موسالی

۲. بررسی اتیمولوژی «آذربایجان» در جامع التواریخ
لطفعلی برقی

۳. تاریخ اجتماعی و اقتصادی مشکین شهر (خیابو)
دکتر حسینعلی قربانی

۴. سیف‌الدین رضاسوی، نظامی‌نین ملی و ادبی کیملیگی حاقیندا
دکتر عزیزآقا نجف‌زاده

۵. صفوی لر دؤورونده اردبیل ده خطاط لیق و کتاب صنعتی
دکتر نامیق موسالی

۶. توزیع جغرافیایی ترکان ایران
جلیل یاری

۷. سفرهای خیالی استاد شهریار به ترکیه
دکتر یاسمین آک‌کوش



آذربایجان پژوهی

فصلنامه اجتماعی فرهنگی ترکی و فارسی
تورکجه فارسجا اجتماعی کولتورل درگی

بیرینجی ایل، ایکینجی نومره، پاییز ۱۳۹۹
سال اول، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۹

ISSN: 2676-6396

آذربایجان پژوهی

بیرینجی ایل، ایکینجی نومره، یای ۲۰۲۰
سال اول، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۹

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر:
دکتر حمید سفیدگر شهانقی

هیئت تحریریه: (به ترتیب حروف الفبا)
دکتر اعتبار بخشی، دکتر شهرام پناهی، دکتر شهریار
حسنزاده، دکتر محمد رضایی، دکتر حبیب صمدزاده،
دکتر علی صیادانی، دکتر مرتضی مجدفر، دکتر علیرضا
مقدم، دکتر یوسف مولایی، دکتر ناصر ناصری، دکتر
پیمان یارمحمدزاده

امور فنی و هنری:
مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی آموزگار مهر

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: پرنیان

آدرس: تبریز، خیابان طالقانی، مجتمع پاسارگاد ط ۲، واحد D
تلفن: ۰۴۱-۳۵۵ ۷۷ ۱۷۸ موبایل: ۰۹۱۲ ۴۴۴ ۱۳ ۱۸
ایمیل: amouzgarmehr@gmail.com

فهرست

- ۵ / سخن مدیر مسئول
۷ / آذربایجان و اوضاع سیاسی - اجتماعی آن
در قبل از اسلام / دکتر احد عبادی
۱۳ / قاجارلار سلاله‌سی، تذکره‌چی لر خاندانی /
دکتر وصاله موسالی
۲۷ / بررسی اتیمولوژی «آذربایجان» در جامع
التواریخ / لطفعلی برقی
۳۵ / تاریخ اجتماعی و اقتصادی مشکین شهر
(خیاو) / دکتر حسینعلی قربانی
۴۳ / سیف‌الدین رضاسوی، نظامی‌نین ملی و
ادبی کیملیگی حاقیندا / دکتر عزیزآقا نجف‌زاده
۵۱ / صفوی لر دؤورونده اردبیلده خطاطلیق و
کتاب صنعتی / دکتر نامیق موسالی
۶۵ / توزیع جغرافیایی ترکان ایران / جلیل یاری
۷۷ / سفرهای خیالی استاد شهریار به ترکیه /
دکتر یاسمین آک‌کوش

راهنمای نویسندگان مقالات

الف) شکل ظاهری آثار

- آثار ارسالی نباید قبلاً در کتاب، مجموعه مقالات و یا نشریه دیگری به چاپ رسیده باشد.
- عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی پدیدآورنده(ها) همراه با رتبه علمی، محل اشتغال، نشانی کامل، تلفن، دورنگار و آدرس پست الکترونیکی در صفحه اول مقاله نوشته شود.
- چکیده مقاله در ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه به زبان ترکی یا فارسی تهیه شود.
- واژه‌های کلیدی (حداکثر تا ۷ کلید واژه) در زیر چکیده نوشته شوند.
- توضیحات و معادل‌های خارجی واژه‌ها و اصطلاحات علمی و اسامی افراد با شماره‌گذاری در پانویس همان صفحه ارائه شود.
- مقاله همراه با ضمائم و فهرست منابع در حداکثر ۲۰ صفحه (۲۲ سطری و قلم ۱۲) در محیط word تایپ شده باشد.
- نسخه چاپی مقاله همراه با نسخه الکترونیکی آن به آدرس دفتر فصلنامه ارسال شده و یا به پست الکترونیکی نشریه ارسال شود.
- اصل مقاله‌های ترجمه‌ای به همراه ترجمه آن ارسال گردد.

ب) روش ارجاع به منابع در متن و پایان مقاله

- ارجاع به منابع در داخل متن به شیوه درون متنی یا APA است. به این گونه که در متن پس از نقل مطالب در داخل پرانتز (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار و صفحه مورد نظر) ذکر گردد. مانند: (حریری، ۱۳۸۵، ص ۹۶).
- فهرست منابع در پایان مقاله همانند الگوهای زیر به ترتیب الفبایی نام خانوادگی پدیدآورندگان آثار تنظیم گردد:

– استناد به کتاب تالیفی:

بهرامی، اسماعیل؛ سهرابی، محمد (۱۳۸۵). فرهنگ و توسعه. تهران: فرهنگیار.

– **استناد به کتاب ترجمه‌ای:**

کوم، ایلینا (۱۳۷۹). بشریت در سراسیمگی/انحطاط: تاملی جامعه‌شناختی بر پدیده/اعتیاد، ترجمه پریسا مومنی و بهادر بشیری، شیراز: رزم آزما.

– **استناد به مقاله مجله:**

زهره‌ساز، محمد و دیگران (۱۳۸۸). «ارزیابی جایگاه و عملکرد انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران در فرآیند آموزش غیر رسمی کتابداران و اطلاع‌رسانان ساکن در استان تهران و خراسان». فصلنامه کتاب، ۲۰ (۴)، ۹-۲۴.

– **استناد به پایان‌نامه:**

ناجی، سعید (۱۳۸۳). بررسی تفاوت‌های اساسی آمیخته بازاریابی در انتخاب پروتکل‌های جراحی ارتوپدی از نظر جراحان ارتوپد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد میکروبیولوژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران.

– **استناد به برنامه‌های رادیو و تلویزیونی:**

احمدنژاد، پروانه (تهیه کننده). (۱۳۸۲، اردیبهشت، ۱۲). نگاهی بر تمدن‌های کهن. [پخش رادیویی]. تهران: شبکه سراسری صدای جمهوری اسلامی ایران.
میثمی، مینا (تهیه کننده): سلمانی، سهراب (نویسنده). (۱۳۸۱، مهر ۱۵). راز بقا: جنگل‌های درهم تنیده آفریقا [پخش تلویزیونی]. تهران: شبکه سوم سیمای جمهوری اسلامی ایران.

– **استناد به منبع اینترنتی:**

Seaman, David (2003). Deep Sharing: A case for the federated Digital Library. [On line] Available: <http://www.educause.edu/ir/library/pdf/ermo348.pdf> [accessed 4 sep. 2007].

ج) بررسی مقالات:

- مقالات رسیده، در صورت انطباق با معیارهای فصلنامه، به منظور ارزیابی به صورت بی‌نام برای دو نفر از داوران صاحب نظر ارسال خواهد شد.
- مقالات دارای شرایط انتشار بر حسب موضوع نشریه و به ترتیب دریافت در نوبت انتشار قرار خواهند گرفت.
- آراء و نظرات مندرج در نوشته‌ها، بیانگر نظر و آرای فصلنامه نیست.
- ترتیب مقالات به ارزش علمی و یا شخصیت نویسندگان ارتباطی ندارد.
- مسئولیت محتوای مقالات به عهده نویسندگان آنان است.
- فصلنامه در ویراستاری، تلخیص و تنظیم مطالب آزاد است.
- نقل مطالب فصلنامه با ذکر مآخذ بلامانع است.

سخن مدیر مسئول

دکتر حمید سفیدگر شهانقی

در جهان امروز فرهنگِ ارتباطات و شناختِ اطلاعات به عنوان تنها منبع قدرت و بقا مطرح شده و از این رو اطلاعات همراه با رقابتِ جدی استعدادها به عرصه رویارویی قدرت‌ها تبدیل شده است. توسعه، ترقی و اطلاعات به صورت واژه‌های مترادف درآمده‌اند. جوامعی که از لحاظ اطلاعات غنی‌اند، پیشرفت می‌کنند و جوامعی که دچار فقر اطلاعاتی‌اند، به سختی در سطح نازلی به حیات خود ادامه می‌دهند. این روند به گونه نوینی از امپریالیسم – یعنی امپریالیسم اطلاعاتی – انجامیده است. سلطه اطلاعاتی به مراتب خطرناک‌تر از سلطه سیاسی است. جوامعی که خود را آزاد می‌پندارند غافل از آنند که محکومند آنگونه بیاندیشند که مطلوب امپریالیسم اطلاعاتی است.

تراژدی بزرگ «مستعمره‌های اطلاعاتی» به دلیل فقدان آگاهی از اهمیت اطلاعات در برخی کشورها رخ می‌نماید و مستعمره‌ها تسلیم اطلاعات نامناسبی می‌گردند که از سوی قدرت‌های دخیل اطلاعاتی عرضه می‌گردد. هرگاه جوامع در حال توسعه هوشیار از حقایق، همچون کشور ما، این وضع را برنتابند، نظام بین‌المللی ارتباطات و اطلاعات، به گونه‌ای فاجعه‌آمیز به زیان آنها نامتعادل می‌شود و فرآیند تصمیم‌گیری در این کشورها راه نامقبول می‌پیماید. این جوامع از سرگردانی در راه جستجوی هویت خود تأسف می‌خورند و کاملاً خارج از عرصه رقابت برای توسعه قرار می‌گیرند.

هم از این‌روست که برای جلوگیری از سرگردانی امروز و فردای فرزندان این سرزمین در جهت جستجوی هویت و چپودِ فرهنگی و تاریخی خود، تولید محتوای مناسب و انتشار آن از طرق مختلف، از عمده‌ترین مسئولیت‌های دلسوزان، دولتمردان و فرهنگ‌سالاران به‌شمار می‌رود. اگر نسل امروز و فردای ما، از آنچه که داشته‌اند و دارند، غافل باشند، به‌ناچار در مقابل هجوم اطلاعاتی دیگران به‌راحتی سپر انداخته و خود را از پیش-باخته فرض خواهند کرد.

از سوی دیگر آذربایجان، منطقه‌ای با قدمت و پیشینه ارزشمند تاریخی، فرهنگی و دینی که در طی قرن‌ها تجلی‌گاه ظهور استعدادهای ارزشمند و بلندمرتبه دین، علم، ادب، صنعت، هنر و خاستگاه دهها دانشمند و

ادیب، هنرمند و صنعتگر، رزم آور و دلیرمرد، مدیر و مدبر بوده و دارای تاریخی درخشان و فرهنگی اصیل و پویاست، امروزه علیرغم داشتن قابلیت‌ها و پتانسیل‌های متعدد فرهنگی، تاریخی، اقتصادی و ... و علیرغم آنکه محل تولد و رشدونما و نیز مدفن مشاهیر گرانقدری در حوزه‌های مختلف علمی، دینی، فرهنگی و هنری بوده و هست، آنچنان‌که باید و شاید، مورد معرفی قرار نگرفته است. از این‌رو، شناخت و بازشناسی علمی و اصولی آن با تمام قابلیت‌ها و توانمندی‌هایش، یکی از بزرگترین و مهمترین وظایف آحاد مختلف مردم من‌جمله روشنفکران، هنرمندان، مدیران و مسوولین منطقه، و بزرگمردان اقتصادی و فرهنگی آن است. فصلنامه آذربایجان‌پژوهی به نوبه خود درصدد است همگام با سایر مطبوعات در راه شناخت و پژوهش بیشتر زوایای تاریک تاریخ، فرهنگ، زبان، هنر و ادبیات این مرز و بوم گام بردارد.

آذربایجان و اوضاع سیاسی - اجتماعی آن در قبل از اسلام

دکتر احد عبادی^۱

چکیده

آذربایجان یکی از مناطق مهم مرزی و منطقه استراتژیک در ادوار مختلف تاریخی بوده و این اهمیت از سال‌های قبل از ورود اسلام، تا امروز در خور توجه بوده است. این سرزمین و اهمیت آن در شکل‌گیری تحولات سال‌های نزدیک ورود اسلام به ایران و صد البته وضعیت اجتماعی - سیاسی جامعه ایران در آن سال‌ها و به نوعی در شکل‌گیری تحولات بعدی ایران و به تبع آن تحولات جهان اسلام بیشتر خود را نشان می‌دهد. مجموعه عملکرد و اتفاقات روی داده در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و بالاخره مذهبی در این بخش از تاریخ بر اساس آنچه که از منابع اولیه باقی مانده، نشان می‌دهد که، اتفاقات تاریخی، سیاسی و نظامی رخ داده در آن سال‌ها، نقشی تاثیرگذار بر شکل‌گیری جامعه ایران بعد از اسلام داشته است. فشارهای نظامی - سیاسی و درگیری‌های منطقه‌ای در این سال‌ها به شدت جامعه انسانی وقت را نسبت به وقایع و موضع‌گیری در برابر آنها حساس کرده بود.

ذکر این نکته نیز لازم به نظر می‌رسد که آذربایجان به علت هم‌مرز بودن با نواحی قفقاز معمولاً توسط خزرها و سایر اقوام ساکن در آن منطقه و البته به طور جدی از سوی دولت امپراتوری روم شرقی مورد حمله قرار گرفته و به همین دلیل همواره درگیری‌های مرزی را شاهد بودیم.

واژگان کلیدی: آذربایجان، امپراتوری ساسانی، دولت روم شرقی، آیین زرتشت

^۱. دکترای تاریخ ایران اسلامی، عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

مقدمه

سلسله ساسانیان در ایران توسط اردشیر بابکان و با غلبه او بر اردوان پنجم (آخرین پادشاه اشکانی) تأسیس شد. او شروع به تسخیر ایالات و مناطقی که در کنترل حکومت اشکانیان بود کرد. طبری می‌نویسد اردشیر بابکان (حک، ۲۲۶ – ۲۴۱ م) پس از آنکه توانست اردوان را شکست دهد به نواحی مختلف ایران همچون همدان و بخش‌هایی از ماد، همچون آذربایجان، ارمنستان لشکرکشی کرد و این نواحی را به تصرف درآورد. البته در این دوره موفق به تصرف ارمنستان نشد (طبری، ۱۳۵۳، ج ۲، ۵۸۴-۵۸۵) و البته به طور دقیق هم از اینکه آیا آذربایجان را هم توانست تسخیر کند، اطمینانی وجود ندارد. (مارکوارت، ۱۳۷۳، ۲۱۲)

حکومت دومین پادشاه سلسله ساسانی، شاپور اول (حک، ۲۴۱ – ۲۷۳ م) با صلح بین ایران و دولت روم آغاز شد. به موجب معاهده‌ای که با رومی‌ها در سال ۲۴۴ م. که میان وی و امپراتور وقت روم فیلیپ، امضا شد، ارمنستان و اداره آن به ایران واگذار گردید. بعد از این بود که شاپور اول با آذربایجان جنگید و منطقه را به تصرفات خود اضافه نمود. البته دلیل تسخیر آسان آذربایجان توسط شاپور اول، این بود که این سرزمین، پشتیبان اصلی خود ارمنستان را از دست داده می‌دید و از حمایت این سرزمین در نبرد برخوردار نبود. (همان، ص ۲۱۳) در دوران ساسانیان، آذربایجان به عنوان سرزمین مرزی و همجوار با امپراتور روم، یکی از کانون‌های اصلی، قوی و پر تحرک فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و صد البته نظامی بود. پایتخت آذربایجان در این دوره و البته از زمان‌های قدیم به نام «گنجک» بوده که مورخان مسلمان در نوشته‌های خود آن را «کزنا» یا «کزنه» یا «جنزه» یا «جنزق» می‌نامیدند. یاقوت حموی درباره آن می‌گوید: جنزه بزرگترین شهر است که در منطقه آران میان شیروان و آذربایجان قرار دارد و توده مردم آن را «گنجه» می‌گویند و میان جنزه و بردعه هشت فرسخ است. (حموی، ۱۳۸۰، ۱۷۱)

در دوران بعد از شاپور اول، آذربایجان همواره مرکز درگیری‌های نظامی و جنگ‌های پی‌درپی با روم بود. بارها این منطقه به دنبال این درگیری‌ها، غارت و چپاول شده است. به طور مثال سال ۵۹۰ م. هنگامی که خسرو دوم (خسرو پرویز) در پایتخت ایران، تیسفون تاج‌گذاری کرده و حکومت خود را آغاز کرد، سپهسالار وقت سپاه ایران، بهرام چوبین نافرمانی کرد. در ادامه این نافرمانی و در درگیری‌های پیش آمده، خسرو ترجیح داد، از امپراتور وقت روم، موریکیوس کمک بطلبد. امپراتور روم از این فرصت طلایی استفاده کرده و امتیازات ارضی، مالی و سیاسی قابل توجهی از خسرو گرفت. از جمله این وعده‌ها در اختیار قرار دادن ارمنستان، گرجستان و بخش‌هایی مهم از سرزمین‌های واقع در بین‌النهرین به امپراتوری روم شرقی بود. او بعد از گرفتن این امتیازات و وعده‌های آن، نیروی امپراتوری روم را در اختیار خسرو قرار داد تا به نبرد با بهرام چوبین برود. در این دوره آذربایجان به عنوان مرکز اصلی مقاومت در برابر بهرام است. موشگ ارمنی، مرزبان آذربایجان، پرچم مخالفت بر علیه بهرام برافراشت و وقتی که نزدیکان خسرو (بسطام و بندوی) دایی‌های خسرو از زندان بهرام رستند، در آذربایجان به مرزبان موشگ ارمنی پیوستند. (یانگ، ص ۱۱۱) خسرو از طریق ارمنستان وارد آذربایجان شد و در نزدیکی‌های گنک (شیز - تکاب فعلی) بهرام چوبین را شکست داد. (مسعودی، ۱۳۷۰، ۴۶۶)

در یک مقطع دیگر، در جریان لشکرکشی هراکلیوس - هرقل - امپراتور روم، همزمان با سلطنت خسرو پرویز، آذربایجان بار دیگر مورد غارت و چپاول ارتش روم قرار گرفت. هرقل، آسیای صغیر و ارمنیه را تصرف و از طریق ارمنستان وارد آذربایجان شد. هرقل سال ۶۲۳ م. شهر گنزک (تکاب فعلی - پایتخت تابستانی ساسانیان) در آذربایجان را تسخیر و آتشکده آذرگشنسب را ویران کرد. خسرو پرویز در هنگام فرار از گنزک توانست تنها آتش مقدس را همراه خود از این آتشکده ببرد. (کریستین سن، ۴۶۶) در این دوره، ایالات ارمنستان، پارس، کرمان، سیاهان، آذربایجان، طبرستان، بحرین، هرات، مرو، سرخس، نیشابور و طوس، تحت فرمانروایی یک مرزبان بوده است. که البته بعضی از این ایالت‌ها وسعت زیادی نداشتند. آنچه از اسناد به جا مانده، به نظر می‌رسد که مانند دوران هخامنشیان، ایالات و ساتراپ‌نشین‌ها در دوره ساسانیان نیز حدود و ثغور ثابت و معینی نداشتند و حکومت بر حسب اتفاقات و وقایع رخ داده، شاهنشاه، مرزبان و استاندار به نواحی می‌فرستاد. در دوره ساسانی، در بیشتر موارد، مرزبانان از میان نظامیان انتخاب می‌شدند تا از میان غیر نظامیان. (همان، ۱۵۹) از همین‌رو است که آذربایجان در سراسر دوران حکومت ساسانیان یک منطقه مهم مرزی بود و از اهمیت ویژه و نظامی برخوردار بود و توسط مرزبانان نظامی اداره می‌شد. البته که این اهمیت از آن‌رو بود که این منطقه در برابر تهاجم مردمان ساکن در شمال دریای مازندران یعنی، هون‌ها، خزرها، و از همه مهمتر امپراطوری روم بود و به همین علت والیان این منطقه از مورد اعتمادترین خانواده‌ها انتخاب می‌شدند. در سال‌های پایانی دوره ساسانیان خرّه، فرخ هرمزد و پسران او رستم و فرخزاد نظامیانی بودند که در آذربایجان حکومت داشتند، «مرزبان آتروپاتکان دارای عنوان شهب بود» (مارکوارت، ۱۳۷۳، ۲۱۳) آتروپات نام قدیمی این ایالت بود و در حقیقت از عهد شاهان هخامنشی در این منطقه رواج داشت. آتروپات، سمت ساتراپی ماد را با استقلال در فرمانروایی داشت. نام سرزمین نیز بعدها از نام او باقی مانده است (دیاکونف، ۱۳۵۱، ۱۱) عنوان شهب برای والیان این منطقه از زمان هخامنشیان وجود داشت، این عنوان ویژه خانواده‌های اصیل و قدیمی بود.

نکته دیگری که باید در مورد آن توضیح داده شود این بود که شاهنشاهان ساسانی به عمران و آبادانی شهرها اهمیت می‌دادند. در این دوران برای جلوگیری از حملات اقوام ساکن در مناطق مرزی اقدام به ساخت قلاع نظامی در سرزمین آذربایجان کردند که از آن میان می‌توان به دیوار بزرگ دربند اشاره کرد که در قرون پنجم و ششم میلادی ساخته شده است. فیروز پادشاه ساسانی در آذربایجان شهری ساخت که آن را «باد فیروز» نامگذاری کرد. دینوری در کتاب خود می‌نویسد این شهر همان «اردبیل» است. (دینوری، ص ۸۷) البته طبری این شهر را که فیروز در آذربایجان ساخت را، «شهرام فیروز» می‌نامد. (طبری، ۱۳۵۳، ج ۲، ۶۳۰)

از نکات مهم دیگر در مورد آذربایجان، مسئله دینی و ارتباط آئین زرتشت و همچنین مزدک با منطقه آذربایجان است. انبوهی نوشته از مورخان موجود است که زرتشت را متولد آذربایجان می‌دانند. مورخان اعتقاد دارند که او از آذربایجان به سمت شرق ایران نزد پادشاه وقت ایران کی گشتاسب رفته و به کمک او آیین خود را در این سرزمین رواج داده است. او در راه ترویج آیین خود از حمایت کی گشتاسب و وزیر او برخوردار بود. گرچه احتمال دیگری نیز مطرح شده است و آن اینکه در آذربایجان مغان، معابد وسیعی

داشتند و در برابر یکسان‌سازی فرهنگی که در دوره سلوکیان انجام می‌گرفت، به شدت در این منطقه مقاومت وجود داشت. از این‌روست که در روایات زرتشتی در دوره اسلامی آذربایجان را مهد زرتشت و دین زرتشتی گفته‌اند. بررسی‌های زبان‌شناسی در اوستا این معنی را تایید نمی‌کند. (دیاکونف، ۱۳۴۵، ۷۰) به همین دلیل است که از دیرباز زرتشتی‌گری در آذربایجان دارای ریشه‌های قوی بوده و بسیاری، مناسبات اجتماعی و مذهبی در این منطقه را حاصل تأثیر این دین می‌دانند.

گذشته از اینکه آیا زرتشت بطور حتمی برخاسته از این منطقه بود یا خیر، که خود سوال مهمی است، دولت ساسانی تلاش داشت تا زرتشت را به منطقه آذربایجان نسبت دهد. علت اصلی تلاش دولت ساسانی برای نسبت دادن زرتشت به منطقه آذربایجان، موقعیت استراتژیک سیاسی - دینی این منطقه و نفوذ معنوی و عمیق مغان که اکثراً اهالی این سرزمین بوده است، در ساخت قدرت دوره ساسانی است. آذربایجانی بودن اصالت اکثر مغان و وجود بزرگ‌ترین آتشکده کشور در آذربایجان و شهر شیز در نزدیکی‌های تخت سلیمان امروزی، (در حدود ۲۵ کیلومتری جنوبی دریاچه ارومیه) از دلایل این نکته می‌دانند.

لسترنج در کتاب «جغرافیای تاریخی» خود در مورد شهر شیز آورده است که: «... در مرز باختری ایالت جبال نزدیک یکی از سرچشمه‌های سفیدرود خرابه‌های معروف تخت سلیمان واقع است و استخری در آنجاست که چون چشمه‌ای در ته آن استخر موجود است، هر چه آب از آن بردارند باز استخر پر آب می‌شود. بعضی این خرابه‌ها را از بقایای شهر شیز که جغرافی‌نویسان قدیم عرب به آن اشاره کرده‌اند، شمرده‌اند». (لسترنج، ۱۳۷۳، ۲۴۱) کتاب «آثار البلاد و اخبار العباد» نیز راجع به این شهر و آتشکده موجود در آن می‌نویسد: «[شیز] شهرست به آذربایجان و به آنجا آتشکده‌ایست عظیم الشان نزد مجوس، از آنجا افروزند آتشکده‌های مجوسی را از شرق تا به مغرب و بر سر قبه آن آتشکده صورت هلالی است از نقره» (قزوینی، ۱۳۷۳، ۱۶۸)

شهر شیز از قبل از دوره ساسانی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. در آتشکده آن (یعنی آذرگشنسب) برای تربیت کردن مغان و مبلغان دین زرتشت، مدرسه‌ای بزرگ وجود داشت. در شیز فهرستی از کتابهای متعدد دینی زرتشتی که بر پوست گاو نوشته شده بود، نگهداری می‌شد. پیگولوسکایا در نوشته‌های خود شیز را به عنوان مرکز جدی دینی معرفی کرده است. (پیگولوسکایا، ۱۳۶۷، ۴۶۶) «شیز که آتشکده آذر گشنسب در آن است و آن گرانقدرترین آتشکده نزد مجوسان است. زمانی که از ایشان کسی شاه می‌شد از مداین پیاده به زیارت آنجا می‌آمد». (ابن خردادبه، ۱۱۹) وی ارومیه را که شیز در نزدیکی‌های آن قرار داشت را، شهر زردشت می‌داند. (همان) البته در آذربایجان غیر از آیین زرتشت آیین‌های دیگر نیز پیروانی داشت، از جمله آیین مانی که پیروان آن در مناطق مختلف آذربایجان وجود داشت. در یکی از نوشته‌های تاریخی به جا مانده مانویان از ادوربادگان (آذربایجان) به عنوان منطقه‌ای که آیین مانی رواج داشت، یاد می‌کند. (پیگولوسکایا، ۱۳۶۷، ۴۷۶)

آیین مزدک هم به شدت در آذربایجان رواج داشت. این جنبش دینی - سیاسی که در شکل‌گیری دگرگونی - های اجتماعی - سیاسی دوره ساسانی نقش عمده‌ای داشت، در آذربایجان نیز نفوذ قدرتمندی داشت، شاید دلیل این نفوذ، حضور جدی مغان در این سرزمین و فشار سخت و جدی ایشان به مردم و عکس‌العمل منفی ایشان در برابر مغان بوده است. در دوره‌ای که قباد توانست از قلعه فراموشی فرار کرده و به دربار

هیاطله پناهنده شود، مزدک مدّتی به آذربایجان رفته و از پایتخت سیاسی دور شد. به همین دلیل است که هنگامه رشد جنبش، آذربایجان یکی از کانون‌های فعالیت شدید مزدکی‌ها بود. بعدها در زمانی که حکومت مشغول سرکوبی مزدکیان بود نیز یکی از مناطق اصلی که مزدکیان در آن پناه گرفته و توانستند از گزند تعدّی حکومت و قتل عام وسیع حاکمیت در امان باشند، آذربایجان بود. «... بعد از شکست دولت ساسانی و فتح آذربایجان نیز مزدکیان به موجودیت خود در آذربایجان ادامه دادند و ای بسا که بعضی از دژهای خود را در مناطق کوهستانی آذربایجان و مخصوصاً قره داغ و سیلان و طالش حفظ کردند». (طبری، ۱۳۵۳، ج ۵، ۱۹۷۹) و شاید یکی از دلایل رشد جریان خرم‌دینان در آذربایجان حضور فیزیکی و معنوی پیروان آیین مزدک باشد که در این دوره در آذربایجان پناه گرفته بودند.

در نقاط مختلف آذربایجان نمونه‌های زیادی از معماری مذهبی زرتشتی به وضوح قابل مشاهده است. تپه‌های باستانی و ویرانه‌های بجا مانده از آن دوره که با نام عمومی آتشکده، معروف است مانند: تپه‌های اطراف آتش خسرو اهر، ده آتشگاه اردبیل و روستای آتشگاه در اطراف مشکین شهر و صد البته مهمتر از همه اینها آتشکده آذرگشنسب و ساختمان‌های اطراف آن در شیز (تکاب امروزی) نمونه‌های بسیار عالی از معماری مذهبی این دوره می‌باشد. تخت سلیمان که در محدوده منطقه تکاب آذربایجان غربی و شمال آن شهر قرار دارد، ساختمان‌های بجا مانده از قلعه و قصر بزرگ و عمارت خاص که برای اسکان مؤبدان و مغان بوده است و صد البته در دوره ساسانی در نهایت آبادانی بوده است.

نتیجه

آذربایجان از دیرباز یکی از نقاط حیاتی و استراتژیک تاریخی - جغرافیایی ایران بوده و هست. از ادوار پیشین به دلایل همسایگی با حکومت‌های منطقه‌ای هم مورد توجه نیروهای مخالف خارجی (مانند هون‌ها، خزرها و حکومت روم شرقی) و هم مورد توجه نیروهای مخالف داخلی (مانند مخالفین مذهبی حکومت ساسانی مانند مزدکیان و...) و هم مورد توجه دولت مرکزی وقت (به ویژه ساسانیان) به دلیل وابستگی نژادی - سرزمینی روحانیت زرتشتی (که رکن مهم نهاد قدرت در آن دوره بود) به این سرزمین، بوده است. به همین دلیل اخیر یکی از بزرگترین آتشکده‌های دولتی، آتشکده آذرگشنسب که علاوه بر عبادتگاه بزرگ سرزمینی - دولتی، یکی از بزرگترین مدارس تربیت نیروهای مذهبی را در خود داشت، در این سرزمین قرار داشت. این نوشته به معرفی وضعیت آذربایجان در سال‌های قبل از ورود اسلام به این سرزمین و اهمیت و جایگاه آن پرداخته است.

منابع

- ابن خردادبه، ابی القاسم عبیدالله بن عبدالله، (بی‌تا)، المسالك والممالك، بغداد: مکتبه المثنی.
- پیگولوسکایا (۱۳۶۷)، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: علمی و فرهنگی.
- حموی، یاقوت (۱۳۸۰)، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور.
- دیاکونف، ای، م. (۱۳۴۵)، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۶۸)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۳)، تاریخ طبری، جلد ۱۳، ترجمه ابولقاسم پاینده، تهران: نشر بنیاد فرهنگ ایران.
- قزوینی، زکریا (۱۳۷۳)، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه محمد مراد، تصحیح محمد شاهمرادی، تهران: کریستن سن، آرتور (بی‌تا)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ دوم، تهران: سپهر.
- لسترنج، گای (۱۳۷۳)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.
- مارکوارت، یوزف (۱۳۷۳)، ایرانشهر، ترجمه مریم مهراحمدی، تهران: اطلاعات.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۷۰)، مروج الذهب، ۲ جلد، ترجمه ابولقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- یانگ، کیلر و دیگران (۱۳۸۹)، ایران باستان «پیش تاریخ، عیلامیان، هخامنشیان، پارتیان، ساسانیان»، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.

قاجارلار سلاله‌سی، تذکره‌چی لر خاندانی

دکتر وصاله موسالی^۱

اؤزت:

آذربایجان تذکره‌چی لیگی دئدی‌کده آذربایجان لی مؤلفلرین تورک و فارس دیل‌لرینده یازدیقلاری تذکره‌لر نظرده توتولور. آذربایجان تذکره‌چی لیگی ده عثمانلی تذکره‌چی لیگی کیمی ۱۶-جی عصردن اعتباراً هرات تذکره‌لرینین تأثیری آلتیندا یارانیب انکشاف اتمیش‌دیر. زنگین انکشاف یولو کتچمیش آذربایجان تذکره‌چی لیگی ایندییه کیمی سیستم‌لی و نظری تدقیقاتدان کناردا قالمیش‌دیر. آذربایجان تذکره‌چی لرینین قلمه آلدیغی ۴۶ تذکره‌دن ۸ آذربایجان تورکجه‌سینده نشر اولونموش‌دور. آذربایجان تذکره‌لرینی یازیلدیغی دؤور و مکانا گؤره سیستم‌لشدیرن زامان آذربایجانلی مؤلف‌لر طرفیندن ۱۶-جی عصرده ۴، ۱۷-جی عصرده ۲، ۱۸-جی عصرده ۵، ۱۹-جو عصرده ۲۲، ۲۰-جی عصرده ۱۲، ۲۱-جی عصرده ۱۶-جی عصرده ۱۶ تذکره‌نین یازیلدیغی معلوم اولموش‌دور. اونلار اؤز تذکره‌لرینی اردبیل، تبریز، اصفهان، شامخی، لنکران، شوشا، کوتاهیا، حیدرآباد، مکه، باکی و س. کیمی مختلف جغرافی اراضی‌لرده قلمه آلمیش‌لار. آذربایجان تذکره‌لری ایستر دیل اؤزل‌لیک‌لری، ایستر ترتیب اوصولو و ایسترسه ده مضمون اعتباریه اورینال‌دیر. بو تذکره‌لری دیل باخیمیندان ده‌یرلندیررکن ۵ قروپدا تصنیف ائتمک مومکون‌دور:

^۱. کاستامونو اونیوئرسیتیه‌سی، فن - ادبیات فاکولته‌سی، چاغداش تورک لهجه‌لری و ادبیات‌لاری بۆلومو، اؤیرتیم اوپیه‌سی.

الف) تحکیم حیصه‌سی تورکجه یازیلان و یالنیز تورکجه شعرلردن نومونه‌لری احاطه ائدن تذکره‌لر؛
 ب) تحکیم حیصه‌سی تورکجه اولان، هم تورکجه، هم ده فارسجا شعرلردن اؤرنکلرین وئریلدییی تذکره‌لر؛
 ج) هم تحکیم حیصه‌سینین، هم ده پوئزیا نمونه‌لرینین ایکی دیلده (تورکجه و فارسجا) یازیلدیغی تذکره‌لر؛
 د) تحکیم حیصه‌سی فارس دیلینده قلمه آلیان، هم فارس، هم ده تورکجه نمونه‌لرین تقدیم اولوندوغو تذکره‌لر؛
 ه) هم تحکیم قیسمی، هم ده شعر نمونه‌لری فارسجا اولان تذکره‌لر.
 آذربایجان تذکره‌لرینی احاطه ائتدیکلری جغرافیایا گؤره اوچ نؤوعه: عموم شرق، عموم آذربایجان و محلی تذکره‌لر آیرماق مومکون دور. آذربایجان تذکره‌لری بحث ائتدیکلری زامانا گؤره معین زامان دیلیمینی احاطه ائدن تذکره‌لردن و زامان محدودیتی قیولمایان تذکره‌لردن عبارت دیر.
 آذربایجان تذکره‌چی‌لری اؤز اثرلرینده معلومات وئردیکلری شاعرلری طبقه، الفبا، جغرافی، خرونولوژی پرنسیپ‌لره گؤره تقدیم ائتمیشلر. بعضی تذکره‌چی‌لریمیز ادبی نمونه‌لرین ژانرلارینا گؤره اؤز تذکره‌لرینی ترتیب ائتمیشلر. سیستم‌سیز قلمه آلیتمیش تذکره‌لریمیز ده راست گلمک مومکون دور.
 آذربایجان تذکره‌لرینین بعضی‌لرینین مؤلفلری شاهزاده‌لر دیر. بئله کی، فتحعلی شاهین اوغوللاری و نوه‌لری اولان قاجار شاهزاده‌لری طرفیندن بیر سیرا شورا تذکره‌لری قلمه آلیتمیش دیر. قاجارلار اصلن آذربایجان تورکلریندن اولوب، تخمیناً ۱۳۰ ایل بویونجا ایران‌دا شاهلیق ائتمیشلر. آپاردیغیمیز آراشدیرمالار نتیجه‌سینده دئییه بیلریک کی، دیگر تورک خالق‌لاریندا بیر نسلین نماینده‌لرینین تذکره یازما عنعنه‌سی اولمامیش دیر. ۹ قاجار شاهزاده‌سی (محمود میرزه، سیف‌الدوله سلطان محمدتقی، بهمن میرزه، هولاکو میرزه، خداوئردی خان، محمدباقرخان، حیدرقلو میرزه، محمدقلو میرزه، علیرضا میرزه) فارسجا ۱۱ تذکره قلمه آلاراق تذکره‌چی‌لیک تاریخیینی زنگینلشدیرمیشلر. حاضیرکی مقاله‌ده خرونولوژی پرنسیپ اساسیندا اونلارین تذکره‌لری حاقیندا معلومات وئره‌جیمک.

آچار سؤزلر: تذکره، قاجارلار، آذربایجان تورکلری، فارسجا، ۱۹-جو عصر.

گیریش

۱۱-جی عصرین اورتالاریندان ۱۹۲۵-جی ایله قدر ایران مختلف تورک خاندانلاری و اصلیلزاده‌لری طرفیندن اداره ائدیلمیش‌دیر. سلجوقلارین اورتا آسیادان ایرانا گلیشی ایله باشلایان بو اوزون مدتلی مرحله قاجارلارین سقوطو ایله باشا چاتمیش‌دیر. تورک اصلیل قاجار طایفه‌سی آغ‌قویونلو و صفوی دؤولترینین اداره‌چیلیکده مهم رول اوینامیش‌دیر. یوردو آذربایجانین گنجه-قاراباغ بؤلگه‌سی اولان بو طایفه‌نین نماینده‌لری اوزون مدت قاراباغدا بیگلرگی وظیفه‌سینی اجرا ائتمیش‌لر. صفوی حؤکمداری ۱-جی شاه عباس هـ ۱۰۰۷ / م. ۹۹-۱۵۹۸-جو ایللرده قاجار طایفه‌سینین بیر حیصه‌سینی آستارابادا کؤچورموش، همین ایالتین اداره‌چیلیکینی اونلار تاپشیرمیشدی (سومئر ۱۹۹۹: ۹۷، ۱۴۵، ۱۸۳).

قاجارلار ۱۷۴۷-جی ایله نادرشاه افشارین اولوموندن سونرا ایراندا یارانان حاکمیت بوشلوقو زامانی فعال صورتده سلطنت اوغروندا گئدن مبارزه‌یه قوشولدولار. نتیجه‌ده، ۱۷۹۶-جی ایله قاجار طایفه‌سینین قووانلی بویوندان اولان آغا محمد قاجار ایران تاخت-تاجینا صاحب اولراق، تهراندا اؤزونو شاه اعلان ائتدی. اونون ۱۷۹۷-جی ایله سوءقصد قوربان گئتمه‌سینین آردیندان قارداشی اوغلو فتحعلی شاه قاجار حاکمیت‌ه گلدی و ۱۸۳۴-جو ایله وفات ائندنه قدر حؤکمرانلیق ائتدی (سومئر: ۵۱-۵۳).

اصلن آذربایجان تورکلریندن اولان بو خاندانین نماینده‌لری تکجه سیاستچی، اداره‌چی و حربچی اولراق دئییل، هم ده قلم صاحب‌لری کیمی تاریخه دوشموش‌لر. قاجارلارین قلمیندن چیخمیش چوخ سایدا دیوان-لار، سفرنامه‌لر، خاطره‌لر و تذکره‌لر معلوم‌دور. آشاغیدا تذکره مؤلفی اولان قاجار شاهزاده‌لرینین حیاتیندان و تذکره‌لریندن بحث ائده‌جییک.

محمود میرزه قاجار

۱۹-جو عصرده تذکره قلمه آلمیش آذربایجانلی مؤلفلردن بیرى ده فتحعلی شاه قاجارین اوغلو محمود میرزه‌دیر. او، ۱۲ صفر ۱۲۱۴/۱۶ ایلول ۱۷۹۹-جو ایله آنادان اولموش‌دور. دؤرد یاشیندان باشلایاراق صدر اعظم میرزه محمد شفیع‌نین تعلیم - تربیه‌سی آلتیندا بؤیوموش‌دور. ۱۲۲۹ هـ / ۱۸۱۴ م. -جو ایله نه‌اوند حاکمی تعیین اولونموش‌دور. محمدشاه قاجار زامانیندا حبسه آلیتمیش و آذربایجانین گونئی بؤلگه‌سینه سورگون ائدیلمیش‌دیر. تخمیناً ۵۳-۱۸۵۲-جو ایللرده تبریزده وفات ائتمیش‌دیر. ۲۱ اثرین مؤلفی‌دیر. ان مشهور اثرلری: «سفینه‌المحمود»، «بیان‌المحمود»، «گلشن‌المحمود»، «نقل‌مجلس»، «تذکره‌السلطنین»، «مقصود جهان»، سککیز مین بیئتدن عبارت «دیوان»، «تاریخ صاحبقرانی» (ایستوری ۱۹۷۲: ۹۵۱؛ بئری ۱۸۸۶: ۵۵۶).

او، ۱۲۳۶ هـ. / ۱۸۲۰ م. -جی ایله قاجارلار خاندانی‌نین شاعرلرینه حصر ائدیلمیش «گلشن‌المحمود» آدلی عائله تذکره‌سینی یازمیش‌دیر. بورادا اولجه خاقان تخلص‌لو فتحعلی شاهین، اونون قیزلارینین (۱۱ شاعره) و اوغللارینین (۴۵ شاعر، داها سونرا ۲-سی ده علاوه ائدیلمیش‌دیر)، فتحعلی خانین قارداشی حسین‌قولو

خانین اوولادلارینین (۵ شاعر) حیات و یارادیجیلیقلاری حاقیندا معلومات وئرلمیش دیر. مؤلف اثرین سونوندا اؤزو حاقیندا بیلگی وئریر.^۱

«گلشن محمود»- ون آستان قدس رضوی، بریتانیا موزئی، ملک، تهران میلی، حاجی حسین آقا ناخچیوانی نین کتابخاناسی، آذربایجان میلی علملر آکادئمیا سی الیازلار اینستیتوتون دا الیازما نسخه لری محافظه اولونماق دادیر. مؤلف ۱۲۴۰ هـ / ۱۸۲۴ م. - جو ایله ده «بیان محمود» آدلی دیگر بیر تذکره یازمیش دیر. اثر بیر مقدمه و ایکی «قسمت» دن عبارت دیر. مقدمه ده مؤلف دن، تذکره نین تالیف سببیدن و شاهین مدحیدن بحث اولونموش دور. بیرینجی «قسمت» ده معاصر اولان شاعرلردن ۳۰۰ نفری حاقیندا معلومات وئرلمیش دیر. ایلیک نؤوبه ده فتحعلی شاه دان بحث ائدیلمیش، داها سونرا ایسه الفبا سیراسی ایله احمدعلی میرزه دن یوسف گورجویه قدر دیگر معاصر شاعرلر ذکر ائدیلمیش لر. بعضی لرین سادجه آدی، تخلصو، دوغولوغو و یاشادیغی یئرلر گؤستریلدی حالدا، بعضی لرین تخمیناً ۲۰ سطر حجمینده ترجمه حالی وئرلمیش دیر. ایکینجی «قسمت» ده ایسه همین شاعرلرین شعرلریندن نمونه لر (۳۵۰۰ بیت) اؤز عکسینی تاپمیش و غزلره اوستونلوک وئرلمیش دیر (مانی، ۱۳۴۸: ۱۳۷).

بو تذکره ده کی آذربایجانلی شاعرلردن لطفعلی بیگ آذر، الفت افشار (محمدقولو)، آشفته ایروانی (کلب حسین بیگ)، بیضا قاجار (آلاهوئردی میرزه)، بز می بیگدلی (محمد صادق)، برقی خویی (عبدالله)، جهان شاه میرزه قاجار، جدایی افشار (نصراله میرزه)، چشمه ایروانی (رضاقولو خان)، حاجب قاجار (آلاهیار خان)، خسرو قاجار (محمدقولو میرزه)، خاور قاجار (حیدر قولو میرزه)، دولت قاجار (محمدعلی میرزه)، دارای قاجار (عبدالله میرزه)، راوی گروسی (محمدفاضل خان)، سرور قاجار (طهماسب میرزه ابن محمدعلی میرزه)، شوکت قاجار (محمدتقی میرزه)، شاپور قاجار (شیخ علی میرزه)، شرر بیگدلی (حسینعلی بیگ)، شوکت قاجار (محمد قاسم خان)، صباحی بیگدلی (حاجی سلیمان)، طغرل قاجار (ابراهیم خان)، طوطی جوانشیری (ابوالفتح)، عادل قاجار (علیشاه ظل السلطان)، عزت قاجار (سلیمان خان)، عذری بیگدلی (اسحاق بیگ)، قابیل ایروانی (حسینعلی خان)، محمود میرزه قاجار، مسرور بیگدلی (محمد خان)، منت افشار (محمد کریم خان)، مفتون دنبلی (عبدالرزاق بیگ)، مهدی بیگ شقاقی آذربایجانی، نیاز صفوی (احمد میرزه)، نصراله خان قاراگوزلو همدانی، نشاط تورکمان (میرزه عبدالرزاق)، والای قاجار (علینقی میرزه)، واله داغستانی (علیقلی خان)، همایون میرزه قاجار و باشقالارینین آدلارینی چکه بیلریک.

«بیان محمود» ون الیازمالاری آستان قدس رضوی (۱۱۹، ۱۲۰)، ملک (۳۶۶۵)، بریتانیا موزئی کتابخاناسین دا (۳۰۷۷) محافظه ائدیلمکده دیر.

^۱ فتحعلی شاهین ۳۶۰ آروادینین، ۵۷ اوغلونون، ۴۴ قیزینین اولدوغو بللی دیر. ۱۸۳۴-جو ایله وفات ائدرکن اونون بوتون اوولادلارینین و نوه - نتیجه لرینین عمومی سای ۹۳۵ نفر ایدی (A.П.Берже، گؤستریلن اثری، س. ۵۴۹-۵۶۲). بعضی شاهزاده لرین بو تذکره ده داخل ائدیلمه مه سینین سببی بودور کی، تذکره نین یازیلدیغی ایله ده همین شاهزاده لر آریاشلی اولدوقلاری و یا شاعر کیمی تانیما دیقلاری اوچون بو اثره داخل ائدیلمه میشلر.

محمود میرزه قاجار ۱۲۴۱هـ / ۱۸۲۵م. - جی ایلده قادین شاعرلردن بحث ائدن «نقل مجلس» آدلی باشقا بیر تذکره ترتیب ائتمیش دیر. بو تذکره دؤرد فصیلدن عبارت دیر.

۱- جی فصیلده فتحعلی شاهین شاعر قیزلاری؛

۲- جی فصیلده شاعرلیک ائدن دیگر سارای قادینلاری؛

۳- جی فصیلده ایرانین باشقا بۆلگه‌لرینین شاعرلری؛

۴- جی فصیلده ایسه کئچمیش زامان شاعرلری خاطرلاندیرمیش دیر.

«نقل مجلس» تذکره‌سینین الیازمالاری ایسه بریتانیا موزئی کتابخanasی، ایران ملک میلی کتابخanasی، تهران میلی کتابخanasی و حاجی حسین آقا ناخچیوانی نین کولتکسییاسیندا ساخلانماق دادیر (مانی، ۱۳۴۸: ۱۴۹-۱۴۸).

سیف‌الدوله سلطان محمد تقی

سیف‌الدوله سلطان محمد تقی، فتحعلی شاه قاجارین یئددینجی اوغلودور. او، ۱۲۲۴هـ / ۱۸۰۹م. - جو ایلده دونیا یا گلمیشدیر. آتاسی اونون تعلیم تربیه‌سی ایله باغلی ایشلری امیرکبیر حاجی محمدحسین خان قاجارا تاپشیرمیشدی. فتحعلی شاهین دؤورونده بعضی واختلار سارایدا یاشامیش، سفرلرده حؤکمداری مشایعت ائتمیش دیر. ۱۲۴۰هـ / ۱۸۲۴-۲۵م. - اینجی ایلده فتحعلی شاه اصفهان ولایتینده کی اغتشاشلاری یاتیردیلان سونرا سیف‌الدوله‌نی اداره‌چی لیک ایشلرینی حیاتا کئچیرمک اوچون اورادا قویموش، یوسف خان سپه‌سالاری بوتون عراق لی نؤکرلر، بعضی مازاندران لی و آستارابادلی جانبازلارلا بیرلیکده اونون سرانجامینا وئرمیش و بختیاری طایفه‌سینی اونا تابع ائتمیش دیر. اصفهان‌دا اولدوغو مدتده قوروجولوق ایشلری آپارمیش، باغلار، عمارتلر، تکیه‌لر، حماملار تیکدیرمیش دیر. آتاسینین عمرونون سونلاریندا او، بروجرد حاکمی ایدی. محمد شاهین حاکمیتینین اوللرینده اونو تهرانا گتیرمیشدیلر و اورادان آذربایجانا گؤندرمیشدیلر (بئرزئی ۱۸۸۶: ۵۵۵؛ مانی ۱۳۴۸: ۹۷).

سیف‌الدوله «بزم خاقان» («تذکره‌السلطین») باشلیق‌لی تذکره‌سینی ۱۲۴۵هـ / ۱۸۲۹م. - جو ایلده اصفهان‌دا اولارکن بیر دوستونون خواهشیندن سونرا قلمه آلمیش دیر.

تذکره بیر بزم و بئش انجمن‌دن عبارت دیر. تذکره‌نین «بزم» آدلانان بۆلومو ۲۰ مجلسه آیریلیمیش دیر. بو، اصلینده شرف‌الدین رامی (اؤل. ۱۳۹۲/۷۹۵هـ - ۹۳) آدلی شاعرین محبوبون وصفینه حصر ائدی «انیس‌العشاق» اثرینین عینی دیر. فقط بو اثری تذکره‌سینه داخل ائدن سیف‌الدوله اؤزونو اونون مؤلفی کیمی تقدیم ائتمیش دیر.

۶۰ نفرین حیات و یارادیجیلیغینی احاطه ائدن ۱- جی انجمن «اؤل کی سلطانلارین و اسکی سلطان‌زاده‌لرین شعرلربندن بعضی‌لری و اونلارین احوالینین کئیفیتیندن بیر قیسمی» آدلانیر. بورادا ایلک اولاراق صفوی نسلینین منسوبلارینا ۱- شاه اسماعیل ختایی، ۱- جی شاه تهماسب، ۲- جی شاه اسماعیل عادل، ۱- جی شاه عباس ماضی، ۲- جی شاه عباس ثانی، القاس میرزه، بهرام میرزه، ابراهیم میرزه جاهی، سام میرزه سامی، سلطان محمد میرزه، سلطان مصطفی میرزه، مظفر حسین میرزه یئر وئریلمیش دیر. داها سونرا

مختلف گیلان، جیغاتای، هند، اوزبک، عثمانلی، خوارزم، سلجوق، مازاندران و س. حؤکمدار شاعرلریندن بحث ائدیلمیش دیر. بورادا همچنین آذربایجانین دیگر حؤکمدار شاعرلرینه (سلطان اویس جلایری، سلطان احمد جلایری، سلطان یعقوب آغ قویونلو) ده یئر آیریلیمیش دیر.

۲-جی انجمن «عصرین پادشاهینین (فتحعلی شاهین) شعرلرینین ذکر و اونون حالینین و لیاقتلرینین شرحیندن بیر مختصر» سرلوحهسی ایله باشلاماق دادیر.

۳-جو انجمن «شاهزادهلرین شعرلری و حیاتلاری حاقیندا» دیر. بورادا قاجارلار خاندانیندان اولان ۲۳ شاهزاده شاعرین بحث اولونور.

۴-جو انجمن «امیرزادهلرین و یا اولارین نوهلرینین شعرلری و حیاتلاری حاقیندا» دیر. بو انجمن قاجار شاهزادهلرینین اوولادلارینا و اولارین نسلیندن اولان ۱۰ شاعره حصر ائدیلمیش دیر.

۵-جی انجمن ایسه «مؤلفین حیاتینین و شعرلرینین شرحی» آدینی داشیییر. تذکیرهنین مجلس نسخه سینین صورتینی اله ائتمیشیک. تذکره ۱۸۳ صحیفه لیک الیازما مجموعه سی داخلینده یئر آلمیش دیر و اونون ایلک ۶۳ صحیفه سینین احاطه ائتمک ده دیر.

بعضی آذربایجانلی شاعرلرین ترجمه حال لاریندان نمونه لری تقدیم ائدیریک:

«ختایی - مشهور آدی ۱-جی شاه اسماعیل صفوی دیر. اونون نسب - نجابتینین شرحینی یازماغا ضرورت یوخدور. تاریخ کتابلاریندا اونون حاقیندا یازیلیبدیر. بو فرد اونون دوشونجه سینین نتیجه لریندن دیر کی، بورادا قئید ائدیلمیش (سیف الدوله: ۳۰)؛ «جاهی - اسمی سلطان ابراهیم میرزه دیر. بهرام میرزه صفوی نین اوغلودور. نظم، شعر و خط فنینده آتاسینی اوسته له میس دیر. دیوانی دؤرد مین بیت دیر. همچنین تورکجه غزلر و قصیده لر دئتمیش دیر» (سیف الدوله: ۳۱)؛ «سامی - اسمی سام میرزه دیر. شاه اسماعیل صفوی نین اوغلودور. اؤز معاصرلرینین شعرلری باره سینده «تحفه سامی» آدلی تذکره یازمیش دیر. بو شعر و رباعی اوندان دیر کی، اؤز شعرلر منتخباتیندا یازمیش دیر» (سیف الدوله، ۳۱) و س.

تذکره نین الیازمالاری ایران اسلامی شورا مجلسی کتابخاناسی (۱۸۹۴)، ایران میلی کتابخاناسی (۱۶۷۸)، تهران مرکزی کتابخاناسی (۴۶۰۵) و سپهسالار کتابخاناسیندا (۱۱۲۱) ساخلانیلیر.

بهمن میرزه قاجار

فتحعلی شاه قاجارین نوه سی، نایب السلطنه عباس میرزه نین دؤردونجو اوغلو بهمن میرزه نین ۱۲۲۵ هـ / ۱۸۱۰ م. - جو ایله آنادان اولدوغو گمان ائدیلمیش. بیر مدت اردبیل ده یاشامیش، اورانین حاکمی اولموش دور. ۱۲۵۰ هـ / ۱۸۳۴ - جو ایله محمدشاه طرفیندن بروجرد حاکمی تعیین اولونموش، ۱۲۵۷ هـ / ۱۸۴۱ م. - جی ایلده ۱۸۴۷/۱۲۶۳ - جی ایله کیمی جنوبی آذربایجاندا حاکم لیک ائتمیش دیر. لاکین صدر اعظم حاجی میرزه آغاسی نین غرضکارلیغی نتیجه سینده اونونلا قارداشی محمد شاه آراسیندا ناراضی لیق یارانمیش، او حاکم لیکدن اوزاقلانمیش و تهران چاغیریلیمیش و بورادا تعقیبلردن یاخا قورتارماق اوچون روس سفیرلینه سیغینماق مجبوریتینده قالیمیش دیر. اونا روسییا اراضی سینده یاشاماغا اجازه وئریلدیکدن سونرا،

۱۸۴۸-جی ایلین مابین‌دا باکی یا گلمیش و اورادان تیفلیسه یوللانمیش‌دیر. روسییا تابعیتینی قبول ائدن شاهزاده ۱۸۵۱-جی ایلین سونلاریندا اعتباراً شووشا شهرینده یاشامیش و هر ایل روس حکومتیندن ۹۶۰۰ روبل مبلغینده تقاعد آلمیش‌دیر. او، ۱۱ فئورال ۱۸۸۴-جو ایله شوشادا وفات ائتمیش‌دیر.

بهمن میرزه‌دن بحث ائدن مؤلف‌لر اونون ایکی اثرینی خاطیرلاییرلار. بونلاردان بیرینجی‌سی «تذکره محمدشاهی»، ایکینجی‌سی ایسه «شوکورنامه شاهنشاهی»‌دیر (قاجار ۱۹۹۹).

بهمن میرزه اردبیل حاکمی اولارکن قارداشی محمد شاهین خواهشی ایله ۱۲۴۷هـ / ۱۸۳۱-جی ایله «تذکره محمدشاهی» اثرینی یازمیش‌دیر. همین زامان اونون بؤیوک قارداشی شاهزاده محمد هله شاه دئییلدی. تذکره اوچ رشته‌دن عبارت اولوب، الفبا پرینسیپی ایله حاضرلانمیش‌دیر.

بیرینجی حیصه کئچمیش دؤور شاعرلرینه آیریلیمیش‌دیر. بورادا الفبا سیراسی ایله هجری ۱۲-جی عصرین سونلارینا قدر یاشامیش ۱۳۳ شاعرین بحث اولونموش‌دور. بو رشته «اسدی» ایله باشلایب، «یتیمی» ایله سونا چاتیر.

ایکینجی حیصه خاقانا (فتحعلی شاه)، شاهزاده‌لره و آدلی - سانلی امیرلره حصر ائدیلیمیش‌دیر. بورادا یاش حدی اساس گؤتوروله‌رک، ۱۳ شاعر حاقیندا معلومات وئرلیمیش‌دیر. بو رشته‌نین ایکل شاعری «خاقان»، سون شاعری ایسه «حاجب»‌دیر.

اوچونجو حیصه‌ده تذکره‌چی‌نین ۵۶ نفر معاصر الفبا سیراسی ایله خاطیرلانمیش‌دیر. بو رشته «اتابک اعظم میرزه ابوالقاسم قایم‌مقام» ایله باشلایب و «واله» ایله سونا چاتیر (بهمن الیازما).

ایک رشته‌ده‌کی آذربایجان‌لی شاعرلردن ابوالعلا گنجوی، اوحدی ماراغابی، یولقولو بیگ انیسی، لطفعلی بیگ آذر، بهرام میرزه صفوی، قاسم بیگ حالتی تورکمان، حسن خان شاملو، حقیری تبریزی، حیدری تبریزی، شاه اسماعیل ختایی، راغب اردبیلی، شریف تبریزی، صبوری تبریزی، حاجی سلیمان صباحی بیگ‌دلی، شاه تهماسب صفوی، محمد عصار تبریزی، فصیحی تبریزی، حسن بیگ مقیمی تورکمان، معروف تبریزی، حسین بیگ معلوم تبریزی، شیخ محمود شبستری، مهدی بیگ شقاقی، مهستی گنجوی، نظامی گنجوینین آدلارینی چکه بیلرک.

ایکینجی رشته‌ده آدلاری چکیلن دؤولت آدمالارینین اکثری قاجار خاندانین‌دان اولان آذربایجان تورک‌لری‌دیرلر. اوچونجو رشته‌ده آذربایجان‌لی شاعرلر آراسیندا اشرف آذربایجانی، حسین قولوخان افندی زنجانی، میرزه محمدحسین اسیر تبریزی، میرزه محمدرضا بنده تبریزی، محمدامین خان بیگدل بایات، میرزه تقی سالیانی، میرزه خرم آذربایجانی، فاضل خان راوی گروسی، میرزه رضا تبریزی، نجف‌قولو خان تبریزی و باشقا آدلارا راست گلیرک.

تذکره‌ده یئر آلمیش شاعرلریمیزدن بعضی‌لرینین ترجمه حال‌لاریندا نمونه‌لره نظر سالاق: «ابوالعلا گنجوی - بلیکلی بیر فاضل و فراستلی بیر مودریک‌دیر. اوندان بیر دیوان گؤرولمه‌میش‌دیر» (بهمن مجلس: ۵۱)؛ «حقیری تبریزی - او دیارین شاعرلریندن دیر و بو دوبیت اوندان یادگار‌دیر» (بهمن مجلس: ۸۴)؛ «صبوری تبریزی - جواهرات ساتماقلا مشغول اولاردی. بو بیر نئچه بیت اوندان‌دیر» (بهمن مجلس: ۱۵۲)؛ «شاه تهماسب صفوی - اؤزونده گؤزل خصوصیتلری جمع‌لشدیرمیشدی و بیه‌نیلن کمالا صاحب ایدی. اونون احوالینین تفصیلاتی تاریخ اثرلرینده قئید ائدیلیمیش‌دیر. اونون گؤهر ساچان کلامیندا بو قطعه و رباعی قلمه آئیندی»

(بهمن مجلس: ۱۵۸)؛ «مقیمی - اسمی حسن بیگ دیر و تورکمان طایفه سین دن اولموش دور»؛ «معروف - تبریز اهلیندن دیر. رمال لیق پشه سینه ده مالیک اولموش دور» (بهمن مجلس: ۳۵۷)؛ «معلوم تبریزی - آدی حسین بیگ دیر. احوالی نامعلوم دور. اوندان بو فرد یازیلدی» (بهمن مجلس: ۳۵۷) و س. ت. نورعلی یثوا بهمن میرزه نین کوللکسییاسیندان بحث ائدرکن تذکره سینین آذربایجان ملی علملر آکادمیاسینین الیازلار اینستیتوتونداکی نسخه سی حاقیندا معلومات وئریر و اهمیتینی وورغولاییر: «... الیازما یالیز مشهور شاعر و ادیب لر حاقیندا قیسا معلومات وئرمک باخیمیندان دئییل، عینی زاماندا آذربایجان پالتوقرافیاسینین، رساملیق صنعتینین، اونون تاریخینین اؤیرنیلمه سینده بؤیوک اهمیت کسب ائدیر» (نورعلی یثوا ۱۹۹۸: ۸۰).

تذقیقاتیمیز زامانی تذکره نین ایران مجلس کتابخاناسیندا محافظه اولونان ۹۰۳ سایلی نسخه سینین الده ائتمیشیک. بو تذکره نین الیازما نسخه لری ایران مجلس کتابخاناسی (۹۰۲، ۹۰۳)، ایران ملک میلی کتابخاناسی (۴۳۱۷)، تهران اونیورسیتتی کتابخاناسی (۱۰-ب)، ایران آستان قدس رضوی کتابخاناسی و آذربایجان ملی علملر آکادمیاسینین الیازلار اینستیتوتوندا (م - ۲۴، ج - ۱۰۷۹) محافظه اولونماق دایر. احمد گلچین گلچین معانی بهمن میرزه نین سونرادان، ۱۲۵۶هـ / ۴۱-۱۸۴۰م. - جی ایله اؤز تذکره سینین دؤرد حیصه حالینا سالاراق، داهادا تکمیل لشدیرمیش، بورایا بیر چوخ شعر نمونه لری علاوه ائتدینی و اثری «تکمیل تذکره محمدشاهی» آدلاندیردیغینی یازیر. او، بو ایشی همداندا باشا چاتدیرمیش دیر. همین تکمیل لشدیرلمیش نسخه اوستاد محمود فرخ خراسانی نین شخصی کتابخاناسینا مخصوص (ن ۶۷) اولموش دور (مانی ۱۳۴۸).

هولاکو میرزه قاجار

فتحعلی شاهین نوه سی، شجاع السلطنه حسنعلی میرزه نین (۱۲۰۴-۱۲۸۳هـ / ۱۷۹۰-۱۸۶۶م.) بؤیوک اوغلو هولاکو میرزه قاجار پوژییادا اولجه «عشق» و داها سونرا «خراب» تخلصو ایله تانینمیش دیر. ت. حسن زاده نین وئردیی معلوماتا گؤره، اوللر عشق تخلصو ایله شعرلر یازمیش هولاکو میرزه نین اؤز تخلصونو ده بیشمه سی اونون ایران دان بین النهرینه (عراقا) مهاجرت ائتدی زامان باش وئرمیش دیر. بئله کی، او، کربلادا شیخیه طریقتینین بانیسی شیخ احمد احسانی نین شاگردی حاجی سید کاظم رشتی ایله گؤروشوموش، سید اونا تخلصونو ده بیشمه یی مصلحت بیلیمیش و اونا «خراب» تخلصونو وئرمیش دیر (حسن زاده ۲۰۱۱: ۲۰۰). اونون آتاسی مختلف واختلاردا خراسان دا، یزده، کرمان دا حاکم لیک ائتمیش، دیگر دؤولت وظیفه لرینی یئرینه یئتیرمیش، افغان لارلا، تورکمن لرله، اؤزبک لرله و خراسانین عصیانکار خانلاری ایله موباریزه آپارمیش دیر. بوتون بو فعالیتی عرضینده بؤیوک اوغلو هولاکو میرزه اوناو مشایعت ائتمیش دیر. ۱۲۵۰هـ / ۱۸۳۴م. - جو ایله فتحعلی شاه وفات ائتدیکدن سونرا بعضی شاهزاده لر حاکمیت سؤداسینا دوشدولر و اغتشاش لار تورتدیلر. همین واخت هولاکو میرزه نین آتاسی حسنعلی میرزه کرمان حاکمی ایدی. او، قیام قالدیراراق اصفهانا هجوم ائتمیش، اوغلو هولاکو میرزه ایسه یزد شهرینی اله کئچیرمیشدی. لاکین تنزلیکله محمدشاه تاخت-تاجدا یئرینی محکم له دهرک، بو قیاملاری یاتیرماغا نایل اولدو. حسنعلی میرزه دوستاق ائدیلدی و گؤزلی کور

اُتدیلدیکن سونرا اردبیل قالاسیندا حبسه سالیندی. او، ناصرالدین شاهین حاکمیتینین اولینده آزادلیغا بوراخیلاراق تهرانا گلدی و ۱۲۷۰هـ / ۱۸۵۳م. -جو ایله وفات ائتدی. حسنعلی میرزه «شکسته» تخلصو ایله شعرلر یازاردی. اونون دیوانی آستان قدس رضوی کتابخاناسیندا ۴۶۸۰ شیفره‌سی ایله محافظه ائدیله.

آتاسینین مغلوبیتیندن و محمد شاهین رسمن تاختدا ایلشمه‌سیندن سونرا یزددن کرمانا قاییدان هولاکو میرزه حج زیارتی بهانه‌سی ایله ارادان چیخماغی قرارا آلیر. او، عؤمرنونن آخیرینا کیمی عرب اؤلکه‌لرینی، عثمانلی دؤولتینین اراضی‌سینی، فرنگ (آوروپا) دیارینی گزیب - دولاشماقلا گونلرینی کتچیریر. ۱۲۸۳هـ / ۱۸۶۶م. - جی ایله کاضمینده اؤلدویو احتمال ائدیله. شکسته خطینی گؤزل یازدیغی، نقاش‌لیق و شاعرلیک مهارتینین اولدوغو بیلدیریلیر (مانی ۱۳۴۸: ۴۸۲). او، ادبیاتی و خطاطلیق صنعتینی اوستادی میرزه عبدالوهاب معتمدالدوله نشاط اصفهانی‌دن (اؤلوم. ۱۲۴۴هـ / ۱۸۲۸-۲۹ م.) اؤیرنمیشدی (حسن‌زاده ۲۰۱۱: ۲۰۰).

هولاکو میرزه ۱۲۵۵-۵۶هـ / ۱۸۳۹-۴۰ م. -جی ایللرده «خرابات» آدلی عمومی کاراکترلی تذکره قلمه آلمیش‌دیر. بورادا فارس، تورک، عرب، هند، اؤزبک، افغان و ب. خالقلاردان اولان قدیم و یئنی شاعرلرین ترجمه حال‌لاری یئر آلمیش‌دیر. اثرده الفبا آردیجیلیغی ایله ۱۷۲ نفر کتچمیش دؤور شاعرلری و ۳۳۷ نفر معاصر شاعر حاقیندا معلومات وئرلمیش‌دیر. مهاجرت حیاتی یاشایان شاهزاده تذکره‌نین هر صحیفه‌سینی مختلف شهر، لیمان، زیارتگاه، آدا و یا دنیزلرده یازمالی اولور.

تذکره‌نین دیباچه‌سینده مؤلف غوربت ائللرده کؤنلونو مشغول ائتمک اوچون کتچمیش و معاصر شاعرلرین بهیه‌ندی شعرلرینی توپلاییب، اونلار حاقیندا بیر اثر یازماغی قرارا آلدیغینی بیلدیریر. دیباچه‌نین سونوندا او، اؤلر «عشق» تخلصو ایله یازدیغینی و دربدر اولوب مهاجر حیاتی‌نا دوشدویو اوچون تخلصونو «خراب» ایله عوض ائتدینی گؤستریر.

بو اثرده اوحدی ماراغایی، آذر بیگدلی، صایب تبریزی، عذری بیگدلی، قاضی‌زاده اردبیلی، شیخ محمود شبستری، نثسه تبریزی (عبدالرزاق)، نصراله میرزه افشار، نسیم قاجار، همام تبریزی، یقینی خالخالی کیمی شاعرلریمیز کتچمیش دؤور شاعرلری سیراسیندا، آشفته ایروانی (حسین بیگ)، افسر قاجار (محمدرضا میرزه)، آشوب ایروانی (میرزه اسماعیل)، انصاف قاجار (ملک ایرج میرزه)، بنده تبریزی (میرزه رضی)، بیضا قاجار (آلاهوئردی میرزه)، بیضا قاجار (امام‌قولو میرزه ابن دؤولت‌شاه)، حصار بیگدلی (محمدصادق خان)، حسین ایروانی (محمدحسین)، حاجب قاجار (آلاهیاریخان)، حشمت قاجار (همایون میرزه)، خراب قاجار (هولاکو میرزه)، خاقان (فتحعلی شاه)، خسروی (محمدقولو میرزه ملک‌آرا)، خاور قاجار (حیدرقولو میرزه)، دارای قاجار (عبدالله میرزه)، راوی گروسی (محمدفاضل خان)، شاپور قاجار (شیخعلی میرزه)، شرر بیگدلی (حسینعلی بیگ)، شکسته قاجار (حسنعلی میرزه)، طوطی جوانشیری (ابولفتح بیگ)، عادل قاجار (علیشاه ظل‌السلطان)، عزت قاجار (سلیمان خان)، فنایی خویی (میرزه عبدالرسول)، قابیل قاجار (حسنعلی خان ایروانی)، میرزه محمد کوزکنانی تبریزی، مهدی بیگ شقاقی، مریخ قاجار (محمدباقر خان)، منصور سربابی (میرزه رضا)، مسرور قاجار (حسین‌قولو خان)، مسرور بیگدلی (ولی محمد خان)، مینای افشار اورومی (فریدون)، محمود میرزه قاجار، منصف قاجار (محمدزمان خان)، مظهر قاجار (مهدی‌قولو بیگ)، نصراله میرزه قاجار، نصراله خان قاراگؤزلو، نصرت تالشی (سلطان حسین بیگ)، ناقص تبریزی (میرزه مهدی)،

همایون میرزه قاجار کیمی شاعرلریمیز ایسه معاصر شاعرلر آراسیندا یئر آلمیش دیر. مؤلف فارسجا یازان شاعرلره یاناشی، تورکجه و عربجه یازان شاعرلره ده یئر وئرمیش دیر. بئله کی، کئچمیش شاعرلر فصلینده تورکجه یازان شاعرلردن ذهنی عثمانلی، روحی عثمانلی، غالب افندی عثمانلی، مشهور شاعریمیز فضولی نین اوغلو فضلعلی و امیر علیشیر نوایی، معاصر شاعرلر فصلینده ایسه ابراهیم افندی، بغداد وزیرلی علیرضا پاشا، پرتو پاشا، راشید افندی، کمال افندی عثمانلی و ندیم بغدادی (محمود بیگ) خاطیرلانمیش لار (گلچین معانی ۱۳۴۸: ۴۸۲-۵۱۲).

«خرابات»-ین الیازمالاری ایران اسلامی شورا مجلسینین کتابخاناسیندا ۱۳۸۸ و ۹۲۲ شیفرهسی ایله محافظه اولونماقدادیر. سونرادان هولاکو میرزه «خرابات» تذکره سینین معاصر شاعرلر حیصه سیندن عبارت «خراب» آدلی باشقا بیر تذکره ده ترتیب ائتمیش دیر. «خراب»-ین الیازمالاری تهران اونیورسیتتی مرکزی کتابخاناسی (۵۰۸)، ایران ملک میلی کتابخاناسی (۲۴۶)، گلچین گلچین معانی نین شخصی کتابخاناسی و پاریس میلی کتابخاناسیندا (۱۱۶۰) قورونور. تذکره نین پاریس میلی کتابخاناسیندا ۱۱۶۰ شیفرهسی محافظه اولونان نسخه سی دؤکتور خیامپور طرفیندن ایران دا نشر ائدیلیمیش دیر.

خداوئردی خان قاجار

ایران اسلامی شورا مجلسینین کتابخاناسیندا قاجارلار نسلینین دیگر بیر نماینده سینین ترتیب ائتدی «تذکره مدایح ایلخانی» آدلی داها بیر تذکره نسخه سینین آشکارلامیشیق. قتید اندک کی، فارسجا تذکره لره دایر ایکی جیلدلیک اثر یازمیش احمد گلچین گلچین معانی بو تذکره حاقیندا معلومات وئرمیش دیر. سؤزو گئئن اثرین مؤلفی «ادب» پوئتیک تخلصو ایله تانینان خداوئردی ابن محمد ابراهیم خان قاجاردیر (ادب قاجار). اونون آتاسی محمد ابراهیم خان، فتحعلی شاهین عمی سی اولان محمدحسن خانین نوه سی و مهدی قولو خانین اوغلودور (بئژئی، ۱۸۸۶: ۵۵۹).

«تذکره مدایح ایلخانی» قاجارلار دؤورونون اورتالاریندا یاشاییب - یاراتمیش ۳۷ شاعرین قیسا شرحی - حاللارینی، اثرلریندن و شعرلریندن نمونه لری احاطه ائدیر. بو شاعرلردن بعضی لرین آدلارینا همین دؤورون دیگر مشهور تذکره لرینده، مثلاً، رضاقولو خان هدایتین «مجمع الفصحا»- سیندا راست گلمیریک. بو اثر ایلك نؤوبه ده شاعرلرین تذکره چی نین اوغلو اولان و کمال تخلصو ایله شعرلر یازان آلاهلر قولو میرزه ائلخانی نین مدحینده دئدیکلری شعرلری توپلاماق مقصدی ایله یازیلیمیش و اثرین آدی دا بو سببدن «تذکره مدایح ایلخانی» قویولموش دور. تذکره ده آن چوخ مشرق و رضوان تخلصو شاعرلرین شعرلریندن اؤرنکلر وئریلمیش دیر. دیباچه ده قتید ائدیلمیش کیمی، اثر ۲۸ ذی الحجه ۱۲۵۶-جی ایله ده (۱۸۴۱/۰۲/۲۰) یازیلماغا باشلانمیش دیر (ادب قاجار: ۱). استفاده ائتدییمیز نسخه ۱۴۹ صحیفه دن عبارت دیر و ۱۲۹۸-جی ایلین ذی الحجه آییندا (۱۸۸۱/۱۱/۲۲) کؤچورولوب تاماملانمیش دیر. بورادا تخمیناً اوچ مین بیت یئر آلمیش دیر. تذکره ده ادب (خداوئردی قاجار)، رضوان (سام میرزه قاجار)، سلیمان خان قاجار، علیرضا میرزه قاجار، منشی میرزه عبدالله خلج و ب. کیمی آذربایجان تورک اصیل لی شاعرلره یئر آلمیش دیر. تذکره نین ترتیبینده واحد بیر پرنسیپ گؤزلیلمه میس دیر.

محمدباقر خان قاجار

محمدباقرخان قاجار فتحعلی شاه قاجارین قارداشی حسین‌قلو خانین اوغلودور. مریخ تخلصو ایله شعرلر یازمیشدیر. هجری ۱۳ و میلادی ۱۹-اونجو عصرین بیرینجی یاریسینا عاید «فلک المریخ» آدلی تذکره‌سی واردیر. سیدمحمد محیط طباطبایی «ارمغان» ژورنالینین ۱۲ بوراخیلیش ایلینین ۸-جی سایندا چاپ اولونموش شاعر سید حسین مجمر زواره‌ای حاقیندا مقاله‌سینده محمدباقرخان قاجارین «فلک المریخ» تذکره‌سینه استناد ائده‌رک بو معلوماتی وئرمیش‌دیر: «محمدباقرخان مریخ «فلک المریخ» تذکره‌سینده بئله نقل ائدیر: «شاعریکده او مرتبه‌یه چاتمیشدی کی، فصاحتده ملک‌الشعرادان باشقا دیگر بلاغت صاحب‌لریندن اؤنه چیخمیشدی. لاکین طبعینین ترقی‌سی واختیندا او بیرى دونیا کؤچدو». گلچین گلچین معانی چوخ آختارسا دا، بو اثری تاپا بیلمه‌دیینی قئید ائدیر (گلچین معانی ۱۳۵۰: ۲۶-۲۷).

هولاکو میرزه قاجار «خرابات» تذکره‌سینده محمدباقرخان حاقیندا بئله یازیر: «مریخ قاجار - شرفلی اسمی سرکار محمدباقرخان‌دیر. او، حضرت صاحبقرانین فتحعلی شاهین آتاییر، آنابیر دوغما قارداشینین اوغلودور. چوخ ظریف و یاخشی خصلتلی‌دیر. لیاقتلی آدم‌دیر و دیوان صاحبی‌دیر».

محمدباقرخان قاجارین حیات و یارادیجیلیغی حاقیندا ساده‌جه بو معلوماتلاری الده ائده بیلیمیشیک.

حیدرقلو میرزه

حیدرقلو میرزه فتحعلی شاه قاجارین ۱۵-جی اوغلودور. آتاسینین زامانیندا گلیایگان حاکمی اولموش، داها سونرا ایسه حاکم‌لیکدن آزاد ائدیلمیش و تهرانا چاغیریلیمیش‌دیر (بئژری، ۱۸۸۶: ۵۵۶). دیوانینین الیازما نسخه‌سی آستان قدس رضوی کتابخاناسیندا ۴۱۴ شیفره‌سی ایله ساخلانیر.

اونون «تذکره خاور» اثری تذکره آدینی داشیسا دا، اصلینده قدیم و یئنی شاعرلرین شعرلریندن عبارت منتخبات‌دیر. اوچ «بخش» دن عبارت‌دیر: ۱-جی قصیده‌لر؛ ۲-جی غزل‌لر؛ ۳-جو رباعی‌لر.

بوراداکى شعرلر قافییه و ردیفه گؤره الفبا آرادیجیلیغی ایله سیرالانمیشلار. بو مجموعه شاعرلرین بیر - بیرلرینی یامسپلاماق و تقلید ائتمک اوچون سؤیله‌دیکلری شعرلردن عبارت‌دیر. الیازماسی ملک کتابخاناسیندا ۴۳۰۰ شیفره‌سی ایله محافظه اولونور (گلچین معانی ۱۳۴۸: ۲۱۹-۲۲۰).

محمدقولو میرزه قاجار

فتحعلی شاهین اوچونجو اوغلو محمدقولو میرزه قاجار ۲۲ رمضان هجری ۱۲۰۳ / میلادی ۱۷۸۸-۸۹-جو ایلده آنادان اولموش، هجری ۱۲۸۹ / میلادی ۱۸۷۲-جی ایلده وفات ائتمیش‌دیر. آتاسینین حاکمیتی دؤورونده مازندراندا حاکم‌لیک ائتمیش، فتحعلی شاهین اؤلوموندن سونرا ایسه همدانا سورگون ائدیله‌رک اورادا یاشامیش‌دیر. پوتتیک تخلصو «خسروی»، لقبی ایسه «ملک‌آرا»‌دیر.

محمدقولو میرزه «تذکره خسروی» آدلی عمومی کاراکترلی اثر قلمه آلمیش‌دیر. بورادا هم قدیم، هم ده یئنی دؤورون شاعرلری حاقیندا معلومات اؤز عکسینی تاپمیش‌دیر. قارداشی محمود میرزه «گلشن محمود» اثرینده

اونون دۆرد مین بیتلیک دیوانیندان و تذکره‌سیندن بحث ائتمیش، اونون تذکره‌سینین لطفعلی بیگ آذرین «آشکده» سیندن اوستون اولدوغونو ادعا ائتمیش دیر (بئری، ۱۸۸۶: ۵۵۴؛ گلچین معانی ۱۳۴۸: ۲۲۱).

علیرضا میرزه قاجار

شهره تخلصو ایله تانینان علیرضا میرزه قاجار هجری ۱۳-جو عصرین اورتالاریندا «بساتین الخاقانیه» آدلی تذکره ترتیب ائتمیش دیر. بعضی معلوماتلار گۆره، فتحعلی شاهین ۲۰-جی اوغلودور، دیگر بیر معلوماتا گۆره ایسه ۲۱-جی اوغلودور. هجری ۱۲۱۸-جی ایلین ذی‌القعدة آیینین ۶-دا (۱۸۰۴/۰۲/۱۷) آنادان اولموشدور. اساس اعتباریله تهران‌داکی شاه ساراییندا یاشامیش، بیر مدت ایسه دوغما قارداشی محمدرضا میرزه‌نین حضوروندا گیلان‌دا قالمیش دیر. ناصرالدین شاهین حاکمیتی دؤورونده (۱۸۴۸-۱۸۹۶) ملایره سفر ائتمیش و اورادا دونیاسینی ده‌ییشمیش دیر (بئری، ۱۸۸۶: ۵۵۶؛ گلچین معانی ۱۳۴۸: ۳۲۲). تذکره‌چی لر اونون عیش - عشرته و آیه‌نجه‌لره چوخ واخت آیردیغینی وورغولامیشلار. شهره‌نین ۱۷۰۰ بیتدن عبارت دیوانی‌نا قصیده‌لری، غزل‌لری، رباعی‌لری، قطعه‌لری و مثنوی‌لری داخلیدیر. مؤلفین حیات یولداشی دلدارخان لرستانی‌نین خطی ایله کؤچورولموش بو «دیوان»-ین الیازما نسخه‌سی ایران اسلامی شورا مجلسینین کتابخاناسیندا ۱۰۰۶ شیفه‌سی ایله محافظه اولونور.

«بساتین الخاقانیه» تذکره‌سی الفبا پرینسیپی اساسیندا حاضرلانمیش دیر. بئش «بوستان» دان عبارت اولان تذکره‌نین هر «بوستان» اصلینده مستقل بیر تذکره‌دیر. هر جیلدین اولکینده مقدمه و مقصدین بیانی، دها سونرا ایسه شاعرلرین ترجمه حال‌لاری، الفبا سیراسی ایله شاعرلرین فهرستی، آخیردا ایسه اونلارین هر بیرینین شعرلریندن نمونه‌لر تقدیم اولونموش دور.

بیرینجی بوستان «بوستان العشاق» غزلخوان‌لار حاقیندادر. هجری ۱۲۴۸ و میلادی ۱۸۳۲-۳۳-جو ایلده یازیلدیغینا دایر قئیده مالیک‌دیر. ۴۰۴ شاعری احاطه ائتمکده‌دیر. دۆرد قیسیم‌دن عبارت‌دیر: دیباچه، ترجمه حال‌لار، شاعر آدلارینین فهرستی و شعرلر. ترجمه حال‌لار و فهرست شاعر آدلارینین ایلک حرف‌لری، شعر نمونه‌لری ایسه قافیله‌لرین سون حرف‌لری اساسیندا الفبا سیراسی ایله دوزولموش دور. گلچین معانی مؤلفین بعضی یانلیشلیقلار یول وئردینی یازیر. بئله کی، تذکره‌ده لطفعلی بیگ آذر بیگدلی شاملو، آذر بیگدلی و آذر شاملو آدی آلتیندا ایکی آیری-آیری شاعر کیمی تقدیم اولونموش دور. احمد بیگ اختر گورجو ده سهوه‌ن ایکی مختلف یئرده آیری-آیری آدلارلا وئرلمیش دیر. سلطان یعقوب آغ‌قویونلونون سارای شاعری بابا شهید قُمی‌نین آدی یانلیشلیقلا شهید قزوینی کیمی یازلمیش، ملا محمد صوفی مازندرانی ایسه محمد صوفی اصفهانی کیمی قئید ائدلمیش دیر و س. لاکین تذکره‌چی شخصاً تانیدیغی شاعرلر حاقیندا قیمتلی معلوماتلار وئریمیش، دیگر تذکره‌لرده یئر آلمایان شاعرلری خاطرلایتمیش دیر.

تذکره‌نین ایران کتابخانالاریندا مختلف نسخه‌لری محافظه ائدلمکده‌دیر: آستان قدس رضوی (۲۴۰۰)، تهران میلی کتابخاناسی، اوستاد سعید نفیسی‌نین شخصی کتابخاناسی.

ایکینجی بوستان «بوستان البدایه» قطعه دئیانه‌لر حاقیندادر؛

اوچونجو بوستان «بستان الفضایل» قصیده دئییه‌نلر حاقیندادیر. دؤرد ایل عرضینه یازیلیمیش و هجری ۱۲۵۱ و میلادی ۱۸۳۵-جی ایلده باشا چاتدیریلیمیشدیر. ۱۳۰ شاعرین بحث ائدیر. «بستان الفضایل»-ین ساده‌جه بیر نسخه‌سی گونوموزه چاتمیشدیر. بو نسخه آقا عبدالحسین بایاتین شخصی کتابخanasیندادیر.

درردونجو بوستان «بستان المعارف» مثنوی دئییه‌نلر حاقیندادیر؛

بئشینجی بوستان «بستان الصنایع» رباعی دئییه‌نلر حاقیندادیر. هجری ۱۲۵۰ و میلادی ۱۸۳۴-جو ایل حدودوندا قلمه آلمیشدیر. «بستان الصنایع»-نین یگانه نسخه‌سی تهران میلی کتابخanasیندا (۵۹) ساخلانیلیر. گلچین معانی تذکره‌نین ایکینجی و دؤردونجو بوستانلارینین دؤوروموزه قدر گلیب چاتمادیغینی یازیر (گلچین معانی ۱۳۴۸: ۱۲۰).

«بستان العشاق»-دا امام‌وردی میرزه قاجار، افسر قاجار (محمدرضا میرزه)، احمدعلی میرزه قاجار، انصاف قاجار (ملک ایرج میرزه)، امید قاجار (اسداله میرزه ابن محمدرضا میرزه)، آواز تالشی، لطفعلی بیگ آذر، آشفته ایروانی (کربلایی حسین بیگ)، ادب قاجار (خداوردی خان ابن محمدابراهیم خان)، الفت افشار (محمدرضا میرزه)، اوحدی ماراغی، پروانه قاجار (محمد میرزه ابن محمدرضا میرزه)، بیدل قاجار (عباس‌قلو)، برقی خویی (عبدالله)، بزمی بیگدلی (میرزه صادق)، تأثیر تبریزی، تمکین شیروانی، تقی صفوی، جهانشاه میرزه قاجار، چشمه ایروانی (رضاقولو خان)، حسینعلی میرزه قاجار، حالت تورکمان رازی (قاسم بیگ)، خسرو قاجار (محمدرضا میرزه ملک‌آرا)، خسرو قاجار (محمدرضا میرزه)، خاور قاجار (حیدرقلو میرزه)، خجسته قاجار (چنگیز میرزه ابن محمدرضا میرزه)، دولت قاجار (محمدرضا میرزه)، دارای قاجار (عبدالله میرزه)، داور قاجار (رضاقولو میرزه ابن افسر قاجار)، داور قاجار (موسی خان)، دوردی تورکمان (محمدامین بیگ)، رسوای قاجار (محسن میرزه ابن عبدالله میرزه)، راوی گروسی (محمدفاضل خان)، سرور قاجار (تهماسب میرزه)، شکسته قاجار (حسنعلی میرزه شجاع‌السلطنه)، شوکت قاجار (محمدتقی میرزه)، شاپور قاجار (شیخ علی میرزه)، شهره قاجار (علیرضا میرزه)، شکوه قاجار (نصراله میرزه ابن محمدرضا میرزه)، شوکت قاجار (محمدقاسم خان)، شاه عباس ثانی، شرر بیگدلی (حسنعلی بیگ)، صباحی بیگدلی (حاجی سلیمان)، صائب تبریزی، صفای تبریزی (علینقی)، صبوری تبریزی، طغرل قاجار (ابراهیم خان)، طوفی تبریزی (محمدعلی)، طبیب ایروانی (میرزه محمد)، عادل قاجار (علیشاه ظل‌السلطان)، عزت قاجار (حاجی سلیمان خان)، عذری بیگدلی (اسحاق بیگ)، غالب صفوی (میرزه علی‌اکبر)، فوق تبریزی (میرزه محمد)، قاسم انوار تبریزی (معین‌الدین علی)، قایل ایروانی (حسنعلی خان)، قسمی افشار (قاسم بیگ)، محمود میرزه قاجار، مسعود ابن محمود میرزه، مفتون دنبلی (عبدالرزاق بیگ)، منت افشار (کریم خان)، مهدی‌قلو شقاقی آذربایجانی، منصف قاجار (محمدزمان خان)، نیاز صفوی (احمد میرزه)، نصرت لنکرانی (سلطان حسین بیگ)، نظامی گنجوی، نصراله قاراگوزلو همدانی، والای قاجار (علینقی میرزه)، همایون میرزه قاجار و ب. آذربایجان شاعرلریندن بحث اولونموش دور.

«بستان الفضایل»-ده کی آذربایجانلی شاعرلر: افسر قاجار، انصاف قاجار، اوحدی ماراغی، بنده (محمدرضا ابن میرزه محمدشفیع تبریزی)، حکیم قطران تبریزی، خاقانی شیروانی، داور قاجار (موسی خان)، سید ذوالفقار شیروانی، راوی گروسی، شکسته قاجار، شکوه قاجار، شهره قاجار، صائب تبریزی، صباحی بیگدلی، عنقا قاجار (محمدحسین میرزه)، فصیحی تبریزی، محمود میرزه قاجار، مجیر بیلقانی، منصف قاجار، مسعود میرزه قاجار، نظامی گنجوی.

نتیجه

آپاردیغیمیز آراشدیرمالارین نتیجه‌سی اولاراق معلوم اولور کی، قاجارلار سولاله‌سینه منسوب اولان ۹ قاجار شاهزاده‌سی - محمود میرزه، سیف‌الدوله سلطان محمدتقی، بهمن میرزه، هولاکو میرزه قاجار، خداوئردی خان قاجار، محمدباقرخان قاجار، حیدرقولو میرزه، محمدقولو میرزه قاجار، علیرضا میرزه قاجار طرفین دن ۱۱ تذکره قلمه آیینمیش‌دیر. آذربایجان‌لی شاهزاده‌لرین یازدیقلاری بو تذکره‌لر فارس دیلی ادبیاتین اؤیرنیلمه‌سی باخیمدان بؤیوک اهمیت کسب اتمکده‌دیر. بو تذکره‌لرده آذربایجان ادبیاتین تمثیلچی‌لرینه گئنیش یئر وئرلمیش‌دیر. عینی زامان‌دا هولاکو میرزه‌نین «خرابات» ادلی تذکره‌سینده عثمانلی ادبیاتین بیر سیرا نماینده‌لری تقدیم ائدیلمیش‌دیر کی، بو دا قتید اولونان تذکره‌نین عثمانلی ادبیاتین دا قاینای کیمی اهمیت کسب ائتدینی گؤستریر.

شرق خالقلاری ادبیاتین اؤنملی قاینالاریندان اولان بو اثرلر ایندییه کیمی آذربایجان تذکره‌چی‌لیک تاریخینه بئله داخل ائدیلمه‌میش و نشر اولونمامیش‌دیر. قتید اولونان بو اثرلرین ترجمه‌سی، نشری و تدقیقی متن‌شوناس لاریمیز قارشیسیندا دوران اؤنملی وظیفه‌لردن‌دیر.

ادبیات

- ادب قاجار. تذکره مدایح ایلخانی. مجلس کتابخانه‌سی، نومه ۸۵۸۸.
حسن‌زاده، ت، (۲۰۱۱)، قاجارلار دؤورونون تیتولاری. باکی.
سیف‌الدوله، بزم خاقان، ایران مجلس کتابخانه‌سی، نومه ۸۹۴.
قاجار، بهمن میرزه، (۱۹۹۹)، شوکورنامه شاهنشاهی، علمی رئاکتور. س. رحیم‌اوا. باکی.
قاجار، بهمن میرزه، تذکره محمدشاهی. الیازمالار اینستیتوتو، م-۲۴.
قاجار، بهمن میرزه، تذکره محمدشاهی. ایران مجلس کتابخانه‌سی.
گلچین گلچین معانی، احمد، (۱۳۵۰)، تاریخ تذکره‌های فارسی. جلد ۱-۲. تهران.
موسالی، وصاله، (۲۰۱۲)، آذربایجان تذکره‌چی‌لیک تاریخی. باکی.
نورعلی‌یثوا، ت، (۱۹۹۸)، آذربایجان ادبیاتین تدقیقینده الیازما کوللکسییالارین اهمیت، باکی.
SÜMER F. Kaçarlar // DVİA, ۲۴. cilt, s. ۵۱-۵۳.
SÜMER F. (۱۹۹۹). Safevi Devletinin kuruluşu ve gelişmesinde Anadolu Türklerinin rolü. Ankara : TTK Basımevi.
Берже А.П. (۱۸۸۶) Фетх-Али-шах и его дети (исторический очерк) // «Русская старина», № ۶с.۵۵۶.
Стори Ч.А. (۱۹۷۲), Персидская литература. ۳ том. Москва.

بررسی اتیمولوژی «آذربایجان» در جامع‌التواریخ

لطفعلی برقی^۱

چکیده

درباره اتیمولوژی واژه آذربایجان نظرات گوناگونی مطرح شده است. یکی از این نظرات مطلبی است که در بخش تاریخ اوغوز جامع‌التواریخ تألیف خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی آمده است که بنابر آن، آذربایجان/ آذربایگان مرکب از سه واژه ترکی «آدر» به معنی بلند، «بای» به معنی محتشم و توانگر، و «گان» به معنی محلّ و مکان است. طبق این اتیمولوژی می‌توان گفت که آذربایگان در کلّ به معنی «جایگاه محتشمان بلندمرتبه» است. ما در این مقاله بدون هیچ اصراری بر قطعیت اتیمولوژی مذکور در جامع‌التواریخ، این نظر را به محک تطبیق و مقایسه با مخزن واژگان و قواعد زبان ترکی زده‌ایم تا روشن کنیم نظریه ترکی بودن واژه آذربایجان که از طرف خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی مطرح شده، تا چه حدّ با مبانی علمی و اصول دانش ریشه‌شناسی در زبان ترکی هماهنگ و منطبق است.

واژگان کلیدی: آذربایجان، اتیمولوژی، جامع‌التواریخ، زبان ترکی

^۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، lotfealibarghi@gmail.com

مقدمه

درباره نام سرزمین آذربایجان که محدوده آن تقریباً از شمال تا کوههای قفقاز و شهر دربند، از جنوب تا همدان، و از غرب تا نواحی ارزنجان و دیار بکر در ترکیه امروزی گسترده بوده، نظرات متفاوتی ارائه و اتیمولوژی‌های گوناگونی پیشنهاد شده است. از میان این نظریات، دو نظر طرفدار بیشتری دارد. نخستین آنها نظری است که بر اساس آن این ناحیه از آنجا که دارای آتشکده‌های بسیاری بوده، آتورپانگان در معنی محلّ مراقبت از آتش یا آتشکده نامیده شده است (رئیس نیا، ۱۳۶۸: ۹۱/۱ - ۹۶). نظر دوم نیز که نسبت به اولی پر طرفدارتر است از گفته‌های استرابون جغرافی‌نگار یونانی متأثر است که طبق قول او آذربایجان از نام سرداری به نام آتروپاتس اخذ شده است که مانع تصرف این ناحیه توسط اسکندر مقدونی شد و بعدها اخلاف همو بر این ناحیه حکم راندند (همان: ۹۶ - ۹۷).

غیر از این دو نظر، یکی دیگر از اتیمولوژی‌های ارائه شده برای واژه آذربایجان مطلبی است که خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در بخش تاریخ اوغوز از اثر بزرگ و نامبردارش جامع‌التواریخ آورده است. خواجه رشیدالدین هنگام اشاره به فتح شدن آذربایجان توسط اوغوز و یارانش می‌گوید: «ولایت آذربایگان را هم بگرفتند، و اسپان خاصه خود را در مرغزار صحرای اوجان که جایی بس خوش و هموار است، ببست و در وقتی که آنجا بودند روزی فرمود که همه جمع شوند و هر یک دامنی خاک بیارند و آنجا پشته‌ای سازند؛ و اول خود یک دامن خاک بیاورد و بریخت و چون به نفس خود خاک بریخت، تمامت لشکر هر یک دامنی خاک بیاوردند و بریختند. پشته‌ای بزرگ شد، نام آن پشته آذربایگان [نهادند] و معنی آدر به ترکی بلند باشد و معنی بایگان، جای توانگران و محتشمان، و آن را بدان مشهور کرد و اکنون [که] آذربایجان می‌گویند، بدان سبب است.» (همدانی، ۱۳۸۴: ۲۲ - ۲۳). بدین ترتیب می‌توان گفت که طبق این عبارات کتاب جامع‌التواریخ، واژه آذربایجان / آذربایگان کلمه‌ای ترکی و تقریباً به معنی «جایگاه محتشمان بلندمرتبه» است. این مطلب بعد از جامع‌التواریخ در فرهنگهای فارسی هم آمده است. مؤلف فرهنگ جهانگیری همین مطلب را عیناً به نقل از جامع‌التواریخ نقل کرده است. در برهان قاطع نیز ذیل ماده آذربایگان همین مطلب البته بدون ذکر مأخذ تکرار شده است (برهان تبریزی، ۱۳۴۲: ۲۴/۱). بعدها کسروی در یادداشتی که پیرامون اتیمولوژی آذربایجان نوشت، از آنجا که دانش وسیعی در حوزه زبان ترکی نداشت، اتیمولوژی منقول در جامع‌التواریخ را بدون آنکه آن را مورد بررسی و تطبیق با مخزن واژگان زبان ترکی قرار دهد، از ابتدا افسانه‌ای و بی‌سر و بن پنداشت (کسروی، ۱۳۳۵: ۱۳۱). لکن به گمان ما آنچه خواجه رشیدالدین درباره وجه تسمیه آذربایجان ذکر کرده است از آنجا که با داده‌های علمی مأخوذ از زبان ترکی هماهنگی تام دارد، نباید سرسری افسانه پنداشته شده و رد شود. بلکه سزا این است که فارغ از پذیرش قطعی این اتیمولوژی، حداقل مورد تأمل و تحقیق قرار بگیرد و در مباحث مربوط به اتیمولوژی آذربایجان گوشه چشمی هم به آن افکنده شود.

ما در این مقاله تلاش خواهیم کرد که بدون هیچ اصراری بر قطعیت ترکی بودن واژه آذربایجان، تنها اتیمولوژی منقول در جامع‌التواریخ را به محک دانش ریشه‌شناسی بر اساس مخزن واژگان و قواعد زبان ترکی بزنیم و ببینیم که این اتیمولوژی تا چه حد با حقایق علمی هماهنگ و منطبق است. از آنجا که قول

جامع‌التواریخ درباره اتیمولوژی آذربایجان را می‌توان برخاسته از تجزیه این کلمه به سه جزء آذر/ آدر در معنی بلند، بای در معنی محتشم و توانگر، و گان در معنی جایگاه و محل دانست، ما هم این سه جزء را جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. آدر = بلند

خواجه رشیدالدین جزء اول آذربایگان / آذربایگان یعنی «آدر» را به معنی بلند دانسته است. این واژه را می‌توان با کلمه ترکی «آذر / ađiz» که به شهادت دیوان لغات‌التترک کاشغری در ترکی قراخانی به معنی «بلند و مرتفع» بوده مقایسه کرد. این واژه به عنوان صفت برای توصیف عارضه‌های طبیعی و جغرافیایی همچون کوه و زمین به کار می‌رفته است (کاشغری، ۱۳۸۹: ۱۰۶). لکن باید برای اثبات این یکسانی سه اشکال را حل کرد؛ نخست تفاوت حرف آخر این دو واژه، دوم تفاوت دو صامت میانی «د» و «ذ»، و سوم تفاوت در ضخامت و ظرافت تلفظ آنهاست. زیرا چنانکه می‌بینیم هجای اول واژه «آدر» با مصوت بلند آمده و دارای تلفظ ضخیم است، ولی «آذر / ađiz» به شکل ظریف و با مصوت کوتاه تلفظ می‌شده است. درباره اشکال نخست گفتنی است که در روزگاران کهن زبان ترکی دارای دو گویش بوده که حرف «ز» موجود در یکی از این گویش‌ها، در گویش دیگر به شکل «ر» تلفظ می‌شده است (akar, ۲۰۰۵: ۲۷). چنانکه امروزه در افعال «سمریمک: فربه شدن» و «قودورماق: وحشی شدن» تلفظ «رای» ریشه آنها حفظ شده است، در حالی که ریشه اسمی این دو فعل به شکل «زایی» و با تلفظ «سمیز: فربه» و «قودوز: وحشی» به کار می‌رود (ekin, ۱۹۸۷: ۶۶). لذا به راحتی درباره «آذر» هم می‌توان گفت که این واژه در دوره‌های گذشته زبان ترکی دارای تلفظ رای «آذر» بوده است.

مورد دوم تفاوت در دو صامت میانی «ذ» و «د» است که آن هم به راحتی قابل حل است. زیرا چنانکه می‌دانیم صامت «ذ» موجود در ترکی قراخانی، در دوره قبلتر زبان ترکی یعنی در دوره ترکی قدیم و در زبان کتیبه‌های اورخون به شکل «د» تلفظ می‌شده است (ekin ve ölmez, ۲۰۰۳: ۳۴). بنابر این می‌توان گفت که «آذر» ترکی قراخانی، پیشتر به شکل «آذر» تلفظ می‌شده است و حقیقت این امر مسلم است. این موضوع با سخن کسروی مبنی بر اینکه روستائیان آذربایجان هم نام سرزمین خود را با «د» و به شکل «آدریجان» تلفظ می‌کرده‌اند (کسروی، ۱۳۳۵: ۱۳۳) مناسبت تام دارد و نشان می‌دهد که صامت «ذ» در تلفظ امروزی آذربایجان تغییر یافته صامت کهن‌تر «د» در عنوان این ناحیه بوده که ارزش آوایی آن هنوز در تلفظ مردم عادی باقی مانده بوده است. علاوه بر این می‌دانیم که واژه آذربایجان در نسخه گنبد کاوس از کتاب دده قورقود هم با صامت «د» و به شکل «آدریجان» به کار رفته است (shahgoli ve khaze, ۲۰۱۹: ۲۱۶) چنانکه در کتاب روضات الجنان حافظ حسین کربلایی تبریزی هم تماماً شاهد کاربرد تلفظ «آدریجان» هستیم (کربلایی تبریزی، ۱۳۸۳: ۴۲۱/۱). این شواهد اخیر هم وجود داشتن تلفظ «آدر» به جای «آذر» را ثابت می‌کند و همچنین با مسئله قدمت تلفظ‌های دالی نسبت به شکل ذالی در زبان ترکی مطابقت کامل دارد.

اشکال سوّم هم تفاوت در دو تلفّظ ضخیم و ظریف «آدر» و «آذر» است. برای حلّ این مشکل گفتنی است که بسیاری از کلماتی که امروزه در زبان ترکی با مصوّت کوتاه به کار می‌رود، در گویش چّواشی که بسیاری از تلفّظ‌های کهن زبان ترکی را در خود حفظ کرده، با تلفّظ ضخیم و با مصوّت بلند به کار می‌رود. برای نمونه کلمه «آر: مرد» در زبانهای عمومی ترکی، با تبدیل مصوّت کوتاه به بلند در ترکی چّواشی به شکل «آر» تلفّظ می‌شود (ercilasun, ۲۰۰۷: ۱۲۹۱). لذا بر اساس این قاعده هم می‌توان گفت کلمه «آذر / adiz» خاصّ ترکی قراخانی، در دوره‌های قدیمی‌تر زبان ترکی به شکل ضخیم آذر (: adiz) تلفّظ می‌شده است.

با این سه قاعده اخیری که از زبان ترکی نقل کردیم، می‌توان ثابت کرد که واژه «آذر» به معنی «بلند و مرتفع» موجود در دیوان لغات التّرك، در دوره‌های قدیمی‌تر زبان ترکی؛ با تلفّظ «رای» و با تبدیل «ذ» به «د»، و تحوّل مصوّت کوتاه به بلند، به شکل «آدر / adir» در معنی بلند به کار می‌رفته است و این مطلب با قول جامع التّواریخ مطابقت تام دارد. گفتنی است که در زبان مغولی واژه‌ای به شکل «آدیرغان» وجود دارد که مانند «آذر» موجود در دیوان لغات التّرك در معنی، تل و پشته و عارضه طبیعی بلند به کار می‌رفته است (استرآبادی، ۱۳۹۴: ۲۵۴/۱). به نظر می‌رسد که جزء «آدیر» در این واژه مغولی شکلی از همان «آدر» یعنی تلفّظ کهنتر «آذر» موجود در دیوان لغات التّرك باشد که در دوره‌ای کهن از زبان ترکی وارد زبان مغولی شده است.

با این حال یک مشکل دیگر پیش می‌آید و آن تفاوت میان مصوّت هجای دوّم است که در «آدر: بلند» ترکی با کسره، ولی در «آدریایگان» ظاهراً با فتحه و به شکل «آدر» تلفّظ می‌شده است. حلّ این مشکل هم با قواعد زبان ترکی امکان‌پذیر است. زیرا به شهادت دیوان لغات التّرك بعضی از کلمات ترکی با ابدال دو مصوّت کسره و فتحه به یکدیگر همزمان با دو تلفّظ به کار می‌رفته‌اند. چنانکه معادل ترکی واژه «شاخه»، با ابدال دو مصوّت پیشگفته، توأمان به دو شکل «بُتق» و «بُتق» تلفّظ می‌شده است (کاشغری، ۱۳۸۹: ۲۳۵). از آنجا که از میان این کلمات چند تلفّظی تمایل ترکان اوغوز به صامت فتحه بوده (همان: ۲۲۹ و ۴۹۸)، به راحتی می‌توان گفت که آذر / آدر موجود در گویش ترکی قراخانی و دوره‌های گذشته آن، در گویش ترکی اوغوزی به شکل آدر / آذر تلفّظ می‌شده است که این نکته هم با نامگذاری آدریایگان توسط اوغوز هماهنگی تام دارد و بدیهی است که تلفّظ این نام باید به گویش اوغوزی باشد که طبق قاعده بیان شده، چنین نیز هست.

آخرین تردیدی که می‌توان درباره تطبیق «آذر» دیوان لغات التّرك با «آدر» جامع التّواریخ مطرح کرد این است که گفته شود «آذر» ترکی به معنی «زمین یا کوه بلند» بوده، ولی «آدر» در ترکیب آدریایگان در جامع التّواریخ به معنی «بلندمرتبه» است، لذا نمی‌توان صفت بلندی کوه و زمین را که به عارضه‌های طبیعی و جغرافیایی اختصاص دارد، به افراد انتساب داده به عنوان صفت انسانها به کار برد. لکن به گمان ما این اشکال نیز به راحتی قابل حلّ است و در زبان ترکی به کار رفتن صفات عوارض طبیعی، به عنوان صفت برای انسانها نمونه‌های دیگری نیز دارد. چنانکه ترکان صفت «ترینگ: عمیق» را که خاصّ توصیف عمق دریا به عنوان یک عارضه طبیعی و جغرافیایی بوده، برای موصوف کردن انسان نیز به کار می‌برده‌اند و دانشمند بسیار عالم را «ترینگ بیلگه: دانشمند عمیق» می‌نامیده‌اند (همان: ۵۹۲). لذا به همین قیاس «آذر» نامیده شدن اهالی آذربایجان هم که منجر به اتیمولوژی «آدریایگان» شده است با هیچ اشکالی روبرو نیست. برای رفع این اشکال یک دلیل دیگر نیز داریم

و آن نام یکی از شاخه‌های قوم اوغوز است که «آدیز» نام داشته‌اند (caferoğlu, ۱۹۹۳: ۴۶) که این نام قاعدتاً شکل کهن همان «آز: بلند» موجود در دیوان لغات‌الترک است. آدیز نام گرفتن یکی از طولایف قوم اوغوز هم دقیقاً با «آدر: بلندمرتبه» نامیده شدن مردم آذربایجان، و «آذربایگان» نام گرفتن این خطه توسط اوغوز افسانه‌ای منقول در جامع‌التواریخ تطابق و هماهنگی کامل دارد. از سوی دیگر باز می‌بینیم که بین اطلاق صفت «آز:» برای موصوف کردن کوه و تپه و زمین طبق دیوان لغات‌الترک، با ماجرای پشته ساختن در آذربایجان توسط اوغوز و یارانش هم تناسب و هماهنگی وجود دارد.

سرانجام می‌توان گفت که سه ویژگی؛ زایی بودن حرف پایانی، «ذ» بودن مصوت میانی، و ظریف بودن (ذ داشتن مصوت کوتاه) تلفظ واژه «آز: بلند و مرتفع»، خاص تلفظ متأخر این واژه در ترکی قراخانی است و تردیدی نیست که این واژه در دوره‌های قبلی زبان ترکی بدون این سه ویژگی متأخر، به شکل «آدر» تلفظ می‌شده است. اشاره به یک نکته دیگر بایسته است و آن اینکه طبق یافته‌های دانش ترکولوژی کلمات ترکی‌ای که امروزه با صامت «آ» شروع می‌شوند، در دوره‌های قدیمی زبان ترکی در ابتدای خود یک صامت «ه» داشته‌اند و این نکته را تلفظ خلجی واژه ترکی «آیاق: پا» به اثبات می‌رساند. زیرا چنانکه می‌دانیم در ترکی خلجی آیاق به شکل «هاداق» تلفظ می‌شود (ekin ve ölmez, ۲۰۰۳: ۶۳). به این قرینه می‌توان گفت که واژه «آدر» هم در دوره‌ای قدیمی‌تر در زبان ترکی به شکل «هادر» تلفظ می‌شده است. گفتنی است که از همین روست که مردم عادی آذربایجان هم در گذشته نام سرزمینشان را با افزودن «ه» به ابتدای آن به شکل «هادرایجان» تلفظ می‌کرده‌اند (کربلایی تبریزی، ۱۳۸۳: ۴۲۱/۱) و این تلفظ «هادر» هم چنانکه گذشت کاملاً با قواعد زبان ترکی قابل توضیح و فهم است. نتیجه آنچه در این بخش گفتیم این است که ترکی دانستن جزء «آدر» موجود در آذربایجان و «بلند یا بلندمرتبه» معنی کردن آن توسط خواجه رشید الدین، دقیقاً با داده‌های علمی دانش ریشه‌شناسی در زبان ترکی مطابقت و هماهنگی دارد.

۲. بای = توانگر و محتشم

از قول جامع‌التواریخ چنین برمی‌آید که جزء دوم نام آذربایگان یعنی «بای» در زبان ترکی به معنی توانگر و محتشم بوده است. گفتنی است که این سخن خواجه رشیدالدین هم دقیقاً با داده‌های علمی تطابق دارد. چنانکه کاشغری در واژه‌نامه کهن خود دیوان لغات‌الترک «بای» را در معنی دارا و ثروتمند به کار برده (کاشغری، ۱۳۸۹: ۵۰۶) و چنانکه بدیهی است این معنی دقیقاً مترادف توانگر و محتشم موجود در قول خواجه رشیدالدین است. البته در اینجا می‌توان یک اشکال مطرح کرد و گفت از آنجا که نام آذربایجان در برخی منابع قدیمی به شکل آذربادگان یا آذرباتکان آمده است (زریاب، ۱۳۷۴: ۱۹۵)، صامت پایانی جزء دوم این تلفظ‌های اخیر با کلمه ترکی «بای» هماهنگی ندارد و لذا ارتباط این واژه با «بای» ترکی ناپذیرفتنی است. لکن به گمان ما حل این اشکال نیز ساده است. زیرا چنانکه می‌دانیم برخی از کلمات ترکی که امروزه به صامت «ی» ختم می‌شوند، در گذشته به شکل «ذ» و «د» تلفظ می‌شده‌اند. چنانکه واژه امروزی «کُی / گُی» به معنی خوب، در عصر کاشغری و دوران تألیف دیوان لغات‌الترک به شکل «کُذ / کُد» تلفظ می‌شده است (کاشغری،

۱۳۸۹: ۲۱۴). همچنین واژه امروزی «قای» در معنی بوران و دمه، در زمان کاشغری با تلفظ خاص ترکی قراخانی «قاز» تلفظ می‌شده است (همان: ۵۰۱). از آنجا که صامت «ذ» ترکی قراخانی، در دوران ترکی قدیم و عصر نگارش کتیبه‌های اورخون به شکل «د» تلفظ می‌شده است (۲۰۰۳: ۳۴) (tekin ve ölmez). توانیم گفت که همانگونه که گی و قای معاصر، در عصر ترکی قراخانی به شکل کذ و قاذ تلفظ می‌شده‌اند، بی‌تردید تلفظ آنها در عصر ترکی قدیم نیز به شکل «کذ» و «قاذ» بوده است. به همین قرینه می‌توان گفت که کلمه «بای» در معنی توانگر و محتشم هم در عصر ترکی قدیم به شکلهای «باز» و «باد» تلفظ می‌شده است و این تلفظ کهن اخیر موافقت کامل با جزء دوم تلفظ آذربادگان و آذربانکان منقول در برخی منابع کهن را دارد.

به نظر می‌رسد که جزء «باد» در نام شهر آردوباد در جمهوری آذربایجان هم همین تلفظ کهن تر همان واژه «بای: دارا و توانگر» است و بدین ترتیب می‌توان گفت که آردوباد هم یک اسم یا عنوان ترکی به معنی «بزرگ و محتشم آردو» است. شواهد نشان می‌دهد که استفاده از القاب و عناوین ساخته شده با واژه «آردو» در میان ترکان متداول بوده و نمونه‌هایی از آن به ما رسیده است. برای مثال در نسخه کهن اویغوری داستان اوغوز قاغان، یکی از امرای اوغوز قاغان «لولوغ آردو بیگ» نام دارد (bang ve rahmeti, ۱۹۳۶: ۲۲-۲۳).

۳. گان = جا و مکان

چنانکه از قول جامع‌التواریخ برمی‌آید جزء آخر نام آذربایگان/ آذربایگان یعنی «گان» در معنی جا و مکان بوده و نوعی پسوند مکان محسوب می‌شده است. اگر این «گان» مندرج در جامع‌التواریخ را شکلی از «قان» بدانیم، از آنجا که «قان» به فراوانی در اسامی جغرافیایی ترکی در معنی پسوند جا و مکان به کار رفته، تردیدی در صحت قول خواجه رشیدالدین مینی بر اینکه «گان» یا همان «قان» در ترکی معنی جا و محل می‌دهد باقی نمی‌ماند. درباره کاربرد پسوند «قان» در معنی محل و مکان در زبان ترکی گفتنی است که طبق سنگ‌نوشته‌های اورخون، ترکان رشته کوه کینگان را «قادیرقان» می‌نامیده‌اند (ergin, ۲۰۱۱: ۹۷). بدیهی است که جزء اول این کلمه همان واژه «قَدِر» موجود در دیوان لغات التترک است که برای توصیف زمین سخت و شدید به کار می‌رفته است (کاشغری، ۱۳۸۹: ۲۳۰)، جزء دوم آن هم بی‌تردید پسوند محل و مکان است. لذا قادیرقان به معنی «محل سخت و استوار» است که این عنوان برای نامیدن یک رشته کوه عنوان کاملاً مناسبی است. پسوند «قان» یک تلفظ ظریف هم دارد که به شکل «کن» در نام بسیاری از شهرهای ترکستان خصوصاً در ماوراءالنهر دیده می‌شود و به گمان ما هجای آخر واژه «اوتوکن» محل شکل‌گیری امپراطوری گوگ تورک‌ها هم در واقع همین پسوند مکان «کن» است. این پسوند با افزایش یک مصوت زایشی «د» به پایان آن، تلفظ «کند» یافته و در زبان ترکی به معنی شهر و آبادی به کار می‌رفته است.

برخی این کند اخیر را با ریشه فعل فارسی «کندن» مرتبط می‌دانند (برهان تبریزی، ۱۳۴۲: ۱۱۶۵/۲). لکن بدیهی است که ارتباط معنایی‌ای میان فعل کندن با کند در معنی شهر و آبادی وجود ندارد. از سوی دیگر به شهادت کاشغری در دیوان لغات التترک می‌دانیم که خود واژه «کند» تلفظ دیگری به شکل «کن» داشته که البته کاشغری در اثر سهو، تلفظ «کن» را کوتاه شده «کند» پنداشته است (کاشغری، ۱۳۸۹: ۲۲۰). لکن

به گمان ما عکس این مطلب درست است و در واقع شکل و تلفظ کهن و درست واژه «کند» همین «کن» اخیر بوده است که تلفظ ضخیم پسوند مکان «قان» است که بعدها با افزایش یک صامت زایشی «د» به پایان آن، تلفظ «کند» را یافته است. افزایش صامت زایشی «د» به پایان کلمات مخدوم به «ن» مثالهای دیگری نیز دارد. برای نمونه می‌دانیم که واژه فارسی «آسان» با افزایش این صامت زایشی، در آذربایجان به شکل «آساند» و «هاساند» تلفظ می‌شود.

درباره نمونه‌های دیگری برای پسوند «قان» در اسامی جغرافیایی ترکستان می‌توان به کلمات بارسغان / بارسخان و آلتونقان / آلتونخان مذکور در دیوان لغات الترک اشاره کرد. به شهادت دیوان لغات الترک می‌دانیم که صامت «ق» ابتدای کلمات، در گویش ترکان خلیج به صامت «خ» تبدیل می‌شده است (همان: ۵۳۲). لذا این «خان» در نامهای بارسخان و آلتونخان هم می‌تواند تلفظ خلجی همان پسوند مکان «قان» باشد. از آنجا که ظاهراً کاشغری با ماهیت این پسوند آشنا نبوده، ذیل بحث از نام کوه آلتونقان / آلتونخان به اینکه جزء «قان» در آلتونقان پسوند مکان بوده توجه نداشته و اشتقاق عامیانه‌ای برای آن ذکر کرده است. بدین صورت که چون در این محل سکه‌های طلای آغشته به خون یکی از سربازان ذوالقرنین ریخته شده بوده، این کوه با ترکیب دو نام «آلتون: طلا» و «قان: خون»، آلتونقان نامیده شده است (همان: ۱۲۰). در حالی که بدیهی است این اشتقاق بسیار عامیانه و افسانه‌ای است. به گمان من این نام باید با وجود طلا در آن کوه مرتبط باشد و به همین دلیل این کوه، آلتونقان به معنی «محل یافت طلا» نام گرفته است. اینکه کاشغری در جای دیگر آلتونقان را به شکل آلتونخان آورده نیز موید نظر ماست که «خان» را تلفظ دیگری از پسوند مکان «قان» دانستیم (همان: ۶۱). به همین سبب می‌توان گفت که از آنجا که «بارس» به معنی یوز پلنگ است، بالطبع بارسغان / بارسخان هم به معنی محل زندگی یوز پلنگ تواند بود. احتمال دارد که واژه «خان» که در زبان فارسی در معنی منزل و خانه به کار می‌رود، دخیل از زبان ترکی و همان پسوند محل «قان / خان» باشد.

نکته نهایی اینکه اگر صحت نظر خواجه رشیدالدین همدانی را که آذربایگان / آذربایجان را واژه‌ای ترکی و به معنی «جایگاه محتشمان بلندمرتبه» می‌داند باور کنیم، این اتیمولوژی را می‌توان با بیت زیر از فردوسی

همی‌تاز تا آذرآبادگان به جای بزرگان و آزادگان

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۴۱۵/۸)

اینکه فردوسی در این بیت آذربایجان را جای بزرگان و آزادگان معرفی کرده است مناسبت تام دارد با معنایی که خواجه رشیدالدین همدانی برای آذربایگان / آذربایگان ترکی ذکر کرده و آن را جای توانگران و محتشمان دانسته است. از آنجا که بزرگان و آزادگان مذکور در بیت فردوسی به نوعی مترادف توانگران و محتشمان مذکور در قول جامع‌التواریخ است، این میزان از هماهنگی و ترادف بین مضمون بیت فردوسی با معنی اتیمولوژی موجود در جامع‌التواریخ را نباید سرسری و بدون تحقیق کنار نهاد و نباید آن را ساخته ذهن شخص خواجه رشیدالدین پنداشت. بلکه به احتمال زیاد قول موجود در جامع‌التواریخ که مطابق بیت منقول از شاهنامه نیز هست، برگرفته از منبعی کهن و احتمالاً شفاهی، مانند روایت‌های مورخان موجود در دربار ایلخانان است و چه بسا که ریشه در حقایق تاریخی داشته

باشد. همچنین افزودنی است که سابقه اعتقاد به اتیمولوژی ترکی برای اسامی جغرافیایی ایران به خیلی قبل‌تر از جامع‌التواریخ برمی‌گردد و برای نمونه می‌دانیم که در قرن پنجم هجری کاشغری برای نام دو شهر قزوین و قُم نیز ریشه ترکی قائل بوده است (کاشغری، ۱۳۸۹: ۵۰۲). و صد البته کاشغری هم این اتیمولوژی‌ها را از نزد خود نساخته و مطلب او هم بی‌تردید متکی به روایت‌های شفاهی کهن رایج در میان مورخان تاریخ شفاهی ترکان بوده است.

نتیجه

بررسی اتیمولوژی مذکور برای واژه آذربایجان در جامع‌التواریخ، با مخزن واژگان و قواعد زبان ترکی نشان داد که ادعای خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی مبنی بر ترکی بودن نام آذربایجان کاملاً با داده‌های علمی مطابقت دارد و به همین دلیل نباید این اتیمولوژی پیشنهادی در جامع‌التواریخ را در نگاه اول مانند کسانی چون کسروی، افسانه‌ای و بی‌سر و بن پنداشت. زیرا به گمان ما این حدّ از تطابق میان مطلب جامع‌التواریخ با مخزن واژگان و قواعد زبان ترکی واقعاً شگفت و شایان توجه است. از سوی دیگر می‌بینیم که اتیمولوژی موجود در جامع‌التواریخ که آذربایجان را به معنی «جایگاه محتشمان بلندمرتبه» می‌داند با توصیفی که فردوسی در شاهنامه درباره آذربایجان آورده و این ناحیه را «جای بزرگان و آزادگان» دانسته نیز دقیقاً مترادف و هماهنگ است و این نکته نیز لزوم توجه و اعتباربخشی به اتیمولوژی مندرج در جامع‌التواریخ را گوشزد می‌کند.

منابع

استرآبادی، میرزا مهدی خان (۱۳۹۴) سنگلاخ، تصحیح حسین محمدزاده صدیق، ۲ جلد، تبریز: نشر اختر.
برهان تبریزی، محمدحسین (۱۳۴۲) برهان قاطع، تصحیح محمد معین، ۵ جلد، تهران: کتابفروشی این سینا.
رئیس نیا، رحیم (۱۳۶۸) آذربایجان در سیر تاریخ ایران، ۳ جلد، تبریز: انتشارات نیما.
زریاب، عباس (۱۳۷۴) «ماده آذربایجان در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی»، ج ۱، تهران: انتشارات دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶) شاهنامه، تصحیح جلال خالقی مطلق، ۸ جلد، تهران: انتشارات بنیاد دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
کاشغری، محمود (۱۳۸۹) دیوان لغات‌التُرك، ترجمه حسین محمدزاده صدیق، تبریز: نشر اختر.
کربلایی تبریزی، حافظ حسین (۱۳۸۳) روضات الجنان و جنات الجنان، تصحیح جعفر سلطان‌القرائی، ۲ جلد، تبریز: ستوده.
کسروی، احمد (۱۳۳۵) چهل مقاله، گردآوری یحیی ذکا، تهران: کتابخانه طهوری.
همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۸۴) جامع‌التواریخ «أغوز»، تصحیح محدّ روشن، تهران: انتشارات میراث مکتوب.

akar, ali (۲۰۰۵) türk dili tarihi, Istanbul: ötügen neşriyatı.
bang, w. ve rahmeti, g. r. (۱۹۳۶) oğuz kağan destanı, Istanbul: burhaneddin basımevi.
b. ercilasun, ahmet (۲۰۰۷) türk lehçeleri grameri, Ankara: akçağ yayınları.
caferoğlu, a. (۱۹۹۳) eski uygur türkçesi sözlüğü, Istanbul: enderun kitabevi.
ergin, muharrem (۲۰۱۱) orhun abideleri, Istanbul: boğaziçi yayınları.
tekin, talat (۱۹۸۷) tuna bulgarları ve dilleri, Ankara: türk dil kurumu yayınları.
tekin, talat ve ölmez, mehmet (۲۰۰۸) türk dilleri »giriş«, Istanbul: yıldız.
khaze shahgoli, Nasser ve ... (۲۰۱۹) dede korkut kitabının günbet yazması, Ankara: modern türklük araştırmaları dergisi, cilt ۱۶, sayı ۲, ss. ۱۴۷ – ۳۷۹.

تاریخ اجتماعی و اقتصادی مشکین شهر (خیابان)

دکتر حسینعلی قربانی^۱

چکیده

مشکین شهر یکی از مناطق جغرافیایی در شمال غرب ایران است که به دلیل شرایط مناسب طبیعی و جغرافیایی، به لحاظ اقتصادی در منطقه از توانمندی‌های بالایی برخوردار است. از سوی دیگر بر اساس آثار باقی مانده، وجود مدنیت در آن به پیش از ورود اسلام به ایران باز می‌گردد. همچنین حضور طوایف شاهسون از چند سده پیش در مشکین شهر، تحولات این منطقه را تحت تأثیر قرار داده است. در این پژوهش سعی شده است با تکیه بر منابع اصلی و داده‌های تاریخی، تاریخ اجتماعی و اقتصادی این شهر بررسی شود.

واژگان کلیدی: مشکین شهر، خیابان، تاریخ اجتماعی، تاریخ اقتصادی

^۱. دکتری تاریخ معاصر، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، مدرس دانشگاه، q.hosein@gmail.com

وجه تسمیه مشکین شهر و تغییرات نام آن در طول تاریخ

درباره برخی مناطق تمدنی غرب ایران، با وجود غنای تاریخی و فرهنگی، چندان پژوهش‌های گسترده‌ای انجام نشده است. مشکین شهر نیز به عنوان یکی از این مناطق، از این قاعده مستثنی نیست. از این روی در این پژوهش، سعی شده است با جمع‌آوری و تدقیق در تمامی منابع متقدم و تحقیقات متأخر و حتی اسناد آرشیوی، نگرشی تا حدودی جامع از این شهر بدست داده شود. در این تحقیق ابتدا به تغییرات نام مشکین شهر در طول تاریخ و صورت‌های ضبط مختلف آن در منابع اشاره می‌شود، سپس به بخش اصلی تحقیق که از سه قسمت جغرافیایی، تاریخ اجتماعی و فرهنگی مشکین شهر تشکیل شده است، پرداخته می‌شود.

مشکین شهر به ترتیب توالی تاریخ به این نام‌ها خوانده شده است: میمند، وراوی، بشکین، خیابو. کل منطقه‌ای که در گذشته مشکین خوانده می‌شده و هفت آبادی را شامل می‌شده است، (مستوفی، ۱۳۸۱، ۹۴) هم نام آن تغییراتی کرده است و هم مرکزیت آن. در قرون سوم و چهارم هـ ق به میمند (مقدسی، ج ۲، ۵۵۵؛ ابن حوقل، ۸) شناخته می‌شد. میمند به اشکال میمند (بلاذری، ۴۵۷) و میمند در منابع ذکر شده است. (کاتب بغدادی، ۳۷۸) جغرافی‌دانان قرون شش و هفت آن را «وراوی» ضبط کرده‌اند. (حموی، ج ۵، ۳۱۰؛ بغدادی، ج ۳، ۱۴۳) وراوی زمانی مرکز ناحیه مشکین بوده اکنون خرابه‌هایش به صورت دهی باقی است. (ساعدی، ۷۲) گویا مشکین شهر از نام امیر گرجی حاکم این ناحیه به نام بیشکین اخذ شده است. (مستوفی، ۱۳۶۴، ۴۳۰) از آنجایی که در زبان ترکی آذری حرف «ب» به «میم» تبدیل می‌شده چنانکه بیشه را میشه می‌گفته‌اند، از این رو بیشکین تبدیل به مشکین شده است. (کسروی، ۱۳۸۵، ۲۳۵) این نام در منابع مختلف به این صورت‌ها ضبط شده است: بیشکین (نسوی، ۱۴۵)، پیشکین (حافظ ابرو، ج ۳، ۱۶۶)، پیشکین (اعتماد السلطنه، ۱۶۴)، بیشکین (حموی، ج ۱، ۲۵۷) و بشکین (تتوی، ج ۶، ۳۷۸۳).

خیابو که نام باستانی مشکین شهر شناخته می‌شود، فقط در کتاب نزهت القلوب آمده است. (مستوفی، ۱۳۸۱، ۹۵) و بالاخره در دوره پهلوی اول نام آن به مشکین شهر تغییر می‌یابد. (ساعدی، ۹۶) خیابو نیز که مردم محل به آن «خی‌یو» می‌گفتند (افشار، ۱۳۷۸، ۵۷۵) در لغت نامه دهخدا به صورت خیاب نیز ضبط شده است. (دهخدا، ۶۹۹)

جغرافیای مشکین شهر

هوای این ناحیه معتدل مایل به سرد، نیمه خشک، و کوهستانی است. (جعفری، ۱۲۰۴) همچنین دارای بارندگی کافی و یکی از پر آب‌ترین مناطق استان اردبیل می‌باشد. (فرهنگ جغرافیایی، ۲۰۲) نهادهای مشکین شهر از برف‌های دائمی و چشمه‌های سبلان سرچشمه می‌گیرند (جعفری، ۱۲۰۴) رودخانه خیابوچایی از سبلان سرچشمه گرفته به جنوب شرق و شرق شهرستان جریان می‌یابد؛ رود مشکین چایی به رودخانه قره‌سو منتهی می‌شود. آوارسی و انارچایی و هرزندچای از دیگر رودخانه‌های پر آب این منطقه است. (فرهنگ جغرافیایی، ۲۰۲) پستی و بلندی و دره‌های بزرگ و کوچک از ویژگی‌های مشکین شهر است.

(سفرنامه‌های خطی، ج ۱، ۶۹۳) مرتفع‌ترین کوه‌های مشکین شهر را هرم‌داغ با ۴۳۹۲ متر و چال‌داغ ۳۰۸۸ متر تشکیل می‌دهند. (فرهنگ جغرافیایی کوه‌های کشور، ج ۱، ۲۰۹-۲۱۸) آت قجلی، آرا‌ال‌قالاسی داغ، آق مسجد، توغلان قالاسی، سایر کوه‌های این شهرستان است. (همان) این شهرستان در دامنه شمالی کوه سبلان قرار گرفته و سراسر شمال آن را کوه‌های ارشق و صلوات پوشانیده است. (جعفری، ۱۲۰۴) شهرستانی است مرکب از بخش‌های مرکزی، ارشق، مرادلو و مشکین شرقی (www.amar.org.ir) در ۴۴۰ کیلومتری شمال غربی تهران و بر سر راه اردبیل به اهر کنار خیابو جای واقع است. (جعفری، ۱۲۰۴) این شهرستان بر اساس آخرین تقسیمات استانی جزو استان اردبیل محسوب می‌شود. (www.amar.org.ir) اکنون از شمال به شهرستان گرمی، از شرق به جمهوری آذربایجان، از جنوب به شهرستان‌های اردبیل و سرعین و از غرب به استان آذربایجان شرقی محدود است. (انوری، ۹۰۱) در طول جغرافیایی ۴۷ درجه و ۱ دقیقه و ۷ ثانیه، و عرض ۳۸ درجه و ۲۳ دقیقه و ۳۴ ثانیه واقع است. (فرهنگ جغرافیایی ایران، ۲۰۳) مرکز آمار ایران آخرین جمعیت آن را ۱۵۱۱۵۶ نفر ذکر کرده است. (www.amar.org.ir)

بخش تاریخی

روایات نخستین: اهالی مشکین شهر به مانند سایر مناطق افسانه‌هایی برای شهر خود ساخته‌اند. یکی از این روایات‌ها که از قول ملا امام وثردی شهید مشروطیت مشکین شهر نقل شده این است که خیابو در گذشته‌های دور شهر بزرگی بوده است به اسم «خیابان» با ۲۵ کیلومتر طول و عرض. (ساعدی، ۷۳)

یافتن آثار تاریخی متعدد در مشکین شهر و در دامنه کوه‌های سبلان سابقه تاریخی آن را به پیش از اسلام می‌رساند. (کامبخش فرد، ۶) این ناحیه موقعیت سوق‌الجیشی خود را پس از اسلام همچنان حفظ می‌کند، چنانچه در منابع هر دوره به واسطه حضور سلاطین نامی از آن برده می‌شود. در منابع آمده که سلطان الب ارسلان سلجوقی پس از پیروزی در گرجستان، امرای آنجا را اسیر ساخته که برخی از آنان به مسلمانی درآمدند. بیشکین یکی از این تازه مسلمانان بود. الب ارسلان شهر وراوی را به اقطاع به او می‌دهد. (مستوفی، ۱۳۶۴، ۴۳۲) در دوران قاجاریه مشکین شهر و مناطق اطراف آن به واسطه جنگ‌های ایران و روس با واقع شدن در مناطق جنگی اهمیتی روزافزون می‌یابد. (دنبلی، ۲۸۷) برخی از طوایف شاهسون در اواخر دوران قاجاریه بارها شورش کرده و شهرهای مشکین شهر و اردبیل را غارت می‌کنند. (کسروی، ۱۳۸۳، ۱۶۰) در سال ۱۳۰۳ شمسی امیرلشکر شمال غرب عبدالله طهماسبی برای برخورد با شاهسون‌ها (خلع سلاح و گرفتن مالیات) (بهبودی، ۲۵) در مشکین مستقر می‌شود و با اضافه شدن ششصد نظامی دیگر برای سرعت در تسلیم شاهسون‌ها (همان، ۷۳۹) در نهایت رؤسای شاهسون مغان و مشکین و تمام سرکردگان طوایف مذکور در مشکین شهر جمع شده و مراتب اطاعت خود را از دولت مرکزی اعلام می‌کنند. (عزیززاده، ۱۵۹)

با این حال عناصری از ایل شاهسون در تحولات سیاسی مشکین شهر فعال باقی ماندند. برای نمونه در قضیه جدایی آذربایجان نصرت بیگ فرزند حاتم خان بیگلو از مشکین شهر برای نمایندگی در مجلس موسسان آذربایجان انتخاب شد. (صفری، ۷۸) فعالیت‌های شاهسون‌ها همچنان در دهه ۲۰ باقی ماند. (آرشیو

مجلس شورای اسلامی، شناسگر ۶۸۸۵۸۵) همچنین برخی اسناد مدعی‌اند اندکی پیش از جدایی آذربایجان، عمال حزب توده در برخی از مناطق مشکین‌شهر به ستمگری و غارت کشاورزان مشغول بوده‌اند. (آرشیو مجلس شورای اسلامی، شناسگر ۳۹۵۹۵۲)

تاریخ اجتماعی: مشکین‌شهر ترکیبی از شهر و روستا

مشکین‌شهر تا همین اواخر سیمای یک شهر را نداشته است (ساعدی، ۷) و از همین روی فاقد اجزای سازنده و ساختار شهرهای تاریخی ایران بود. تا دوره قاجاریه مشکین‌شهر فاقد حمام و بازار بوده است. (سفرنامه‌های خطی، ۷۰۱) محلات این شهر عبارتند از: قره داغ‌لو، ساتلو، استاد محمدلو، عجم‌لو، مقیم‌لو، حسینی، چای پارا، ازالو (عزیز علیلو) حاجی علی اکبرلو، گل محمدلو (درویش‌لو) منظم قالاسی (قلعه منظم)، حسن داش، ارسطو آباد، برق، استاد محمدلو و اکبرلو محله ثروتمندان و ازالو و مقیم‌لو و ساتلو بیشترین جمعیت فقیر را داشت. (ساعدی، ۶۵) قدیمی‌ترین محله به روایات گوناگون مقیم‌لو است. (همان)

پیشرفت و آبادانی مشکین‌شهر از سال ۱۲۶۶ شمسی و با اهمیت یافتن آن به واسطه موقعیت نظامی و با استقرار سربازخانه آغاز شد. (ساعدی، ۷۴) همچنین در دوره رضاشاه با بریدن قسمتی از کوه در محلی بنام «دوجاق» جاده‌ای بوجود آوردند. (صفری، ۳۴) در زمان پهلوی دوم یک خیابان شرقی و غربی به نام پهلوی کشیده شده و ساختمان‌ها و مغازه‌ها در اطراف آن احداث گردید. (فرهنگ جغرافیایی، ۲۰۳) حمامی در اواخر قاجاریه و به همت معاضد الدوله مشهور به عدل در کنار بقعه شیخ حیدر ساخته می‌شود. اولین مدرسه را در این شهر فرمانده نظامی وقت بنام محمد علیخان، بعد از کودتای ۱۲۹۹، یعنی بسال ۱۳۰۲ خورشیدی تأسیس کرد. (صفری، ۲۲۲)

اقتدار و طبقات جامعه:

قشربندی اجتماعی این شهر نیز کم و بیش به مانند سایر مناطق ایران می‌ماند، با این تفاوت که حضور طوایف شاهسون، مشکین‌شهر را ترکیبی از جمعیت شهرنشین و چادرنشین کرده بود. (ساعدی، ۷۶) سیر تحول حضور طوایف شاهسون در این منطقه چنین است: درباره‌ی خاستگاه آنان روایات گوناگون است. (تاپر، ۱۹) از دوران صفویه به بعد حضور آنان در منطقه بیشتر می‌شود تا جایی که در دوره نادرشاه به جای ایل شقاقی، شاهسون‌ها به بیلاق مشکین می‌آیند. در همین دوره اتحادیه‌ی ایل‌ی آنان به دو شاخه اردبیل و مشکین تقسیم می‌شود. (همان، ۲۰) در اواخر دوران قاجاریه تعداد شاهسون‌های مشکین بیشتر از اردبیل می‌شود. (سفرنامه‌های خطی، ۶۹۳) ترکیب قومی و طایفه‌ای این ایل نیز تغییرات زیادی داشته است: طایفه گیکلو یکی از طوایف شاهسون که در اواخر قرن ۱۹ با پیوستن طایفه یورچی‌ها قدرت گرفته بود، توانست مشکین‌شهر را از دست قوچاییگلو خارج سازند. (تاپر، ۴۲۷) همچنین طایفه اینانلو که یکی از طوایف بزرگ در منطقه مشکین بود، در دوره رضاشاه به ساوه منتقل شد. (بیات، ۹۷) طوایف حاجی خواجه‌لو، گیکلو، قوچا بیگلو، عیسی‌لو و آلارلو گویا ناآرام و ستیزه‌جو بوده‌اند. (احمدی، ۳۹)

تاریخ اقتصادی:

از گذشته تا به امروز وفور منابع آبی، مشکین شهر را به یکی از مناطق مناسب کشاورزی و باغبانی تبدیل کرده است. از جمله محصولات کشاورزی آن ارزن، برنج، پنبه، حبوبات، و میوه جاتی است که در ادوار گذشته به اردبیل فرستاده می شد. (صفری، ۳۹۷) فراورده های دامی، عسل، سیب، هلو، سیب زمینی، آفتابگردان و انگور محصولات صادراتی مشکین شهر را تشکیل می دهد. (افشار، ۱۳۶۹، ۹۶۰) آب های معدنی در این شهر مخصوصا در دامنه های سیلان زیاد و مشهورترین آنها قوتور سوئی، آب شاه بیل، آب ایلان دیل سویی است. (فرهنگ جغرافیایی، ۲۰۳) در سال های اخیر سرمایه دگی و سیل خسارت های زیادی به اقتصاد مشکین شهر زده است. <http://www.sbkiran.ir/node/۸۰۳> در گذشته صنایع دستی نقش مهمی را در اقتصاد این شهر ایفا می کرد. بنا به گفته مستوفی اکثر مردم خیابو «موزه دوز و چوخابر» بوده اند. (مستوفی، ۱۳۸۱، ۹۵) همچنین بافتن گلیم، جاجیم، فرماش، جوراب، پلاس، انواع جوال ها، بند چارق، رشمه، شال، بند شلوار، نم و کلاه معمول بوده است. (ساعدی، ۱۵۰) به لحاظ گردشگری نیز مشکین شهر با دارا بودن جاذبه های طبیعی مثل: چشمه های آب گرم فراوان، کوه های مناسب جهت ورزش اسکی (بدری، ۲۶۹) و تنوع پوشش جانوری جهت شکار، حائز اهمیت است. (سفرنامه های خطی، ۶۹۱)

ساکنین مشکین شهر از کوچک و بزرگ مهارت خاصی در شکارگری داشته اند. (سفرنامه های خطی، ۶۹۰) بلدرچین، کبک چیل، گوزل، مرغ آبی، روباه، خرگوش در کوه های این منطقه فراوان است و پلنگ هم در اکثر جاهای آن کوه ها دیده شده است. ماهیان بزرگ جثه و قزل آلا نیز در رودخانه های مشکین شهر فراوان شکار می شده است. (همان، ۶۹۴)

نظام مالیات گیری مشکین شهر بر اساس نظام اقطاع داری بود. املاک زراعی مشکین شهر به صورت اقطاع از طرف حکومت به لشکریان واگذار می شد. (مستوفی، ۱۳۸۱، ۱۳۰) این نوع مالیات گیری تا دوران قاجاریه پا برجا بود و در این خصوص گزارشاتی موجود است و پس از آن جزو خالصجات دولتی درآمد. (سفرنامه های خطی، ۶۹۹)

تاریخ فرهنگی:

دین و مذهب: در قرون میانه اسلامی مذاهب حنفی، شافعی و شیعی در مشکین شهر پیروانی داشته است. (مستوفی، ۱۳۸۱، ۱۳۰) تا اینکه پس از دوران صفویه غلبه با شیعیان می شود. در دوره قاجاریه عده ای از مسیحیان در اطراف مشکین شهر سکونت می یابند. (احمدی، ۴۲)

آثار تاریخی مشکین شهر: سنگ نبشته ای در ۲۱ سطر به خط پهلوی ساسانی که زمان آن به شاپور دوم باز می گردد، در ۱۵۰ متری غرب قلعه کهنه یافت شد. (کامبخش فرد، ۶) این سنگ نبشته در سال ۱۳۸۵ شمسی در جریان اعتراض عده ای از مردم به درج مطالب توهین آمیز به ترک ها در روزنامه ایران، مورد حمله قرار گرفت و از بین رفت. (نوری، ۲۲)

قلعه کهنه: این قلعه در سمت چپ خروجی مشکین شهر واقع بوده، اشیای سفالی و مفرغی به دست آمده از این قلعه آن را به دوره‌های پیش از ساسانیان مربوط می‌سازد. (مخلصی، ۲۱۲)

قلعه قهقهه نیز از دیگر آثار تاریخی مشکین شهر است. روایت شده که سام میرزا سومین پسر شاه اسماعیل بعد از شورش علیه شاه تهماسب زندانی شده و در آنجا بر اثر زلزله‌ای که روی داد، کشته شد. (شاردن، ج ۵، ۱۸۳۴) مقبره سید سلیمان، مقبره شیخ حیدر، قلعه دیو، زیارتگاه مسجد جنت سرا، قبرستان‌های ارباب کندی و خلیفه یثیری، از دیگر آثار تاریخی مشکین شهر است. (دیباچ، ۹۳-۹۱)

مشکین شهری‌ها به زبان ترکی صحبت می‌کنند، با مقداری کلمات روسی وارد شده به محاورات روزانه که گاهی تغییر نیز یافته است. (ساعدی، ۱۷۱) با اینکه کت و شلوار و لباس‌های امروزی در مشکین شهر رایج شده است ولی هنوز لباس‌های محلی هم در بین اهالی مشکین شهر و طوایف شاهسون رواج دارد. در گذشته مردها معمولاً کلاه نظامی بر سر می‌گذاشتند. لباس‌های زنانه مفصل بود، مثلاً زنان شاهسون بیست عدد شلوار روی هم می‌پوشیدند با یک پیراهن و دامن کوتاه که تا چین شلوار می‌رسید و لبه آن را معمولاً زیر شلوار می‌گذاشتند. (ساعدی، ۱۶) روسری را «کل ایاغی» یا «کلاغی» می‌گویند. چارقدی از جنس ابریشم را مثل عمامه دور «کل ایاغی» می‌پیچیدند و آن را «شده» می‌نامیدند. «یاشماخ» هم دستمالی بود که از پشت سر می‌بستند. (همان، ۱۷۰-۱۶۹)

آداب و رسوم: یکی از مراسم معروف مشکین شهری‌ها «تکم‌چی» است. تکم نام پادشاه بزهاست و آن را از چوب و دانه‌های رنگین درست می‌کنند و دم خروس برایش می‌گذارند و بعد سوار تخته‌ای می‌کنند و با تکان دادن اهرمی که به شکم تکم وصل است، تکم را می‌رقصانند و درباره خوشبختی‌ها و بدبختی‌های تکم شعرها می‌خوانند که در زبان ترکی آذربایجانی آن‌ها را «سایا» می‌گویند.

سرودهایی که دو نفر با هم و با در دست داشتن کاغذی بزرگ با تصاویر گل و پرند و ماهی جلوی درب خانه‌ها می‌خوانند، «نوروز داما» گویند. (ساعدی، ۱۴۲) نمونه دیگر مراسم خواستگاری در این شهر است. برای خواستگاری چند تن از بزرگان و ریش‌سفیدان خانواده داماد به خانه عروس می‌روند، غالباً عروسی‌ها پنج تا ده روز برگزار می‌شود. در ایلات شاهسون چنین است که دو تن ریش سفید از خانواده داماد به چادر عروس رفته و عهد و پیمان می‌بندند. (مشکور، ۱۶۶-۱۶۵)

اشعار فولکلوریک: یکی از اشعار پرآوازه‌ای که در مشکین شهر به آواز می‌خوانند، قطعه‌ای است هم وزن شعر معروف حیدربابای شهریار که برای جوانی سروده‌اند که در سال ۱۳۰۸ شمسی به دستور حکومت وقت در خلخال کشته شد. (ساعدی، ۱۸۵) شعر چنین آغاز می‌شود:

نه قارایدی فیروزخانین قاش لاری
 گو له ده‌بجک قوجاقلادی داش لاری
 باجیلاری ائشیدینجه قوربان دئدی قوچ لاری
 نئجه قییدون فیروزخانی اولدوردون
 نئجه قییدون شاه چراغی سؤندوردون؟

ترجمه: چقدر مشکى بود چشم و ابروى فیروزخان / تیر که خورد، سنگ‌ها را در آغوش کشید / و خواهرانش تا شنیدند قوچ‌ها نذر کردند / دریغت نیامد که فیروزخان را کشتی / و شاه چراغ را خاموش کردی؟ (همان)

نتیجه

سکونت در مشکین‌شهر بر اساس داده‌های تاریخی، به پیش از اسلام برمی‌گردد. به لحاظ تاریخی اجتماعی مشخص شد که مشکین شهر تا همین اواخر سیمای یک شهر را نداشته است. از اواخر دوره قاجار بود که با احداث حمام و بعد در دوره پهلوی اول با احداث راه‌های ارتباطی جدید، مشکین‌شهر به شکوفایی رسید. طوایف شاهسون نیز با حضور در این منطقه نقشی فعال در تحولات سیاسی و اجتماعی آن ایفا کردند به گونه‌ای که در دوره پهلوی دوم یکی از بزرگان این طایفه توانست به مجلس موسسان راه یابد. با این اوصاف به دلیل وجود منابع طبیعی فراوان در این منطقه، به لحاظ تجاری از اقتصادی پویا برخوردار بوده، صنایع دستی و کشاورزی فراوان آن دلیلی بر این مدعاست. همچنین غنی‌بودن محیط جانوری مشکین‌شهر آنجا را به یکی از قطب‌های شکارگری تبدیل کرده است. بررسی تاریخ فرهنگی این منطقه نیز نشانگر قدمت تاریخی و فرهنگی مشکین‌شهر است. آداب و رسومى که به قرن‌ها پیش بازمی‌گردد و برخی از آنها به تاسی از حوادث سیاسی شکل گرفته‌اند.

منابع:

- ابن حوقل، محمد، (۱۳۸۷ق)، صوره الارض، بیروت: دار صادر.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن بن علی. (۱۳۶۷) مرآت البلدان، عبدالحسین نوایی / هاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران.
- افشار، ایرج، (۱۳۷۸)، پژوهشی در نام‌ها، تهران: روزنه.
- _____ (۱۳۶۹)، نگاهی به آذربایجان شرقی، ج ۲، تهران: رایزن.
- انوری، حسن. (۱۳۹۱)، فرهنگ جغرافیایی سخن، تهران: نشر سخن.
- بالاذری، احمد بن یحیی، (۱۳۳۷)، فتوح البلدان، محمد توکل، تهران: نشر نقره.
- بهبودی، هدایت الله، (۱۳۹۰)، روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۴، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- بیات، عزیزالله، (۱۳۶۷)، کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، تهران: امیرکبیر.
- تاپر، ریچارد، (۱۳۸۴)، تاریخ سیاسی اجتماعی شاهسون‌های مغان، تهران: اختران.
- تتوی، قاضی احمد. قزوینی، آصف‌خان، (۱۳۸۲)، تاریخ الفی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جعفری، عباس. (۱۳۷۹)، گیتاشناسی ایران، جلد سوم، دایره‌المعارف جغرافیایی ایران، تهران: مؤسسه گیتاشناسی.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله، (۱۳۸۰)، زبده التواریخ، ج ۳، مصحح سیدکمال حاج‌سیدجوادی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- الحموی، شهاب الدین ابوعبدالله یاقوت، (۱۹۹۵م)، معجم البلدان، بیروت: دار صادر.
- دنبلی، عبدالرزاق مفتون، (۱۳۸۳)، مآثر سلطانیه، تصحیح غلامحسین زرگری نژاد، تهران: انتشارات روزنامه ایران.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۷)، لغتنامه، حرف خ/ ۶ تهران: دانشگاه تهران.
- دیباچ، اسماعیل، (۱۳۴۵)، آثار باستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان، تهران: شورای مرکزی جشن شاهنشاهی.

ساعدی، غلامحسین، (۱۳۴۴)، خیابو یا مشکین شهر، تهران: امیرکبیر.

شاردن، (۱۳۷۲)، سفرنامه شاردن، ج ۲، ترجمه: اقبال یغمایی، تهران: توس.

صفری، بابا، (۱۳۷۰)، اردبیل در گذرگاه تاریخ، ج ۳، اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.

فرهنگ جغرافیایی ایران، (۱۳۵۵)، ج ۴، انتشارات سازمان جغرافیایی کشور.

فرهنگ جغرافیایی کوه‌های کشور، (۱۳۷۹)، ج اول، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

القطیعی البغدادی، ابن شمائل، (۱۴۱۲ق.)، مرآة الاطلاع علی اسماء الامکنه والبقاع، بیروت: دارالجیل.

کسروی، احمد، (۱۳۸۵)، شهریاران گمنام، تهران: نگاه.

_____، (۱۳۸۳)، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، تهران: امیرکبیر.

کاتب بغدادی، قدامه بن جعفر، (۱۹۸۱م.)، الخراج و صناعة الكتابة، بغداد: دارالرشید.

گروهی از نویسندگان، (۱۳۸۸)، سفرنامه‌های خطی فارسی، ج ۱، تهران: نشر اختران.

مخلصی، محمدعلی، (۱۳۷۱)، فهرست بناهای تاریخی آذربایجان شرقی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

مستوفی، حمدالله، (۱۳۸۱)، نزهت القلوب، مصحح محمد دبیرسیاقی، قزوین: حدیث امروز.

_____، (۱۳۶۴)، تاریخ گزیده، مصحح عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.

مشکور، محمد جواد، (۱۳۷۵)، نظری به تاریخ آذربایجان. تهران: کهکشان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: مولفان و مترجمان ایران.

نسوی، شهاب الدین محمد، (۱۳۲۴)، سیره جلال الدین یا تاریخ جلالی، تهران: انجمن ادبی ایران.

نوری، صیاد، (۱۳۹۱)، تاریخ اردبیل در عهد قاجار، اردبیل: محقق اردبیلی.

مقالات:

احمدی، حسین، (۱۳۸۷)، «لازاریست‌های فرانسوی در ایران، بررسی زمینه‌های حضور و عملکرد»، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ش ۱۱، س ۶، پاییز.

بدری، سیدعلی؛ وثوقی، لیلا، (۱۳۸۸)، «مکان‌یابی نقاط گردشگری اسکی مورد مطالعه استان اردبیل»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۹۳.

کامبخش فرد، سیف الله، (۱۳۴۶)، «کتابخانه‌ای از شاپور دوم شاهشاه ساسانی در مشکین شهر» مجله هنر و مردم، ش ۶۱ - ۶۲، آبان و آذر.

عزیز زاده، میرنی، (۱۳۸۵)، «رضاخان پهلوی و سیاست خلع سلاح و اسکان عشایر شاهسون»، مجله تاریخ معاصر ایران، ش ۳۷، بهار.

اسناد:

اسناد مجلس شورای اسلامی به شماره بازیابی‌های: ۶۸۸۵۸۵ و ۳۹۵۹۵۲

www.amar.org.ir

http://www.sbkiran.ir/node/۸۰۳

سیف‌الدین رضاسوی، نظامی‌نین ملی و ادبی کیملیگی حاقیندا دکتر عزیزاقا نجف‌زاده^۱

اؤزت

مقاله‌ده آذربایجان‌دا نظامی‌نین حیاتی، شخصیتی، دؤورو، دنیاگؤروشو و حیاتا باخیشلارینین آذربایجان ادبیات‌شناسلیغیندا تدقیق تاریخینه قیسا نظر یئتیریلیر، آذربایجان‌دا نظامی‌شناسلیغین تاریخی مرحله‌لری شرطی بؤلگه‌لر اساسیندا وئرلییر و آذربایجان نظامی‌شناسلیغینین انکشاف دینامیکاسی شرح اولونور. بو مرحله‌لر ایچریسینده خصوصی فرقله‌ندیریلن اوچونجو دؤوره، یعنی آذربایجان نظامی‌شناسلیغیندا قاداغالارین آرادان قالخدیغی، فاکتورلار یئنی بوجاق آلتیندا باخیشین مومکون اولدوغو، شاعرین ادبی ارثینده تورکلویون، دینی-تصوفی باخیشلارین و حاکم دایره‌لره مناسیبتین اوبیئکتیو تحلیلی‌نین رئال‌اشا بیلدی بیر دؤوره نظامی‌نین ملی منسوبیتی و ادبی کیملیگی پروبلیمین شرحینه دقت یئتیرهن عالیم‌لر حاقیندا قیسا معلومات وئرلییر. بو عالیم‌لر ایچریسینده اؤز تدقیقات اصوللاری ایله فرقله‌نن آذربایجان فولکلورشناس عالیمی سیف‌الدین رضاسویون علمی آراشدیرمالاری ایسه خصوصی دقت مرکزینه چکیلیر. اونون مونوقرافیا و علمی مقاله‌لری بازاسیندا داهی انتباه شاعری نظامی گنجوی‌نین ملی منسوبیتی پروبلیمین قویولوشو و حلی مسئله‌سی آراشدیریلییر. شاعرین آذربایجان تورکو اولماسینین علمی اساسلارلا ثبوت یئتیریلمه‌سی مئتودیکاسی مقایسه‌لی شکیلده تحلیل اولونور. نظامی‌نین ملی - اتنیک کیملیگی ایله یاناشی، اونون ادبی تفکورو اعتباریه ده بیر آذربایجان تورکو اولماسی مسئله‌سی عالیمین تدقیقاتلاریندان گتیریلن نمونه‌لر اساسیندا ثبوت یئتیریلییر. مقاله‌ده سیف‌الدین رضاسویون «نظامی پوئزییاسی: میف-تاریخ کونتکستی» مونوقرافیاسی، «نظامی گنجوینین ملی و ادبی کیملیگی حاقیندا»، «نظامی تورکلویو» کیمی مقاله‌لرینه استنادلار اولونور.

آچار سؤزلر: سیف‌الدین رضاسوی، نظامی گنجوی، اتنیک و ادبی کیم‌لیک

^۱. آذربایجان ملی علملر آکادئمیکاسی‌نین آلیزمالار انستیتوتونون علمی کادری azizaga.necefov@mail.ru

آذربایجان نظامی شناسلیغی نین اینکیشاف دینامیکاسینا نظر سالدیقدا شاعرین حیاتی، یارادیجیلیغی، دونیا باخیشی، اثرلرینین موضوع منبعلری، ایدئیا-فلسفی قاینقلاری، فولکلورلا علاقه‌سی، بدیی اؤزللیکلری کیمی مسئلهلرده الده اولونان نائیلیتلری، آراشدیرما مئتودونو و اوبیئکته یاناشما طرزینی مقایسه ائتدیکده تقریباً آشاییداکی مرحله‌لری معین ائتمک اولور:

۱) آذربایجان نظامی شناسلیغی نین تشکل دؤورو (XIX عصرین سونو - ۲۰-جی عصرین ایلک اون ایللیکلری)؛
 ۲) آذربایجان نظامی شناسلیغیندا اینکیشاف دؤورو (XX عصرین ۳۰-۸۰-جی ایللری)؛
 ۳) آذربایجان نظامی شناسلیغیندا قاداغلارین آرادان قالخدیغی، فاکتورلار یئنی بوجاق آلتیندا باخیش دؤورو شاعرین ادبی ارثینده تورکلویون، دینی-تصوفی باخیشلارین و حاکم دایره‌لره مناسیبتین اوبیئکتیو تحلیل مرحله‌سی (XX عصرین سونو - ۲۱-جی عصرین اوللری).

سؤزسوز کی، بو مرحله‌لر شرطی معینلشدیریلیر. اما بو دؤورلشمه‌یه تأثیر گؤسترهن خصوصی عامللر ده وار. دؤورلشمه‌یه نظر سالدیقدا و مرحله‌لر بویو تقدیم اولونان ایللرده فعالیت گؤسترهن عالیملرین ارثینی خیالان گؤزدن کئچیردیکده نظامی نین آذربایجان-تورک میللتینه عاییدلیگی پروبلئمین حلی استقامتینده آذربایجان نظامی شناسلارینین هله اؤتن عصرین ایلک اون ایللیکلریندن چالیشدیغینی، شاعرین سویکۆکو اعتباریله گنجه تورکلریندن اولدوغونو اثرلرینه اساسلانیب ثبوت یئتیرمه‌یه جدی جهد ائتدیکلرینی سؤیله‌یه بیلرک.

ظنیمیزجه، بو یؤنده نظره چارپاجاق ایشلر داها چوخ ایکینجی مرحله‌ده، یعنی ۲۰-جی عصرین ۳۰-۸۰-جی ایللری آراسیندا گؤرولموش دور. بو استقامتده درین امک صرف ائتمیش ادبیاتشناس-لاریمیزدان تکجه محمدامین رسول‌زاده، حمید آراسلی، مبارز علی‌زاده و رستم علی‌یئوین آدلارینی چکمک کیفایت‌دیر. محمدامین رسول‌زاده نین «آذربایجان شاعری نظامی» (آنکارا، ۱۹۵۱)، حمید آراسلی نین «بؤیوک آذربایجان شاعری نظامی گنجوی نین حیات و یارادیجیلیغی» (باکی، ۱۹۴۷)، «نظامی و وطن» (باکی، ۱۹۴۲) مونوقرافیالاری بیرباشا بو پروبلئمین حلینه حصر اولونموش فوندامنتال تدقیقاتلارداندیر.

آذربایجان نظامی شناسلیغیندا اوچونجو دؤور آذربایجان رئسپوبلیکاسینین اؤز مستقل لیینی برپا ائتمه‌سی ایله باشلاییر. بو دؤور داخیلینده ده تقریباً ایکی مرحله‌نی معین ائتمک اولار.

۱-جی مرحله ۱۹۹۱-جی ایل نظامی نین ۸۵۰ ایللیک یوبیلئی عرفه‌سی دیر. بو مرحله‌ده عالیملریمیز نظامی نین تورکلویوندن، تورکلویه مثبت مناسیبتیندن، اثرلرینده یئر آلان صوفی لیک ایدئیلاریندن، قدیم تورک میفولوگیاسی و فولکلورونون نظامی‌یه تأثیریندن آرتیق داها جسارتله و اینتنسیو یازیردی‌لار. ۱۹۹۱-جی ایلهده نظامی نین ۸۵۰ ایللیک یوبیلئیینین دؤولت سویه‌سینده قئید اولونماسی نظامی شناسلیق اوچون یئنی اوفوقلرین آچیلماسینی وعده ائتسه ده، قاراباغ محاربه‌سینین شدتله‌نمه‌سی بونا معین مانع‌لر تۆردیردی. بو مرحله‌ده بؤیوک اجتماعی خادیم و عینی زاماندا استعدادلی ادبیاتشناس محمدامین رسول‌زاده نین «آذربایجان شاعری نظامی» اثرینین

ادبیاتشناسلیغیمیزا استقامت وئریجی تأثیرینی ده اونوتمامالیییق. اثرین ۱۹۹۱-جی ایلده کی نشری و سونراکی مرحله لرده اوریزینالینین علمی دؤورییه ده داخل اولماسی نظامی شناسلیغیمیزا بیر یئنی استقامت وئرمیش اولدو. آذربایجان نظامی شناسلاریندان تیمور کریملی، مهدی کاظم اوو، منظره محمد اوو، زهرا آلاهوردی یئو، گلچین بابائیو، وفا حاجی یئو، سراج الدین حاجی، ابراهیم قلی یئو کیمی نظامی شناسلار بو دؤور کسینده اوریزینال تدقیقات ایشلری عرصه یه گتیردی و ایندی ده بو ساحه ده فعالیت لرینی اوغورلا داوام ائتدیریرلر.

۲-جی مرحله ۲۰۱۱-جی ایلده شاعرین ۸۷۰-جی ایلیک یوبیلییین دؤولت سوییه سینده قئید اولونماسی ایله علاقه داردیر. همین ایلده آذربایجان رئیسپولیکاسینین پرئزیدنتی جناب الهام علی یئوین ۲۳ دئکابر ۲۰۱۱-جی ایل تاریخلی خصوصی سرانجامی ایله شاعرین یوبیلییین قئید اولونماسی، اثرلرینین نشری، تدقیقی و تبلیغی ایله باغلی ایشلر یئنی مجرایا قدم قویدو. او واختدان اعتباراً ایندینین اؤزوند ده نظامی حاقیندا مطبوعاتدا مقاله لر درج اولونور، اؤلکه ده و اوندان کناردا علمی-پراکتیک کنفرانسلار کئچیریلیر، شاعرین اثرلرینین الیازمالارینین فوتوفاکسیمیلی نشر اولونور، یئنی مونوقرافیک تدقیقاتلار ایشیق اوزو گؤرور، بعضی سانبال لی آراشدیرمالار یئنی دن چاپا حاضرا نیر. ۲۰۱۱-جی ایلدن اوزو بری عالیملریمیز نظامی نین تورکلویو، آذربایجان خالقینا مخصوص لوغو، اؤز میللتینین ائتنیک ده برلرینه باغلیلیغینی انکار ائتمه یه یؤنه له ن عکس-تبلیغاتچی لارلا مبارزه آپاریر، بو ساحه ده اوغورلو آدیملار آتیرلار. عالیملریمیز بیر چوخ اجنبی اؤلکه لرین مطبوعاتیندا، نفوذلو علمی ژورناللاریندا بو موضوعدا سانبال لی مقاله لر نشر ائتدیریرلر. گؤروندویو کیمی، نظامی گنجوی نین ملی منسوبیتی ادبیاتشناسلیغین دایم آکتوال اولان پروبلئلریندن بیریدیر. معلوم دور کی، بو مسئله اؤتن عصرین ایلک اون ایلییندن شرقشناسلار آراسیندا مباحثه لره سبب اولوب و ندنسه گونوموزده ده آوروپا و شرق مطبوعاتیندا واخت آشیری گونده مه گتیریلیر. بونا گؤره ده آذربایجان لی مؤفلر اصل حقیقتی عکس ائتدیره ن تدقیقاتلاری ایله زامان-زامان اورتایا آتیلان یانلیش یاناشمالارا جاواب وئیریر، بو مباحثه لره سون قویماغا چالیشیرلار.

مسئله یه غرض لی یاناشان شرقشناسلاردان فرقلی اولاراق، عالیملریمیز بیر بیرینی تکرارلایان ائنسیکلوپئدیک سورغو کیتابلارینداکی قئیدلره استناد ائدیپ، تدقیقاتلارینی فرضیه لر اساسیندا قورمور، اونلار نظامی نین تورکلویونو اساسلاندیرماق اوچون ایلکین منبع لره و ان اساسی ایسه شاعرین دونیاجا مشهور «خمسه» سینه استناد ائدیرلر. چونکی بئش لییه داخل اولان پوئمالار اونون مؤلفینین اؤز ملی کؤکونه نئجه دریندن باغلی اولدوغونو اساسلاندیرماق، نظامی نین دوغما خالقینین تاریخی کئچمیشینه، چوخ سرلیک قدیم ادبیاتینا، میفولوژی دنیاگؤروشونه نئجه دریندن بلد اولدوغونو اساسلاندیرماق اوچون زنگین بازا وئیریر.

بئله عالیملردن بیر یه ده مشهور فولکلورشناس عالییم، نظامی یارادیجیلیغیندا ملی بدیی تفککوروموزون، تورک خالقلارینا مخصوص میفیک دوشونجه طرزینین ایزلرینی آراشدیران تدقیقاتچی سیفالدین

رضاسوی دور. او ایستر «نظامی نین» یئددی گۆزل» متنینه دنیا مدلی و اونون میفولوی قورومو» آدلی نامزدلیک دیسسترتاسیاسیندا، ایستر «نظامی پوئزییاسی: میف-تاریخ کونتئکستی» آدلی مونوقرافیا سیندا، ایسترسه ده «نظامی تورکلویو» کیمی مقاله لرینده بؤیوک شاعرین ملی منسوبیتی مسئله سینه توخونموش، اونون تورکلویونو اثرلرینین اوزده اولان و ان درین قاتلاریندا گیزلنن تورک میفیک تفککورو ایله اوزلاشمالارا اساسلانا راق ثبوتاً یئتیرمه یه چالیشمیش دیر. سیفال دین رضاسویون ۲۰۰۳-جو ایله ایشیق اوزو گۆرن «نظامی پوئزییاسی: میف-تاریخ کونتئکستی» آدلی مونوقرافیا سینین «یئددی گۆزل» این اساس سوژتینده گئرجکلشن دنیا مدلی و سوژتین میفولوی-پوئتیک سئمانتیکاسی» آدلی ۲-جی فصلینده شاعرین آدی گئدن اثری ایله آذربایجان-تورک میفیک تفککورو آراسیندا چوخلو عمومی ائلمنتلرین اولدوغو گؤستریلیر.

مؤلف پوئمانین باش قهرمانی بهرام گورون اثرده یارادیلان ماهر اووچو تیپاژی ایله «کیتابی-دده قورقود» داستانیندا یارادیلان بکیل اوبرازی آراسیندا اوخشارلیغی اوبراز و پرواوبراز عنعنه سیندن گلمه اولماسی ایله اساسلاندیریر. نظامی نین فارس ادبیاتیندا آرتیق مۆوجود اولان عمومی تیپدن ساپیناراق تورک داستان تیپینه میل ائتمه سینی ایسه داهی صنعتکارین ادبی کیملیگی ایله علاقه لندیریر. او یازیر: «... آچیق گۆرونور کی، نظامی بهرامی دامغالاما ائپیزودوندا اۆز «سلفی» اولان فردوسی بهرامیندان داها چوخ بکیله یاخیندیر. نظامی فردوسی دن گلن بو عنعنه نی نه اوچونسه بکیل «اوسلوبوندا» ایشله ییب. «فتنه ائپیزودو» ایله بکیل «دست-خطی» بیر داها تصدیق اولونور» (رضاسوی، ۲۰۰۳، ۶۲). قئید ائدک کی، هر ایکی ادبی آبیده ده آریق اووو توتان اووچونون اونا اۆز دامغاسینی ووروب آزاد بوراخماسی موتوی مؤلف طرفیندن مقایسه اوچون اساس آلینیر.

سیفال دین رضاسوی «یئددی گۆزل» اثریله «کیتابی-دده قورقود» داستانین آراسیندا دیگر اوخشار میفولوی سوژتلرین مۆوجود اولدوغونو گؤستریر. مثلاً، بهرام گورون آردینجا آتی چاپیب ماغاریا گلیب چیخیرسا، بئیرک ده کئییکی آردینجا دوشوب بانوچیچه یین اوتاغینا راست گلیر. مؤلف بو ایکی سوژتته عمومی میفیک قاتین اولماسینی بئله ایضاح ائدیر: «کدق-ده بئیرک کئییکی قوور، کئییکی اونو بانوچیچه یین اوتاق // چادیرینا گتیریر و س. بو اؤرنکلرده جئیران // کئییکی کیشی ایله قادین آراسیندا مئدیاسییا ائدیر. بورادا چادیر // اوتاق اوبرازی اصلینده داغ // ماغارا ایله ائکوی والئنت کئچید اوبرازی دیر، لاکین بو مثاللاردا پاسسیو مۆقعده دیر کی، بو دا متندن آسیلی حادثه دیر» (رضاسوی، ۲۰۰۳، ۷۰). عالیم بونولا نظامی اثرینده «کیتابی-دده قورقود» داستانیندا یئر آلان داها قدیم موتبیین اینکیشاف ائتدیریلدیینی نظره چاتدیرماق ایستیر.

سیفال دین رضاسویون ۲۰۱۲-جی ایله «دده قورقود» ژورنالیندا چاپدان چیخمیش «نظامی گنجوی نین ملی و ادبی کیملیگی حاقیندا» آدلی مقاله سینده ده نظامی نین ادبی کیملیگی - تورک دوشونجه سینه صاحب اولماسی اساسلاندیریلیر. مؤلف نظامی نین ایران ادبیاتینا معاصر، عموم بشری و هومانست ایدئیلارین گلمه سینه سبب اولماسینی، فردوسی نین بو ادبیاتدا یاراتدیغی دار ملی - آنتی تورک، آنتی عرب،

آنتى اسلام ایدئىالاردان خلاص ائتمه‌سینی قئید ائتمکله یاناشی، اونون عینی زاماندا ملى و ادبى کیملىینی ده قورویا بیلدیینی گؤستریر. عالیم یازیر: «شرق ادبیاتینین اینکیشافیندا مستثنا درجه‌ده بؤیوک رول اوینامیش نظامی تکجه ملیتینه گؤره دئییل، هم ده اؤزونون ائتنیک-مدنى دوشونجه‌سینه گؤره آذربایجان-تورک شاعری‌دیر» (رضاسوی، ۲۰۱۲، ۱۰۷).

سیف‌الدین رضاسوی همین مقاله‌سینده نظامینی یالنیز فارس دیلینده یازدیغی اوچون ایران ادبیاتینین نماینده‌سی اعلان ائدنلرین علییه‌نه چیخاراق بو فیکرین هئچ بیر علمی اساسی اولمادیغینی گؤستریر، شاعرین اثرلرینین مندرجه‌سینین بونون تام عکسینی ثبوت ائتدیینی بئله عمومی‌لشدیریر: «... نظامی و اونون کیمی آذربایجان شاعرلرینین فارس دیلینده، لاکین تورک ائتنوپوئتیکی دوشونجه مدلینده یاراتدیقلاری دا آذربایجان ادبیاتی‌دیر» (رضاسوی، ۲۰۱۲، ۱۱۳).

عالیمین بو مقاله‌سینین داها احاطه‌لی فورماسی ۲۰۱۳-جو ایلده نشر اولونان «نظامی و فولکلور» آدلی توپلویا داخل ائدیلمیش‌دیر. همین مقاله‌نین علامت‌دار جهتلریندن بیرى نظامی‌نین ملى منسوبیتینین شاعرین وطنینده، کنچمیش سووئتلر بیرلینده، آوروپادا، ایران‌دا اؤیرنیلمه‌سینین علمی و سیاسی آسپئکتلرینین آراشدیریلماسی‌دیر. آدی گئدن مقاله‌ده سیف‌الدین رضاسوی هم آذربایجان سووئت اتقاقی داخلینده اولدوغو ایلرده، هم ده مستقل لیک الده ائتدیکدن سونرا ایستر اؤز عالیم‌لریمیزین، ایسترسه ده مشهور سووئت و دونیا نظامی‌شناسلارینین نظامی‌یه مناسیبیتینین تاریخی‌نی مقایسه‌ده آراشدیریر.

سیف‌الدین رضاسوی همین مقاله‌ده اول کی اثرلرینده توخوندوغو ایکى اساس مساله‌نی داها چوخ قاباردیر: بونلاردان بیرینجی‌سی نظامی‌نین ملى کیملىگی اعتباری ايله آذربایجان تورکو اولماسی مسئله‌سی، ایکینجی‌سی ایسه اونون یارادیجیلیغینین تورک ائتنوپوئتیکی دوشونجه مدلینده اویغون یاراتدیغی پوئزییا اؤرنکلرینین آذربایجان ادبیاتی نمونه‌لری اولدوغونو گؤستریمک مساله‌سی‌دیر.

مؤلف اکثر سووئت عالیم‌لرینین نظامی ارثینه مقصدلی یاناشدیغینی، بعضاً نتیجه‌لرینده افراطا وارمالارینا مؤوجود ایدئولوگیانین سبب اولدوغونو بئله ایفاده ائدیر: «سووئت شرق‌شناسلیغینین نظامی‌یه یاناشماسی دایم سیاسی کونیوکتورایا اساسلانیردی. اونون ایستر ملى کیملىگی، ایسترسه ده یارادیجیلیغینین بدیی-اؤستتیک ماهیتی بوتون حاللاردا ایدئولوژی-سیاسی مستوی‌ده ده‌یرلندیریلیردی» (رضاسوی، ۲۰۱۳، ۷).

بورادا نظامی‌نین اثرلرینین مؤوجود ایدئولوگیانین تأثیرى آلتیندا تدقیقیندن صحبت گئدیر. لاکین بو او دئمک دئییل کی، سووئت نظامی‌شناسلیغی باشندان-باشا یانلیش علمی نتیجه‌لرین، سهو فرضیه و قناعت-لرین اوزرینده قورولوب.

سیف‌الدین رضاسوی سووئت دؤورو عالیم‌لرینین بعضی تدقیقاتلاریندا اکثر حاللاردا شاعرین اوتوپیک جمعیتین آرزوسوندا اولان رومان‌تیک، زحمتکش صنفین مدافعه‌چی‌سی کیمی شیشیردیلمه‌سینده هئچ بیر رئال اساسا سؤیکه‌نمه‌دن، توتارلی دلیل ایره‌لی سورمه‌دن، ساده‌جه مؤوجود اجتماعی، سیاسی رئاللیغا، طلبلره اساسلاناراق وئریلدییندن بعضاً اصل حقیقتین ده، مثلاً، نظامی‌نین آذربایجان شاعری

اولاراق تقدیمین ده یالان کیمی قاورانیلماسینا سبب اولدوغونو گؤستریر: «آذربایجانین گنجه شهرینده آنادان اولموش، بوتون عؤمرونو بو شهرده کئچیرمیش، یارادیجیلیغیندا دوغما یوردونو، اونون طبیعتینی، انسانلارینی بؤیوک جوشقونلوقلا ترنم ائتمیش، «تورکلویو» خصوصی بدیعی-ائستتیک دوشونجه کونستپتی کیمی یاراتدیغی فلسفی دوشونجه سیستمین نووه سینه یئرلشدیرمیش نظامی حاقیندا بو چیلپاق و ساده حقیقت سووئت نظامی شناسلیغیندا، او جمله دن، آذربایجان سووئت نظامی-شناسلیغیندا هئج واخت سیاسی-ایدئولوژی دونندان قورتولا بیلمه ییب، کونیوکتور حقیقت اولاراق قالیب» (رضاسوی، ۲۰۱۳، ۸).

هر جور سیاسی تپکیلره، قاداغالار، منفور قونشولاریمیزین چیرکین نیتلرینه رغماً حمید آراسلی، رستم علی یئو، آزاده رستم اووا، نوشابه آراسلی، غضنفر علی یئو، خلیل یوسف اووا، چنگیز ساسانی کیمی آذربایجان سووئت نظامی شناسلارینین یارانان هر جور فرصتدن استفاده ائدرک شاعرین یارادیجیلیغیندا داها چوخ سوسیال ایدئولارین تجسومونه فیکیر وئرن سووئت عالیم لریندن فرقلی اولاراق، نظامی نین وطنی، ملی و ادبی کیم لیگی مسئله لرینی دقتده ساخلامالاری ایله «نظامینی آذربایجان ادبیاتینین سیموولونا چئویرمه یی باجاردیغینی» گؤسترن سیف الدین رضاسوی دوغرو اولاراق قئید ائدیر: «آذربایجان سووئت نظامی شناسلیغی «بورژوا-سووئت» ایدئولوژی قارشى دورما مدلیندن نظامی نین ملی و ادبی منسوبیتی مساله سینده کفایت قدر اوغورلا استفاده ائدیردی. بو مدل آذربایجان نظامی-شناسلارینا نظامینی فارس، ایران شاعری حساب ائدن نهنگ غرب شرق شناسلارینین یارادیجیلیغینا، او جمله دن، بو مساله ده خصوصی فعال لیک ائدن ایران عالیم لرینه سربست تنقیدی مناسبت بسله مه یه امکان وئیردی» (رضاسوی، ۲۰۱۳، ۹).

عالیم لریمیز سووئت دؤولتینین مؤوجود سیاسی-ایدئولوژی طلبلری چرچیوه سینده اولسا دا، شاعرین ملی و ادبی کیم لیگی باخیمیندان آذربایجان خالقینا منسوب لوغونو ثبوت ایتتیرمه یی باجارمیشلارسا، آرتیق ایگیرمی آلتی ایلیک مستقل لیک دؤنه مینده بو استقامتده کفایت قدر اوغورلو آدیم لار آتیلیسا، نه اوچون بو گون روسیادا، ایران دا، بعضی آوروپا اؤلکه لرینده، آمئریکا دا نشر اولونان کیتابلاردا یئنه ده نظامی فارس شاعری کیمی تقدیم اولونور؟ عالیم بو سوالین جاوابینین مساله یه مؤوجود یاناشمالاردا پروبلئمین حلی اوچون متئودولوژی سیستمین دوزگون قورولما دیغینی اساس گتیریر. او، بیر نچه تنزیسه مساله یه آیدینلیق گتیرمه یه و متئودولوژی سیستم اوچون اساسلاری معین ائتمه یه چالیشیر. همین تنزیسلری آشاغیداکی کیمی عمومی لشدیرمک اولار:

- ۱) مساله نین قویولوشو زامانی ملی کیم لیکله ادبی کیم لیین فرقلی آنالایشلار اولدوغونو نظره آلینمایدیر؛
- ۲) تورکلویون نظامی اوچون درک اولونموش اؤزونو مدافعه مدلی اولدوغو ثبوت ایتتیریلمه لیدیر؛
- ۳) نظامی فارس دیلینده یازدیغی اوچون اونون فارس دیلی ادبیاتین نماینده سی اولدوغونو انکار ائتمه مه لیک، لاکین آنالاتمالیق کی، نییه نظامی فارس، ایران ادبیاتینین نماینده سی دئییل و اول دا بیلمز؛

۴) نظامی یارادیجی لیغینی یالنیز ملی کریتئرییالاردان چیخیش ائدرک آراشدیرماملاییق، اونون ملی رئال لیقلارا سؤیکه‌نه‌رک عموم‌بشری حقیقتلری ایفاده ائتدینی گؤسترمله‌لیک. سیف‌الدین رضاسوی عینی ایله «تورک‌سوستان» قزئتینده درج ائتدیردی «نظامی‌نین تورکلویو» آدلی مقاله‌سینده ده نظامی‌نین عموم‌بشری ایدئیا لاری ایفاده ائدن بیر انتباه شاعری کیمی آذربایجان خالقینین ملی دوشونجه تاریخینده اؤز فعالیتی ایله ائتیک سیستمین اوستونده دوران شخصیتلریندن بیری اولاراق خاراكتئریزه اتمکله باهم، تامامیله حاقلی اولاراق اونون ارثینین اوزون ایللر اؤزوندن سونرا یارانان ملی ادبیاتیمیز و اینجه‌صنعتیمیز اوچون ائتنوئترگئتیک دوشونجه قایناغی اولدوغونو اساسلانديرير.

بو مقاله‌سینده ده نظامی‌نین و یاخود اونون معاصری اولان هر هانسی بیر مسلمان شرقینده یاشایان ادیبین ارثینی آراشدیرارکن ملی و ادبی کیم‌لیک آنالیشلارینی بیر-بیریندن فرقلندیرمه‌یی اساس طلب کیمی ایره‌لی سورن عالیم قدیم آذربایجان شهری گنجه‌ده دوغولان، بورادا بویا-باشا چاتیب، یاشایب-یارادان، عؤمرونو باشا ووروب، ابدی راحتلیق تاپان شاعرین ملی-ائتیک منسوبیتین آذربایجان تورکو اولدوغونو ثبوتاً یئتیرمه‌یه هئچ بیر احتیاج اولمادیغینی گؤستریر. نظامی‌نین ادبی کیم‌لیینه گلینجه ایسه مؤلف یازیر: «تورکلوک نظامی یارادیجیلیغینین روحونا هوپوب، یاراتدیغی بدییی دونیانین آب-هاواسینا، رنگ-روحونا چئوریلیب» (رضاسوی، ۲۰۱۳، ۶).

دئییله‌نلردن بئله قناعتله گله بیلریک کی، سیف‌الدین رضاسوی اؤز تدقیقاتلاریندا – مونوقرافیا و مقاله‌لرینده نظامی گنجوی‌نین یارادیجیلیق نمونه‌لرینه اساسلانا‌راق، اونلاری تورک اخلاقی‌نین نمایش ائتدیرن داها قدیم ادبی آییده‌لرله مقایسه ائدیپ شاعرین ملی کیم‌لیگی ایله یاناشی ادبی شخصیت اعتباریله ده هانسی ائتنوسا منسوب اولدوغونو ثبوتاً یئتیرمه‌ین واجب اولدوغونو بیر پروبلئم کیمی قویور. اونون فیکرینجه، یالنیز بو حالدا بیز نظامی‌نین تورکلویونو و تورکلویه رغبتینی ثبوتاً یئتیره بیلریک. چونکی شاعرین «خمسه» سینده قدیم تورک آییده‌لری، تورک خالقلارینا مخصوص میفیک دونیاگؤروشو و تورک اخلاقی، تورک معیشتی ایله سسلشن کفایت قدر اؤرنک تاپماق مومکون‌دور. سون زامانلار آذربایجان ادبیات‌شناسلیغیندا بو پروبلئمین حلی استقامتینده نظره چارپاجاق ایشلر گؤرولموشدور. اؤز سلفلرینین یارادیجیلیق اوغورلاری اوزرینده تدقیقاتلارینی قوران داها تجربه‌لی و نسبتاً گنج تدقیقاتچی لاریمیز کفایت قدر توتارلی دلیل‌لرله بو مساله‌نی ایشیق‌لان‌دیرا بیلیمیشلر. بیز ایسه بو مقاله‌ده یالنیز بیر فولکلورشناس آذربایجان عالیمینین ارثینده نظامی‌نین تورکلویو و تورکلویه مناسبتینین کونکرئت پروبلئم کیمی قویولوشونا و حلینه نظر یئتیرمیش اولدوق.

ادبیات:

- رضاسوی، سیف‌الدین، (۲۰۰۳)، نظامی پوئزیاسی: میف-تاریخ کونتتکستی، باکی، آغری داغ.
- _____، (۲۰۱۲)، نظامی گنجوی نین ملی و ادبی کیملیگی حاقیندا، «دده قورقود» ژورنالی، نومه ۴ (۴۵).
- _____، (۲۰۱۳)، نظامی گنجوی نین ملی و ادبی کیملیگی حاقیندا، «نظامی گنجوی و فولکلور» توپلو، باکی: نورلان.
- _____، (۲۰۱۳)، نظامی تور کلویو، «تور کوستان» قزتی، ۸-۱۴ دئکابر، نومه ۴۳ (۳۲۳).

صفوی لړ دۋورونده اردبیل ده خطاطلیق و کتاب صنعتی

دکتر نامیق موسالی^۱

اؤزت

آذربایجانین اورتا عصرلر تاریخینده مهم رول اوینامیش شهرلردن بیر ده اردبیل دیر. صفوی لړین حاکمیتی دۋورونده بو شهر حاکم سلاله‌نین وطنی اولماسی، صفویه شیخ‌لرینین مزارلارینین اورادا یئرلشمه‌سی، تجارت یوللارینین قووشاق نقطه‌سی اولاراق استراتژی اهمیت داشیماسی کیمی عامللر اوزوندن امتیازلی بیر وضعیت ده ایدی. اردبیل شهری ۱۶-جی-۱۷-جی عصرلر بویونجا آذربایجانین و عمومی‌لیک ده صفوی لړ دۋولتینین ان مهم اجتماعی-اقتصادی، دینی و مدنی مرکز لریندن اولموشدور. بوراداکي شیخ صفی مقبره‌سی دینی موسسه اولماقلا یاناشی، هم ده صاحب اولدوغو گنیش وقفلر حسابینا ایری بیر اقتصادی تشکیلات حالینا گلیمیش، عینی زاماندا عرفان اوجاغی ساییلان دارالارشاد خانگاهینین سایه‌سینده علم، تحصیل، مدنیت و اینجه‌صنعت مرکزینه چئوریلیمیشدی.

آچار سؤزلر: اردبیل، صفوی لړ، الیازمالار، خطاطلیق، کتاب صنعتی

^۱. کاستامونو اونیوئرسیتته‌سی، تاریخ بۆلومو اؤیرتیم اویه‌سی. namiq.musali@gmail.com

شیخ صفی مقبره‌سی ترکیب‌بند زنگین کتابخانانین فعالیت گؤسترمه‌سی و شاه حاکمیتینین خصوصی قایغی - کش‌لیگی ایله احاطه اولونموش مقبره کومپلئکسینده واخت‌آشیری یئنی‌دن قورما ایشلرینین آپاریلماسی ایله علاقه‌دار اولاراق، بورادا خطاطلیق صنعتینین اینکیشافی اوچون مناسب شرایط یارانمیش و ایستر کتاب کؤچورهن، ایستر سه ده معمارلیق آبیده‌لرینه کتابه‌لر حک ائدن خطاطلارا طلبات آرتمیشدی.

صفوی‌لر دؤورونده آذربایجان‌دا خطاطلیق صنعتی داها گئیش یاییلمیش و داها یوکسک اینکیشاف مرحله‌سینه چاتمیشدی. معاریفین اینکیشافی پروسئسینه کاللیقرافیانین مهم تأثیری اولموشدور. بو دؤورده تبریز، اردبیل، ماراغا و شاماخی کتابخانالاری خطاطلارین توپلانیدیگی اساس مدنیت مرکزلی ایدی (قاسیم‌وو، ۲۰۱۴، ۲۸۸). صفوی دؤورونون گؤرکملی ادیبی، تاریخچی‌سی، منشی‌سی و خطاطی قاضی احمد قمی‌نین خطاطلار و نقاش‌لار حاقیندا فارسجا یازدیغی، تخمیناً هـ ۱۰۱۵/م. ۱۶۰۶-جی ایلده تاماملادیغی «گلستان هنر» اثرینده اردبیلده فعالیت گؤستریش اوچ مشهور خطاط (مولانا نظام‌الدین، موسا بیگ، مولانا محمد امین) و بیر کتاب جیلدچی‌سی (مولانا قاسیم) حاقیندا معلومات وئریمیشدیر.

«مولانا شمس‌الدین بن اوغلو مولانا نظام‌الدین دارالارشاد اردبیل‌دن ایدی. آلتی خط نؤعونده گؤزل یازیردی، همچنین نستعلیق خطینی ده صاف و پاکیزه یازیردی. او، آذربایجانین اوستاد خطاطلارینداندیر. دارالارشاد اردبیلده خطاطلیقلا مشغول اولموشدور. تورکمان سلطانلاری (آذربایجانین قارقویون‌لو و آغ‌قو-یون‌لو سلاله‌لری نظرده توتولور) زامانیندان تا ۹۲۰-جی (۱۵۱۴) ایلده قدر حیاتدا اولموشدور» (قاضی احمد، ۱۹۴۷، ۸۱-۸۲؛ قمی، ۱۳۵۹، ۳۲-۳۳؛ تربیت، ۱۳۱۴، ۳۸۰).

«موسا بی تورک منشالی اولوب، مکمل‌لیکلر و بؤیوک ذؤوق صاحبی ایدی. نستعلیق خطی ایله گؤزل یازیردی. بیر مدت شاه دفترخاناسیندا چالیشمیشدی و اورادا اونا تایی اولاییلن اوستاد خطاط یوخ ایدی. دارالارشاد اردبیلین وزیرلیگی اونا تاپشیریلیمیش و اورادا وفات ائتمیش‌دیر» (قاضی احمد، ۱۹۴۷، ۹۹؛ قمی، ۱۳۵۹، ۵۱).

مولانا محمدامین عقیلی‌نین آتاسی اصلن ما زنداران‌داکی رستم‌داردان اولوب، سام میرزه صفوی ایله بیرلیکده اردبیلده گلمیش‌دیر (سام میرزه ۱۵۴۹-۱۵۶۲-جی ایلرده اردبیل حاکمی اولموشدور). مولانا اردبیلده دوغولموش، شیخاوند طایفه‌سی آراسیندا بؤیوموشدور. اونون خطاطلیقدا اوستادی مولانا محمدحسین تبریزی‌دیر. عقیلی، شاه محمد خدابنده‌نین دؤورونده (۱۵۷۸-۱۵۸۷) شاهزاده سلطان حمزه میرزه‌نین ان یاخین امیرلریندن اولان «یولداش‌باشی» لقبی اسماعیل خان شاملونون شخصی کتابداری ایدی. سؤزو گئدن خطاط، حمزه میرزه‌نین ده حؤرمینی قازانمیش، «قیلیچ و قلم صاحبی» تیتولونا مالیک اولموشدور. حمزه میرزه‌نین ۱۵۸۶-جی ایلده باش وئرمیش اؤلوموندن سونرا او، دونوی ایشلردن ال چکرک درویش کیمی حیات سورمه‌یه باشلامیش، خطاطلیقلا و کتاب کؤچورمکله مشغول اولموشدور. تورکجه گؤزل شعرلر یازمیش‌دیر. ق. ا. قمی اونون «دیلدن منی سالدی آتش هجرانین» مصرعسی ایله



باشلایان بیر تورکجه رباعی سینی مثال
گتیریر و اونولا ۱۶۰۶/۱۰۱۵-جی ایلده
قزوین ده گؤروشدیوونو یازیر (قمی، ۱۳۵۹،
۱۲۳-۱۲۳).

کتاب جیلدچی سی اولان مولانا قاسیم
تبریزی عثمانلی لارین ۱۵۸۵-جی ایلده
تبریزی اشغال ائتمه سیندن سونرا قزوینه
کۆچسه ده، داها سونرا اردبیل ده مسکن
سالمیش، اورادا یاشاییب-یاراتمیشدیر. ق.
۱. قمی کتاب جیلدله مک ساحه سینده اونون
میثیل سیز اولدوغونو ایفاده ائتمیشدیر.
مولانا قاسیم ۱۵۹۱/۱۰۰۰-۱۵۹۲-جی
ایلده قزوین ده تاون اپیدمیاسی زامانی
وفات ائتمیشیر.

خط صنعتیندن و خطاطلاردان بحث
ائدن قایناقلاردان بیرینده مصورلر و
نقاشلار سیراسیندا برجعلی اردبیلی آدلی
بیر رسامین آدی چکیلیر و اونون
«روغنی جیلد تصویرینده و سایر
مجالیس ترسیمینده ممتاز» اولان
سلطان محمد اوغلو مهدی بی-ین
شاگردی اولدوغو گؤستریلیر (حبیب،
۱۳۰۶، ۲۶۴، ۲۶۲).

شیخ صفی مقبره سی کومپلکسینده متمادی اولاراق حیاتا کئچیریلن تعمیر- تیکینتی پروسئسینده معمارلار و
اینشآتچی لارلا برابر خطاطلار، حکاکلار و نقاشلار دا یاخیندان اشتراک ائدیردیلر. بو صنعتکارلاردان
بعضیلرینین آدلاری زامانیمیزا قدر گلیب چاتمیشدیر. مثلاً، ۱-جی شاه اسماعیلین مزارینین مختلف ناخیشلارلا
بزه دیلمیش نفیس صندوقه سی نقاش اوستاد مقصود علی طرفیندن حاضیرلانمیشدیر (ولایتی، ۱۹۹۸، ۳۱۷). شیخ
صفی کومپلکسینه داخل اولان قندیلخانا بیناسینین خارجی فاسادینین آشاغی حصه سینده آغ مرمر بیر لؤوحه
اوزرینده ۱-جی شاه تهماسبیین ۱۵۲۶/۹۳۲-جی ایلده اردبیل له باغلی وئردی بیر فرمانین متنی حسن آدلی خط
اوستاسی طرفیندن ایری و خوش نستعلیق خطی ایله حک ائدیلیمیشدیر (ولایتی، ۱۹۹۸، ۳۰۳).

۱- جی شاه عباس زامانیندا (۱۵۸۷-۱۶۲۹) اردبیل ده کی صفوی زیارتگاه لاریندا آپاریلان گئیش قوروجولوق ایشلری بورایا آذربایجانین دیگر یئرلریندن مشهور خطاطلارین دعوت ائدیلمه سینه سبب اولموشدور. مولانا علیرضا عباسی تبریزی ۱۶۱۱/۱۰۲۰-۱۶۱۲-جی ایلده شیخ صفی الدین اسحاقین آتاسی امین الدین جبرائیلین توربه سینین، ۱۶۲۷/۱۰۳۷-۱۶۲۸-جی ایلده ایسه شاه اسماعیل آرمگاهینین کتابه سینین حاضیرلامیشدیر (گلمغانی زاده اصل، ۱۳۸۴، ۳۴۳). ۱۶۱۲/۱۰۲۱-۱۳-جو ایلده امین الدین جبرائیلین کلخوران کندینده کی توربه سینده چالیشمیش صنعتکارلاردان بیرری ده نقاش طاهر ابن سلطان محمد اولموشدور (ولایتی، ۱۹۹۸، ۳۳۳). توربه ده کی تعمیر و برپا فعالیتلری سونرالار دا داوام ائتدیریلیمیشدیر. بئله کی، ۱۷۰۱/۱۱۱۳-جی ایلده حکاک سید غفور گوزل نستعلیق خطی ایله امین الدین جبرائیلین توربه سینده بعضی بیتلر نقش ائتمیشدیر (ولایتی، ۱۹۹۸، ۳۳۴).

میر اسدالله ابن آغا میر قوام الدین روضه خان اردبیلی صفوی لر دؤرونون ثلث خطی ایله یازان استعدادلی خطاطلاریندان ایدی. بعضی مؤلفلر اساس سیز اولاراق، اونون قاجارلار عصرینده یاشادیغینی ادعا ائتسه لر ده، م. گلمکانی زاده اصل و ح. یوسفی اردبیل شهرینده کی ائتیقرافیک آبیده لره اساسلاراق اونون ۱-جی شاه عباس زامانیندا یاشاییب-یارا دیغینی اثبات ائتمیشلر. شیخ صفی مقبره سینین دارالحفاظ و شاه نشین قیسملرینده ۱۶۲۷/۱۰۳۷-۱۶۲۸-جی ایلده عایید گوزل کتابه لر محض بو اوستادین ال ایشلریدیرلر (گلمغانی زاده اصل، ۱۳۸۴، ۳۴۵).

شیخ صفی مقبره سینده چالیشان اینجه صنعت خادیملریندن بیرری ده نقاش اسماعیل دیر. او، شیخ صفی مقبره سینین عظمتلی گیریش پورتالیندا کی ناخیشلارین مؤلفی دیر (بیماری، ۱۹۷۶، ۶۲). اردبیل ده چالیشان خط اوستالاری ائتیقرافیک نمونه لرین، کتابه لرین و معمارلیق آبیده لری اوزرینده کی اورنامنتلرین حاضیرلانماسی ایله یاناشی، کتابلارین کؤچوروله رک چوخالدیلماسی ایله ده مشغول اولوردولار. اردبیل مقبره سینده بؤیوک بیر کتابخانانین یئرلشمه سی بورادا کتاب کؤچورمه (استنساخ) صنعتیین ده اینکیشاف ائتمه سینه یول آچمیشدیر. هله شیخ صفی زامانیندا قورولان بو کتابخانا ۱-جی شاه عباس طرفیندن داها دا زنگینلشدیریلیمیشدیر. بورادا کی کتابلارین بؤیوک بیر حصه سی عربجه، یئرده قالانلاری ایسه تورکجه و فارسجا اثرلردن عبارت ایدی. ماهر خطاطلار و استعدادلی کاتبلر طرفیندن کوفی، ریحانی، نسخ، ثلث و س. خط نوعلرینده یازیلیمیش اولان الیازما کتابلار دری جیلدره توتولور، بعضی حاللاردا ایسه قیزیل و گوموشله جیلدلنیر، مینیاتورلرله بزدیلبیردی

(کلمغانی زاده اصل، ۱۳۸۴، ۲۹۲). ۱-جی شاه عباسین مقبره یه هدیه ائتدی کتابلارین اوزرینده وقف قئیدلری اولوردو. همین قئیدلرده «هر کیم ایسترسه اوخوسون، بیر شرطله کی، مقبره دن کنارا چیخارماسین» ایفاده لری یازیلیردی (اؤزگودنلی، ۲۰۰۱، ۵۳). بورادان بللی اولور کی، شیخ صفی کتابخاناسی قاپالی کتابخانا دئییلدی و خالقا آچیق اولان عمومی بیر کتابخانا سجه سی داشیییردی. ۱۷۲۷/۱۱۳۹-جی ایله عایید بیر عثمانلی سندینده اردبیل مقبره سی کتابخاناسینا مخصوص اولان ۷۴۴ جیلد الیازما کتاب قئیده آیینمیشدیر (اؤزگودنلی، ۲۰۰۱، ۵۶). ۱۷۵۸/۱۱۷۲-۱۷۵۹-جو ایله ترتیب اولونموش باشقا بیر سیاهی ده ایسه بو کتابخانا دا ۹۷۲ کتابین ساخلاندیغی گؤستریمیشدیر (شیخ-الحکمای، ۱۳۸۷، ص ۲۴).

تأسف کی، صفوی حاکمیتیندن سونراکی مرحله ده بو زنگین و قیمتلی کتابخانا تارمار ائدیلمیشدیر. کتابلارین بیر



زیدین یوخودا لیلی ایله مجنونو جتته گؤرمه سی.
م. فضولی «لیلی و مجنون»، ۱۰۷۵/۱۶۶۴،
بریتانیا ملی کتابخاناسی، نومره ۴۰۵، ورق ۹۷۵

حصه سی ۱۸۲۸-جی ایله اردبیلی اشغال ائدن روس اوردوسو طرفیندن اله کئچیریلهرک پطربورقا گؤندریلمیشدیر و حال حاضریدا اورادا یئرلشن روسیا میلی کتابخاناسینین (کئچمیش سالتیکو-شئدرین آدینا کتابخانانین) الیازمالار شعبه سینده ساخلانماقدادیر. شیخ صفی مقبره سینه مخصوص دیگر کتابلار ایسه ۱۹۳۵-جی ایله ۸۰ صانديق ایچینده تهران داکي ایران میلی موزئینه داشینمیشدیر (اؤزگودنلی، ۲۰۰۱، ۵۳-۵۴). صفوی لر زمانیندا اردبیل شهرینده و یا اردبیل لی کاتبیلر طرفیندن کؤچورولموش نسخه لر بو گون دونیانین مختلف کتابخانالارینی، کوللئکسیالارینی و موزئیلرینی بزه مکده دیر. اورتا عصرلرده، بیر قایدا اولاراق، «یوکسک وظیفه لی شخصلر اوچون ترتیب ائدیلمیش طمطراقلی الیازما نمونه لری ایله یاناشی، عادی هوسکار اوخوجولار، یاخود علم و ادبیات خادیم لری اوچون نظرده توتولموش ساده نسخه لر ده یارادیلیردی» (افندی، ۲۰۰۷، ۹۳). بو سببدن ده متن شناسلیق باخیمیندان کاتبیلر اساساً یکی قروپا آیریلیرلار: نفیس کتاب

مدنیتی شئدئورلری یارادان صنعتکارلار خطاط کیمی خاراكتئریزه ائدیلدیکلری حالدا، اینجه صنعت باخمیندان نفیس لیگی ایله سئچیلیمه یه الیازما نسخه لرینی قلمه آلان کاتبیلر «نساخ» آدلانديریلیرلار (عادل اوو، ۲۰۱۰، ۱۵۲). اردبیل کتابچیلیق صنعتی نمونه لری آراسیندا هر ایکی نوعدن اولان نسخه لره راست گلمک اولور. مختلف الیازما نسخه لری و کاتالوقلاری، همچنین الیازما کتابلارین محافظه سی ایله مشغول اولان قوروملارین اونلارین آختاریش سیستم لری اوزرینده آپاردیغیمیز آراشدیرمالار نتیجه سینده، اردبیل له باغلی اولان آدلاری اونودولموش اونلارلا خطاط و نساخین کیملیکلری معین لشدیریلیمیشدیر. اونلارین آراسیندا شیخ صفی مقبره سینین کتابخاناسیندا فعالیت گؤستره ن خطاطلارلا یاناشی، اردبیلین دیگر علمی و دینی مرکز لرینده چالیشاراق تدریس مقصدی ایله کتاب کؤچوره ن و یا اؤز زمانه سینین آریستو کراتیاسینین سفارش لرینی یئرینه یئتیره رک مختلف موضوعلاردا کتابلاری استنساخ ائدن صنعتکارلار دا واردیر.

زین العابدین محمد ابن محمد شیخی اردبیلی نین نستعلیق خطی ایله یازدیغی و ۲۰ رمضان ۱۰۹۱۵/۱ یانوار ۱۵۱۰-جو ایله ده تاماملادیغی ۲۲۰ ورق دن عبارت ادبی بیر مجموعه حاضرده تهران اونیورسیتتی کتابخاناسینا مخصوص اولوب، اورادا ۸۹۰۸ شیفره سی ایله قئیده آلینمیشیر. سؤزو گئدن مجموعه یه اورتا عصر شاعر لریمیزدن ماراغالی اوحدی نین «جام جم» پوئماسی و مولانا جلال الدین رومی نین بعضی عرفانی شعر لری ده داخل ائدیلیمیشدیر (دانش پژوه، ۱۳۶۴، ۲۴۷).

محمد ابن حسین اردبیلی، آنتیک یونان آسترونومو و جغرافیایچی سی کلاودی پتولومئیی آسترونومیا باره ده یازدیغی «آلماگنسته» اثرینه ۱۴-جو عصرین اوللرین ده علامه نیشابوری طرفیندن یازیلیمیش تفسیری ۱۵۱۹/۹۲۵-جو ایله ده نستعلیق خطی ایله استنساخ ائتمیشدیر. سونرادان شاه عباس بو نسخه نی اؤز الی ایله ملا مظفر منجم گنابادی به باغیشلامیشدیر. حاضرده همین الیازما تهران اونیورسیتتینده کی حکمت کوللئکسیاسیندا ۱۲۳ سایی نسخه کیمی محافظه ائدیلیر (دانش پژوه، ۱۳۴۱، ۷۵).

اردبیل ده استنساخ فعالیتی ایله تکجه پشه کار کاتبیلر دئییل، عینی زاماندا دؤورون دیگر تانینمیش شخصیتلری و ضیالیلاری دا مشغول اولوردولار. مثلاً، صفوی دؤورونون تانینمیش عالیم لریندن حسین ابن عبدالحق الهی اردبیلی، ایلخانی لر دؤورو عالیم لریندن قطب الدین شیرازی نین آسترونومیا حاقیندا یازدیغی «تحفه الشاهیه» آدلی اثری ۱۵۱۹/۹۲۵-جو ایله ده نستعلیق خطی ایله کؤچورموشدور. اونون آردینجا ایسه نصیرالدین طوسی نین و ابوریحان بیرونی نین بعضی رساله لرینی ده استنساخ ائدرک بونلاری بیر مجموعه داخیلینده جمع لشدیریمیشدیر. همین نسخه اصفهان اونیورسیتتی کتابخاناسیندا ۲۸۶ سایی الیازما کیمی قورونماق دادیر (دانش پژوه، ۱۳۶۲، ۹۳۵).

زین العابدین آدلی دیگر بیر کاتب ۱۵۸۴/۹۹۲-جو ایله ده آغ قویون لو دؤورونون متفکر لریندن اولان جلال الدین دوانی نین «شواکل الهور» آدلی اثرینی استنساخ ائتمیشدیر. قئید ائدک کی، بو اثر اشراق فلسفه سینین بانی سی اولان مشهور آذربایجان عالیمی سهروردی «المقتولون هیاکیل النور» اثرینه شرح اولاراق قلمه آلینمیشدیر. ماراقلی دیر کی، کاتب استنساخ تاریخینی تکجه هجری تقویم ایله دئییل، عینی زاماندا اون ایکی حیوانلی تورک تقویمی ایله ده ایفاده ائتمه یی لازیم بیلیمیش و کؤچورمه ایشینین، تورک تقویمینده

«قوی ییل» آدلانديريلان قویون ایلینده اردبیل ده حیاتا کتچیریلدینی قئید ائتمیشدیر. بو نسخه تبریز ملی کتابخاناسیندا ۳۶۷۵ شیفرهسی آلتیندا ساخلانیر (دانش پژوه و افشار، ۱۳۴۴، ۳۰۶).

محمدتقی اردبیلی ۱۶-جی عصرین سونلاری ۱۷-جی عصرین اوللرینده نسخ خطی ایله یازان کاتبیلردندیر. اونون ۹۹۹-۱۰۰۰/۱۵۹۰-۱۵۹۱-جی ایللرده استنساخ ائتدی مجموعه اساس اعتباریله آسترونومیایا دایر رساله لر دن عبارتدیر. بورایا نصیرالدین طوسی نین «سی فصل» و علی قوشچونون «فتحه» اثرلری ده داخل ائدیلمیشدیر. کاتالوقلاردا قئید ائدیلمه گوره، همین مجموعه عراقین نجف شهرینده کی شوشتری لر تکیه سینین کتابخاناسینا مخصوصدور (دانش پژوه و حاکمی، ۱۳۶۲، ۸۳۵). آدی چکیلن کاتبین ۱۰۳۲ / ۱۶۲۲-۱۶۲۳-جو ایله کؤچوردیو ۱۷۷ ورق دن عبارت «مرشدالعلوم» آدی فارسجا باشقا بیر اثر ف-۳۸۶ شیفرهسی ایله ایران ملی کتابخاناسینین ملکیتینده دیر (انوار، ۱۳۶۵، ۳۷۳).

محمود ابن شاه محمد اردبیلی ۱۵۹۱/۱۰۰۰-جی ایله گؤرکملی شاعیریمیز فضولی نین دیوانینی تعلیق خطی ایله جیلالی کاغیذلار کؤچورموشدور. هجمی ۱۰۷ ورق اولان نسخه ده ۷ مینیاتور واردیر و حال حاضریدا بو قیمتلی کتاب استانبول داکی توققای سارایی موزئینین تورکجه الیازمالار شعبه سینده ر-۷۴۸ شیفرهسی آلتیندا ساخلانیلیر.

صفوی دؤورو اردبیل خطاطلیق مکتبینین نماینده لریندن بیرى ده حیدرقلو ابن محب اردبیلی دیر. اونون خطی ایله کؤچورولموش اولان ابوالخیر محمدتقی ابن محمد فارسی نین (۱۶-اینجی عصر) آسترونومیایا دایر «حل تقویم» اثرینین الیازما نسخه سی آذربایجان ملی علملر آکادمیاسی نین الیازمالار اینستیتوتون دا-۴۲۳ شیفرهسی ایله محافظه اولونماقدادیر. نسخه اورتا آسیا استحصالی اولان کاغیذلار نارین نستعلیق خطی ایله کؤچورولموش، قهوه یی رنگلی ظریف درى جیلده توتولموشدور. الیازمانین استنساخی ۱۱ ربیع-الاول ۱۰۲۹/۱۶ فورال ۱۶۲۰-جی ایله باشا چاتدیریلیمیشدیر. نسخه ده آسترونومیایا دایر جدول لره ده یئر وئريلمیشدیر (نقی اوا، ۲۰۰۷، ۷۸).

مسیح الله اردبیلی، ایلخانی لر دؤورونون مجتهدی جمال الدین مطهر حلی نین (۱۲۵۰-۱۳۲۵) فقه حاقیندا یازدیغی «قواعد الاحکام» آدی عربجه اثری ۱۰۲۹ / ۱۶۱۹-۱۶۲۰-جی ایله نسخ خطی ایله کؤچورموشدور. حلی نین آدی چکیلن اثری هله ۱-جی شاه اسماعیل زامانیندا (۱۵۰۱-۱۵۲۴) ان مهم فقه کتابی اعلان ائدیله رک اله رهبر توتولموشدو و بو سببدن صفوی لر دؤورونده دینی حقوق مسئله لری باخیمیندان خصوصی اهمیت داشییان قایناق لاردان ساییلیردی (افندی یئو، ۱۹۸۱، ۵۹). مسیح الله اردبیلی نین ترتیب ائتدی بی بو نسخه حاضریدا تهران اونیورسیتتینین حقوق و سیاسی-اقتصادی علملر فاکولته سینین کتابخاناسیندا ج-۳۴۶ شیفرهسی ایله ساخلانیر (دانش پژوه، ۱۳۳۹، ۴۱۳-۴۱۵). قایناق لاردا مسیح الله اردبیلی-نین آدی «گؤزل یازان خطاطلار» آراسیندا قئید ائدیلیر و اونون اوغلو اولان فایز تخلصو شاعر حیدرلی نین (وفاتی: ۱۰۸۱/۱۶۷۰-۷۱) ده «یوکسک سوییه لی حسن خطه مالیک اولدوغو» گؤستریلیر (موسوی، ۱۳۵۸، ۱۷۵؛ موسوی، ۱۳۸۸، ۲۸۸).

محمدرضا اردبیلی ۱۶۶۴/۱۰۷۵-جو ایله فصولی نین «للی و مجنون» پوئماسینی نستعلیق خطی ایله کؤچورموشدور. ۹۸ ورق دن عبارت، ۲۲ مینیاتورله بزه دیلن و ادبی اهمیتیندن ساوایی، یوکسک صنعت دیرینه ده صاحب اولان بو نسخه بریتانیا میلی کتابخاناسینین تورک دیل لی الیازلار شعبة سینده اور. ۴۰۵ شیفره سی ایله قورونماق دادیر (آراچ، ۲۰۰۷، ۴۴-۴۵)

درویش محمد ابن قایا اردبیلی ۱۶۰۶/۱۰۱۶-جی ایله حاجی زین الدین العطار علی ابن حسین الانصاری نین (۱۳۳۰-۱۴۰۳) طبابت مؤوضوعسون دا فارسجا یازدیغی «اختیارات بدیعی» ادلی اثری نستعلیق خطی ایله استنساخ ائتمه سی سایه سینده آدینی تاریخه یازمیشدیر. سؤزو گندن نسخه ۲۶۲ ورق دن عبارت اولوب، استانبول سلیمانیه کتابخاناسی آنتالیا کوللکسیاسیندا ۵۰۱ شیفره سی آلتیندا قئیده آلمیشدیر. محمد اردبیلی ۱۶۴۳/۱۰۵۳-جو ایله علی شیر نوایی نین تورکجه دیوانینی تعلیق خطی ایله کؤچورموشدور. ۱۱۹ ورق هجمینده اولان کتاب قاهره ده کی مصر میلی کتابخاناسینین تورک دیل لی الیازلار شعبة سینده ۱۵۲ سایی نسخه کیمی محافظه آلتیندادیر .

محمد ابراهیم ابن نقدی اردبیلی، ۱۶-جی عصرین مشهور صفوی تاریخچی سی و یوخاریدا آدی چکیلن «گلستان هنر» اثرینین مؤلفی قاضی احمد قمی نین «خلاصه التواریخ» ادلی سالنامه سینی (محمداوا، ۱۹۹۱) اردبیل ده نستعلیق خطی ایله کؤچورموش و نسخه نین سونوندا اؤزونون قئید ائتدی کیمی، بو ایشی جمعه گونو، ۶ محرم ۱۰۷۴/۱۰ آوقوست ۱۶۶۳-جو ایله سونا چاتدیرمیشدیر. حاقیندا بحث ائتدیمیز الیازما ۳۵۴ ورق دن عبارت اولوب، قم شهرینده کی مرعشی کتابخاناسیندا ۸۱۷۶ سایی نسخه کیمی محافظه اولونور (مرعشی و حسینی، ۱۳۷۲، ۱۵۸).

علی ابن میر سید محمد حسینی و محمد ابن محمد قاسم حسینی نسخ خطی ایله یازان اوستادلاردان اولموشلار. اولارین ۱۶۶۵/۱۰۷۶-۶۶-جی ایله اردبیل ده کی صفویه مدرسه سینده مشترک صورتده کؤچوردوکلری فارسجا بیر بلاغت کتابی زامانیمیزا قدر گلیب چاتمیشدیر و ۱۷۴۴ شیفره سی ایله قم شهرینده کی فیضیه مدرسه سنین کتابخاناسینا مخصوصدور. ۱۶-جی عصر مؤلفی نجم الدین عبدالله ابن شهاب الدین یزدی شاه آبادی طرفیندن یازیلیمیش بو اثر ۱۴-جو عصر عالیمی صدرالدین تفتازانی نین «مطلول» اثرینین حاشیه لریندندیر و ۸۵ ورق دن عبارتدیر (استادی، ۱۳۹۶، ۷۸).

سلیم خانین اوغلو شرف تراب خان دا بیر مدت اردبیل ده کی صفویه مدرسه سینده فعالیت گؤستریمیشدیر. او، بورادا ۱۶۷۶-۱۶۷۷-جی ایله ۱۳-جو عصر الهیات چی سی ابوالقاسم جعفر حلی نین دینی مؤوضوعدا یازدیغی «المختصر النافی» ادلی عربجه اثری نسخ خطی ایله استنساخ ائتمیشدیر. ۴۱۳ صحیفه دن عبارت اولان بو کتاب ایرانین مجلس کتابخاناسیندا ۳۸۸۳ شیفره سی ایله محافظه ائدیلیلر (حایری، ۱۳۵۲، ۱۹۱۱). صفوی لرین اولو اجدادی شیخ صفی الدین یین حیات یولو باره ده ان مهم منبع ساییلان و ابن بزاز اردبیلی طرفیندن ۱۳۵۸-جی ایله قلمه آیینان «صفه الصفا» ادلی اثری غیبعلی حافظ اردبیلی ۱۶۷۴/۱۰۸۴-جو ایله نستعلیق خطی ایله کؤچورموشدور، ۴۹۴ ورق دن عبارتدیر و حاضیردا ایرانین ملک کتابخاناسیندا ۴۸۱۳ شیفره سی ایله قورونور (افشار و دانش پژوه، ۱۳۵۲، ۵۳۵).

بعضاً مؤلفلر اؤزلری یازدیقلاری اثری تکراراً کؤچوروردولر. مثلاً، سید محمد طاهر ابن محمد طالب اردبیلی «الشجره المبارکه» آدلی عربجه بیوقرافیک بیر اثر (رجال کتابی) یازاراق ۱۰۹۱-جی ایلین رمضان آییندا بیتیرمیشدیر. داها سونرا ایسه اؤزو بو اثرین اوزونو نسخ خطی ایله همین ایلین ذی القعده آییندا کؤچورموشدور. سؤزو گئدن نسخه ۷۲ ورق دن عبارت اولوب، ۵۸۴۶ شیفرهسی ایله مرعشی کتابخاناسیندا محافظه آلتیندایر (مرعشی و حسینی، ۱۳۷۲، ۲۲۸). دیگر بئله بیر مؤلف نسخهسی حاجی محمد ابن علی اردبیلی نین قلمیندن چیخمیشدیر. او، اؤزونون یازدیغی «جامع الرواح یا رافع اولاشنباهات فی تراجم الرواح و تمیز المشتراکات» آدلی عربجه بیوقرافیک اثری استنساخ ائدرک ۱۹ ربیع الاول ۱۱۰۰ / ۱۱ یانوار ۱۶۸۹-جو ایله تاماملامیشدیر. ۵۵۳ ورق دن عبارت بو نسخه ۱۵۷ شیفرهسی ایله تهران اونیورسیتیتینده کی مشکوه کولتکسیاسینا مخصوصدور (منزوی، ۱۳۳۲، ۵۵۰-۵۵۴).

محمدعلی ابن ملا محمدباقر اردبیلی نسخ خطی ایله گؤزل یازان خطاطلاردان ایدی. او، ۱۶۸۷/۱۰۹۹-جی ایله ۱۷-جی عصر عالیمی شیخ فخرالدین نجفی نین دبلچیلیک حاقیندا یازدیغی «مجمع البحرين و مطلع النیرین» آدلی عربجه اثری استنساخ ائتمیشدیر و ۵۴۶ ورق دن عبارت بو نسخه مرعشی کتابخاناسیندا ۸۲۰ سایی الیازما کیمی قورونماقدایر (مرعشی و حسینی، ۱۳۷۲، ۲۰). ائله همین ایل او، آدی چکیلن عالیمین عرب فیلولوگیاسی ایله باغلی اثرلریندن عبارت ۱۳۱۴ صحیفه لیک بیر مجموعه ترتیب ائتمیش و زامانیمیزدا بو مجموعه ایرانین مجلس کتابخاناسیندا ۲۷۴۱ شیفرهسی ایله قئیده آلینمیشدیر (حایری، ۱۳۵۲، ۸۹-۹۱). یئنه عینی خطاط، ۱۶۸۷-۱۶۹۶/۱۱۰۸-جی ایله V/m.XI. عصر الهیاتچی سی محمد ابن حسن طوسی نین «تهذیب الاحکام» آدلی ۲۸۴ ورق لیک عربجه دینی اثرینی کؤچورموشدور (عظیمی، ۱۳۷۵، ۱۶۱-۱۶۳).

نسخ خطی ایله گؤزل یازان ۱۷-جی عصر خطاطلاریندان بیر ی ده نظام الدین ابن ملا احمد اردبیلی دیر. او، نفیس بیر خطله صفوی دؤورو اولماسیندان محسن کاشانی نین و محمدباقر مجلسی نین اثرلریندن عبارت مجموعه ترتیب ائتمیشدیر. همین کتاب ۱۳۵۷۵ شیفرهسی ایله مرعشی کتابخاناسینا عایدیدیر (مرعشی و امینی، ۱۳۸۵، ۴۰۶-۴۰۸).

۱۷-جی عصرین دیگر بیر اردبیلی خطاطی صفوی نسلیندن اولان میرحسین دیر. او، فغانی شیرازی نین (وفاتی: ۱۵۱۹) دیوانینی امیر خانین ایستهی اساسیندا کؤچورموشدور. نستعلیق خطی ایله چوخ گؤزل بیر شکیلده یازیلیمیش بو نسخه حاضیردا ایرانین سپهسالار (مطهری) مدرسه سینین کتابخاناسیندا محافظه اولونور (گلمغانی زاده اصل و یوسفی، ۱۳۸۴، ۳۴۳؛ موسوی، ۱۳۵۸، ۱۵۶-۱۵۷).

احسان ابن علیخان نجار، صفوی لرین سون دؤورونده فعالیت گؤستریمیش کاتب لردن دیر. بهاء الدین عاملی نین ۱-جی شاه عباس اوچون یازدیغی «جامع عباسی» آدلی فارسجا فقه کتابینین بیر نسخهسی اونون قلمیندن یادگار قالمیشدیر. ۱۷۲۱/۱۱۳۴-جی ایله اردبیل ده تعلیق خطی ایله یازیلان و ۱۳۶ ورق دن عبارت اولان بو نسخه تورکیه نین کاستامونو یازما اثرلر کتابخاناسیندا ۳۷ هک ۱۶۸۵ شیفرهسی ایله قورونماق دادیر.

طبیعی کی، اردبیلین خطاط و نسخ‌لارینین هامیسی باره‌ده بیر مقاله چرچیوه‌سینده اطرافلی بحث ائتمک ممکن دئییلدیر. بو سببدن حاقیندا گئنییش معلومات وئرمه‌دیییمیز صنعتکارلارین آدلارینی، یازدیقلاری خط نؤوع‌لرینی و استنساخ ائتدیقلری نسخه‌لرین تاریخی بوردادا قئید ائتمکله کفایت‌لنیریک: محمد ابن ابراهیم اوالی بحرانی - نسخ و نستعلیق، ۹۵۲-۹۶۳ / ۱۵۴۵-۱۵۵۶، ابوطالب ابن ابوالفتح حسینی - نستعلیق، ۱۵۵۷/۹۶۴، محمد ابن مراد اردبیلی - ۱۵۶۵/۹۷۳-۱۵۶۶، محمد ابن فتح‌الله اردبیلی - ۱۵۹۸-۱۵۹۹، مقبلی اردبیلی - نسخ، ۱۶۰۶/۱۰۱۵، محمدسلمان شریف صفوی اردبیلی - نسخ، ۱۰۲۴-۱۶۰۶/۱۰۱۴، محمدکاظم ابن شکرالله رمالی - نستعلیق، ۱۶۰۲/۱۰۱۱-۱۶۰۳، قاری - ۱۶۰۶/۱۰۱۴، محمدکاظم - شکسته نستعلیق، ۱۶۴۵/۱۰۵۵، ملا رمضان ابن محمدامین - نسخ، ۱۶۸۴-۱۶۸۳/۱۰۹۵، شیخ رومی اوغلو شیخ عبدالله - ۱۶۸۶/۱۰۹۸-۱۶۸۷، بایزید ابن سید احمد ابن مرید XI/XVII - عصر، زین‌العابدین ابن حسین خادم باشی اردبیلی - نستعلیق، ۱۶۳۳ / ۱۰۳۳-۱۶۳۴، حاجی محمود ابن مولانا حسن اردبیلی - نستعلیق، ۱۶۳۱/۱۰۴۱-۱۶۳۲، محمد صادق ابن مقصودعلی اردبیلی - نسخ، ۱۶۳۹/۱۰۴۹-۱۶۴۰، حسین اردبیلی - نستعلیق، ۱۶۳۹/۱۰۴۹-۱۶۴۰، علی اکبر اردبیلی - نستعلیق، ۱۶۴۹/۱۰۵۹، الهوئردی اردبیلی - نسخ، ۱۶۶۲/۱۰۷۲، محمد رحیم ابن محتسب اردبیلی - نستعلیق، ۱۰۷۶-۱۶۶۵/۱۶۶۶، محمد طاهر ابن محمد طالب ابن میرزه هدایت الله حسینی موسوی اردبیلی - نسخ، ۱۶۶۸/۱۰۷۹-۱۶۶۹، محمد علی اردبیلی - نستعلیق، ۱۶۷۰/۱۰۸۱، حاجی محمد ابن یادگار علی اردبیلی - نستعلیق، ۱۶۷۱/۱۰۸۲، محمد صفی اردبیلی - نستعلیق، ۱۶۸۳/۱۰۹۵، ملا صدر علی اردبیلی - نستعلیق، ۱۷۱۱-جی عصر، محمد علی ابن مریم ابن محمد حسینی اردبیلی - نسخ، ۱۶۹۰/۱۱۰۲، ابوتراب ابن عبدالله اردبیلی - نسخ، ۱۶۹۲/۱۱۰۳، محمود ابن محمد صالح حسینی اردبیلی - نسخ و نستعلیق، ۱۱۰۹ / ۱۶۹۸، شمس‌الدین ابن عزالدین صوفی رستمدری - نسخ، ۱۵۱۳/۹۱۹، بروجردلی محمد ابن امیرعلی الحسینی العربشاهی - نسخ، ۱۵۴۸/۹۵۵، محمد حسین ابن رستم آستارآبادی - نسخ و نستعلیق، ۱۵۶۰/۹۶۸، محمد قاسم همدانی - نسخ و نستعلیق، ۱۵۶۰/۹۶۸، قاسم ابن هاشم حسینی آستارآبادی - نسخ، ۹۷۷ / ۱۵۷۰ ده دیگر ولایت‌لردن گلرک اردبیل‌ده چالیشان خط صنعتکارلاری اولموشلار.

اردبیل‌ده کتاب صنعتینین اینکیشافی اوچون مناسب شرایطین یارادیلماسی آذربایجانین دیگر بؤلگه‌لریندن بو ساحه متخصصلرینین بورایا آخیشماسینا گئیریب چیخارمیشدی.

صدرالدین ابن قاضی روح‌الله ابن قاضی صدرالدین شیروانی، ۱۵-جی عصر عثمانلی عالیمی موحدالدین حسن ابن محمد چلبی فناری‌نین بلاغت علمی حاقیندا یازدیغی «حاشیه‌المطول» ادلی عربجه اثری ۱۵۶۸/۹۷۵-جی ایله اردبیل‌ده نستعلیق خطی ایله استنساخ ائتمیشدیر. ۲۵۲ ورق‌دن عبارت نسخه ایرانین قم شهرینده‌کی مرعشی کتابخاناسیندا ۵۱۶۱ شیفره‌سی ایله محافظه ائدیلیلر (مرعشی و حسینی، ۱۳۷۲، ۳۶۸).

صفوی دؤورونده اردبیل‌ده چالیشان آذربایجانلی ضیالی‌لاردان بیرری ده محمد امین طبیب اردوبادی اولموشدور. او، اختصاص‌جا حکیم اولماسینا باخمایاراق، استنساخ صنعتی ایله ده مشغول اولموشدور. اونون ۹۸۹-۹۷۴ /

۱۵۶۶-۱۵۸۱-جی ایللرده اردبیل ده کی خوجا سلطان مسجیدینده نستعلیق خطی ایله ترتیب اتندی ۱۵۱ ورق لیک فلسفه مجموعه سی زامانیمیزا قدر گلیب چاتمیشدیر. واختی ایکن ناصرالدین شاه قاجارین (۱۸۴۸-۱۸۹۶) شخصی کتابخاناسینا مخصوص اولموش و اوزرینه اونون مؤهرو وورولموشدور. حاضیردا ایران میلی کتابخاناسیندا ۶۹ شیفره سی ایله ساخلانان بو مجموعه یه جلال الدین دوانی نین، قاضی جهانین و حبیب الله شیرازی نین فلسفی مؤوضوعلاردا یازدیقلاری رساله لر داخل ائدلمیشدیر (انوار، ۱۳۶۵، ۶۵).

سید احمد ابن میر احمد خلخال، ۱۶-جی عصر ایران عالی می حافظ خراسانی نین فارسجا لغتچی لیک ساحه سینده یازدیغی «تحفه الاحباب» اثرینی ۱۵۸۲/۹۸۹-جی ایله ده اردبیل ده نستعلیق خطی ایله کؤچورموشدور. بو نسخه تهران داکى دهخدا لغتنامه سی قورومونون کتابخاناسیندا ۲۴ سایی الیازما کیمی قورونور (دانش پژوه و افشار، ۱۳۴۴، ۷).

محمد باقر صوفی تبریزی، موحد الدین ابن العربی نین «فصول الحکم» آدلی اثرینه عبدالرحمن جامی نین «نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص» آدلی آلتیندا یازدیغی فارسجا شرحی ۱۶۲۷/۱۰۳۶-جی ایله ده نستعلیق خطی ایله اردبیل ده استنساخ ائتمیشدیر. همین نسخه لس آنجلس اونیورسیتتینین کتابخاناسیندا م-۲۱۱ شیفره سی آلتیندا ساخ لانی (دانش پژوه و حاکمی، ۱۳۶۲، ۹۱).

احمد ابن حمد خلخال، ۱۳-جو عصر الهیاتچی سی سید مرتضی بن داعی حسنی رازی، دینی طریقتلر مؤوضوعسوندا یازدیغی «تبصره العوام» آدلی فارسجا اثری ۱۶۸۵/۱۰۹۶-جی ایله ده سلیقه لی نسخ خطی ایله اردبیل ده استنساخ ائتمیشدیر. ۱۱۴ ورق دن عبارت اولان بو الیازما اور. ۲۹۷۱ شیفره سی ایله بریتانیا میلی کتابخاناسینین ملکیتینده دیر (ریو، ۱۸۹۵، ۴).

تکجه آذربایجانین مختلف یئرلریندن دئییل، عینی زاماندا صفوی دؤولتینین دیگر ولایتلریندن ده خطاطلار، نقاشلار، نسخ لار، جیلدچی لر و باشقالاری گلرک اردبیل ده چالیشیردی لار.

سام میرزه صفوی اردبیل حاکمی اولدوغو زامان اونون خدمتینده دایانان شاه محمود نیشابوری ۱۵۴۹/۹۵۶-جو ایله ده اردبیل ده مشهور ایران شاعری عبدالرحمن جامی نین «سلسله الذهب» اثرینی نفیس بیر شکیلده نستعلیق خطی ایله کؤچورموشدور. ۸۲ ورق دن عبارت اولان نسخه یوکسک سوییه ده حاضرلانمیش و مختلف اورنامنتلرله بزديلmişدیر. کتابا ۶ مینیاتور علاوه ائدلمیشدیر. بونلاردان بیرى صفوی دؤورونون مشهور رسامی سلطان محمد طرفیندن چکیلmişدیر و ۱-جی شاه تهماسبین اوو مراسیمینی عکس ائتدیریر. واختی ایکن اردبیل ده کی شیخ صفی مقبره سینین کتابخاناسینا مخصوص اولان و اوزرینه ۱-جی شاه عباسین شخصی مؤهرو وورولان بو الیازما حال حاضیردا سن پطربورق شهرینده کی کئچمیش سالتیکوو شئدرین آدینا کتابخانادا ساخلانی و دورن کاتالوقوندا ۴۳۴ سایی نسخه کیمی قئیده آلینمیشدیر (دانش پژوه و افشار، ۱۳۴۴، ۱۴۳؛ ۴۴). بو همین شاه محمود نیشابوری دیر کی، ۱-جی شاه اسماعیلین سارییندا فعالیت گؤسترمیش و چالدران دؤیوشو زامانی سلطان سلیمین الینه کئچمه سین دئییه، ۱-جی شاه اسماعیل اونو مشهور رسام بهزادلا بیرلیکده بیر ماغارادا گیزلتمیشدی (کاظمی، ۲۰۰۸، ۳۷).

سیف الدین محمود ابن محمد مقیم گیلانی طبیب ده محمد امین اردوبادی کیمی اردبیل ده چالیشان حکیم لردن ایدی و عینی زاماندا استنساخ صنعتینه ده هوسی واریدی. نسخ و نستعلیق خطلری ایله یازیردی. اونون ۱۱۰۳-۱۱۱۹/۱۶۹۲-۱۷۰۷-جی ایللر آراسیندا اردبیل ده ترتیب اتندی ۷۹ ورق لیک طبی مجموعه حاضیردا ۶۶۷ شیفره سی ایله مرعشی کتابخاناسینین ملکیتینده دیر. بو مجموعه یه اورتا عصر طبیب لریندن عمادالدین محمود ابن مسعود طبیب شیرازی نین ایکی رساله سی، ابو مسلم محمد ابن ابوالمجدید طبیب کاشانی نین و ابوبکر محمد ابن زکریا رازی نین هر بیرینین بیر اثری داخل ائدیلیمیشدیر (مرعشی و حسینی، ۱۳۷۲، ج ۲، ۲۶۰).

تأسف کی، تانیس اولدوغوموز بعضی نسخه لرین استنساخ یئری کیمی اردبیلین گؤستريلمه سینه باخما یاراق، اونلاری کؤچوره ن کاتبیلرین آدلاری قئید اولونمامیش دیر.

دؤورون کشمکش لی حربی-سیاسی حادثه لری اوزوندن اردبیل خطاطلیق مکتبیین بعضی نماینده لری اؤز وطنیندن آیری دوشموش، فعالیتلرینی باشقا دیارلاردا داوام اتدیرمه لی اولموشلار. مثلاً، ۱-جی سلطان سلیم ۱۵۱۴-جو ایله تبریزی فتح ائدرکن اردبیل لی خطاط ظهیر کبیری اؤزو ایله برابر روما آپارمیشدیر (عادل اوو، ۲۰۱۰). تورکیه ده یاشاییب-یاراتمیش حبیب «خط و خطاطان» اثرینده اونون آدینی چکیر.

اصفهان شهری صفوی دؤولتیین پایتختینا چئوریلدیکن سونرا بعضی اردبیل لی ضیالیلارین اورا با گئده رک یئرلشدیکلرینه شاهد اولوروق. ۱۷-جی عصرین اورتالاریندا صفویه مدرسه سینده چالیشان مصالح اردبیلی اونلاردان بیریدیر. اونون ۱۰۵۷-۱۰۵۸/۱۶۴۷-۱۶۴۸-جی ایللرده نسخ و نستعلیق خطلری ایله استنساخ ائتدی الیازلار دینی مضمون لو اولوب، حاضیردا ایرانین مرعشی و سپهسالار (مطهری) کتابخانالاریندا ساخلانماقدادیرلار (دانش پژوه و منزوی، ۱۳۷۷، ۱۱۹؛ مرعشی و حسینی، ۱۳۷۲، ۲۷۴).

۱۷-جی یوزایل لیکده بعضی اردبیل لی کاتبیلرین مسلمان شرقیین دیگر اؤلکه لرینه دعوت ائدیلمیش گؤروروک. اونلاردان بیرید ده ۱۷-جی عصرده هندستاندا چالیشان محمد صالح ابن حاجی برخوردار اردبیلی ایدی. او، نصیرالدین طوسی نین «اخلاق ناصری» اثرینی ۱۰۵۲-۱۶۴۲/۱۶۴۳-جو ایله حیدرآباد شهرینده نستعلیق خطی ایله کؤچورموشدور. همین نسخه ف-۲۲۶۸ شیفره سی ایله ایران ملی کتابخاناسینین ملکیتینده دیر (انوار، ۱۳۶۵، ۳۸۵).

ابوطالب ابن حسام الدین اردبیلی ده هندستانین حیدرآباد شهرینده چالیشمیش و ابن سینانین طب علمی بارده عربجه یازدیغی «قانون» اثرینی ۱۰۷۲-۱۰۷۴/۱۶۶۱-۱۶۶۳-جو ایللرده اورادا شکسته نستعلیق خطی ایله یازیا آلمیشدیر. حاضیردا بو نسخه ۶۰۸۹ شیفره سی ایله ایرانین مجلس کتابخاناسیندا قورونور (حابری، ۱۳۵۲، ج ۲۲، ۷۱).

نتیجه اعتباریله، اردبیلین صفوی لر دؤورونده تکجه آذربایجانین دئییل، بوتؤولوکده یاخین و اورتا شرق منطقه سینده مهم مدنیت مرکز لریندن بیرینه چئوریلدیینی ایفاده ائده بیلریک. آراشدیرمالاریمیز زامانی همین دؤورده یاشایان، اردبیل لی اولان و یا اردبیل ده فعالیت گؤستره ن ۷۰-دن آرتیق خطاط و نسخا آدلاری معین لشدیرلمیش دیر. اردبیل ده و یا اردبیل لی کاتبیلر طرفیندن استنساخ ائدیلمی معلوم اولان ۸۰-ا یاخین

نسخه حاقیندا معلوماتلار توپلانمیشدیر. ادبی-بدیعی، دینی، طبابت، دیلچی لیک، فلسفه، تاریخ، آسترونومیا، اخلاق، حکمت، بیوقرافیا، ریاضیات و س. مؤوضوعلار عایید اولان بو نسخه لر حاضیردا مختلف اؤلکه لرین - آذربایجانین، ایرانین، تورکیه نین، عراقین، مصرین، روسیانی، اینگیلتره نین، آمریکانی و س. اؤلکه لرین کتاب فوندلاریندا و کولتکسیالاریندا محافظه ائدیلمکدیرلر. اردبیل خطاطلاری اساساً نستعلیق و نسخ خطلری ایله یازماغا اوستونلوک وئرمیشلر. اردبیل مکتبیین نماینده لری طرفیندن حاضیرلانان کتابلاردا ایستر شرق (اساساً، سمرقند و اصفهان)، ایسترسه ده آوروپا استحصالی اولان کاغیذلاردان استفاده ائدیلمیشدیر. کتابلارین دری جیلدری چوخ زامان مئدالیونلار و مختلف ناخیشلارلا بزدیلمیشدیر. آذربایجانین و ایرانین مختلف بؤلکه لریندن خطاطلار گلب اردبیل ده چالیشدیقلاری کیمی، بعضی اردبیل لی خطاطلارین دا ۱۵۹۸-جی ایلدن اعتباراً صفوی لرین پایتاختی اولان اصفهان دا، همچنین تورکیه ده و هندستان دا فعالیت گؤستردیکلرینه شاهد اولوروق. هئج شوبهه سیز، آراشدیردیغیمیز مؤوضوع اوزرینده تدقیقاتلار درینلشدیکجه اردبیل خطاطلیق مکتبی و کتابچی لیق صنعتی نماینده لری حاقیندا داها گئیش معلوماتلار اورتایا چیخاجاق دیر.

منبع لر:

- استادی، ر. (۱۳۹۶)، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه فیضیه قم، جلد اول و دوم، قم: چاپخانه مهر.
- افشار، الف؛ دانش پژوه، م. ت. (۱۳۵۲)، فهرست کتابخانه ملی ملک وابسته به آستان قدس رضوی، تهران: انتشارات کتابخانه ملی ملک.
- افندی، ر. (۲۰۰۷)، آذربایجان اینجه صنعتی، باکی: شرق - غرب.
- انوار، س. (۱۳۶۵)، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران. تهران: انتشارات کتابخانه ملی.
- تربیت م. ع. (۱۳۱۴)، دانشمندان آذربایجان، تهران: مطبعه مجلس.
- حایری، ا. ه. (۱۳۵۲)، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران: چاپخانه مجلس.
- حیب، (۱۳۰۶)، خط و خطاطان. قسطنطنیه: مطبعه ابوضیا.
- دانش پژوه م. ت. (۱۳۴۱)، فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات (مجموعه وقفی جناب آقای علی اصغر حکمت)، تهران: چاپخانه دانشگاه تهران.
- دانش پژوه، م. ت و منزوی، ا. ن. (۱۳۷۷)، فهرست کتابخانه سپهسالار، جلد ۵، تهران: دانشگاه تهران.
- دانش پژوه، م. ت. (۱۳۶۴)، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دانش پژوه، م. ت؛ افشار، الف. (۱۳۴۴)، نسخه های خطی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دانش پژوه، م. ت. (۱۳۳۹)، فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران، جلد اول، تهران: چاپخانه دانشگاه.
- دانش پژوه، م. ت؛ حاکمی، الف. (۱۳۶۲)، نسخه های خطی، جلد ۱۱ و ۱۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شیخ الحکامی، ا. (۱۳۸۷)، فهرست اسناد بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- عادل اوو، م. م. (۲۰۱۰)، آذربایجان پالتوقرافیاسی. باکی: علم.
- عظیمی، ح. (۱۳۷۵)، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱۳، تهران: انتشارات کتابخانه ملی.
- قاسم اوو، س. (۲۰۱۴)، آذربایجان و اسلام مدنی ۱۷-جی عصرلر، تاریخ و اونون پروبلملری. نومه ۱. باکی.
- قمی، ق. ا. (۱۳۵۹)، گلستان هنر، تهران: کتابخانه منوچهری.
- کاظمی، پ. (۲۰۰۸)، صفوی لر دؤورونده آذربایجان دا کتابخانا ایشی، باکی: BDU نشریاتی.
- گلمغانی زاده اصل، م؛ یوسفی، ح. (۱۳۸۴)، باستانشناسی و تاریخ هنری بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی، اردبیل: نیک آموز.
- محمدآوا، ش. ک. (۱۹۹۱)، خلاصه التواریخ، آذربایجان تاریخین منبعی کیمی، باکی: علم.
- مرعشی، س. م؛ امینی، م. ح. (۱۳۸۵)، فهرست نسخه های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، جلد ۳۴، قم: چاپ ستاره.
- مرعشی، س. م؛ حسینی، س. ا. (۱۳۷۲)، فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، جلد ۲۱، قم.
- منزوی، ا. ن. (۱۳۳۲)، فهرست کتابخانه اهدایی آقای سید محمد مشکوه به کتابخانه دانشگاه تهران، تهران: چاپخانه دانشگاه.
- موسوی، ف. (۱۳۵۸)، تاریخ اردبیل و دانشمندان، جلد اول، مشهد: چاپخانه خراسان.
- موسوی، ف. (۱۳۷۸)، تاریخ اردبیل و دانشمندان، جلد دوم، اردبیل: انتشارات شیخ صفی الدین.
- ولایتی، ع. ا. (۱۹۹۸)، شاه اسماعیل صفوی دؤورونده ایرانین خارجی علاقه لر تاریخی. تهران: الهدا.
- Araç, Ü. (۲۰۰۷), Fuzûlî'nin Leylâ ve Mecnun Mesnevisinin Resimli Örnekleri. Yüksek Lisans Tezi. Ankara: Ha- cettepe Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü.
- Офендиев, О.А. (۱۹۸۱), Азербайджанское государство Сефевидов в ۱۶-м веке. Баку: Елм.
- Özgüdenli O.G. (۲۰۰۱), Şeyh Safîu'd-Dîn Erdebilî'nin Türbesinde Bulunan Kitaplar // Marmara Üniversitesi Fen-Edebiyat Fakültesi Türklük Araştırmaları Dergisi. Sayı: ۱۰. İstanbul, ۲۰۰۱.
- Rieu, C. (۱۸۹۵), Supplement to the Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum. London: British Museum.
- Бретаницкий Л.С., Веймарн Б.В. Искусство Азербайджана IV-XVIII веков. Москва: Издательство «Искусство», ۱۹۷۶ - <http://ebooks.azlibnet.az/book/Uodrg4qK.pdf>
- Кази-Ахмед. Трактат о каллиграфиях и художниках (перевод и предисловие Б.Н.Заходера). Москва: Издательство «Искусство» ۱۹۴۷.
- Нагиева Дж. М. (۲۰۰۷), Каталог персидских рукописей (Национальная Академия Наук Азербайджана. Институт Рукописей им. Мухаммеда Физули). Том III. Баку: Нурлан.

توزیع جغرافیایی ترکان ایران

جلیل یاری^۱

چکیده

به گواهی اسناد تاریخی، ترکان از گذشته‌های دور در مناطق مختلف ایران سکونت داشته‌اند. حاکمیت هزار ساله سلسله‌های ترک‌تبار شاهد غیرقابل انکاری بر حضور تاریخی آنان در این سرزمین است. با این حال آمار دقیقی از نحوه توزیع جمعیت ترکان در نواحی مختلف ایران وجود ندارد. در این مقاله تلاش می‌شود ابتدا با استفاده از طبقه‌بندی زبان‌شناختی لهجه‌های ترکی در ایران نحوه توزیع جغرافیایی جمعیت ترکان در مناطق مختلف کشور شناسایی شود. در مرحله بعد با تحلیل محتوای نام‌های جغرافیایی، ابتدا نقشه پراکنش جاینام‌های ترکی در پهنه ایران زمین ترسیم می‌گردد و سپس با تحلیل این اطلاعات نحوه توزیع تاریخی جمعیت ترکان بازنمایی می‌شود.

واژگان کلیدی: ترکان، ایران، جمعیت، ترکی، توپونیم، جاینام.

^۱ نویسنده و پژوهشگر جامعه‌شناسی، jalilyari@gmail.com

مقدمه

به گواهی اسناد تاریخی، ترکان از گذشته‌های دور ساکن فلات ایران بوده‌اند. در کتاب «تاریخنامه طبری» (جلد اول، ص ۲۶۲) که ترجمه کتاب «اخبار الامم و الملوک» محمد بن جریر طبری است و به سال ۳۵۲ هجری قمری از عربی به فارسی برگردانده شده چنین آمده است: «و به یمن اندر ملکی بود او را آرایش خواندندی از فرزندان یعرب بن قحطان، نامش الحرث بن شداد بود ... و به آذربایجان شد، و آن زمینها همه به دست ترکان اندر بود ...». علاوه بر این، حاکمیت هزار ساله سلسله‌های ترک‌تبار غزنوی، سلجوقی، خوارزمشاهی، ایلخانی و تیموری، آق‌قویونلو، قره‌قویونلو، صفوی، افشار و قاجار گواه متقن و شاهد غیرقابل انکاری بر حضور تاریخی و تفوق سیاسی ترکان در این سرزمین است. اثرات این حضور پررنگ و این حاکمیت مقتدرانه سلسله‌های ترک‌تبار ایرانی تا به امروز نیز پابرجا است. تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران و مرزهای سیاسی قلمرو کشور مدیون اقدامات شاه اسماعیل صفوی و آقامحمدخان قاجار است. با دقت موشکافانه در هزارتوی تاریخ و ادبیات این سرزمین می‌توان نشانه‌های فراوانی از حضور تاریخی ترکان در گستره ایران پیدا کرد.

ترکان ایران در طول تاریخ در شهرها با عنوان حاکمان سیاسی، قوای نظامی و کارکنان دیوانی در مصدر امور بودند. آنان در بازارها به تجارت و بازرگانی اشتغال داشتند و در روستاها نیز به کشاورزی می‌پرداختند. در هر جای ایران که امکانات دامپروری مهیا بوده ایلات ترک‌تبار، مراتع و مزارع آنجا را بالکل و یا بالنسبه در قبضه داشته‌اند. این مدعیات نیازمند آزمون تجربی هستند و لازم است با روش‌های عینی محک زده شوند. در مقاله حاضر تلاش می‌شود ادعای حضور تاریخی ترکان در قلمرو جغرافیایی ایران با محک تجربی مورد آزمون قرار گیرد.

جمعیت کنونی ترکان ایران یادگاری از حضور تاریخی نسل‌های پیشین آنان در این سرزمین است. متأسفانه آمار دقیق و مشخصی از این جمعیت و نحوه توزیع جغرافیایی آنها در دست نیست. در سرشماری‌های عمومی سؤالی از قومیت و زبان مادری پاسخگویان پرسیده نمی‌شود و نهادها و سازمان‌های مسئول نیز اهمیتی در جهت محاسبه و برآورد جمعیت ترکان و دیگر اقوام ایرانی ندارند. در نتیجه مطالعه تجربی حضور ترکان در قلمرو ایران و نحوه توزیع جغرافیایی آنان (در طول تاریخ و در حال حاضر) با دشواری‌هایی مواجه است. بنابراین در شرایطی که اطلاعات و آمار قابل اتکایی وجود ندارد پژوهشگر از شیوه‌های غیرمستقیم برای مطالعه توزیع جمعیت استفاده می‌کند.

الف) لهجه‌های ترکی ایران

یکی از شیوه‌های برآورد نحوه توزیع جمعیت ترکان در گستره ایران زمین استفاده از طبقه‌بندی‌های زبان‌شناختی است. با مطالعه زبان‌ها، لهجه‌ها و گویش‌های مختلف ترکی و تعیین و تدقیق سکونتگاه‌های آنها می‌توان نیم‌رخ از نحوه پراکنش جمعیت ترکان ایران زمین را ترسیم کرد. به تبع این رویکرد، زبان ترکی در ایران به زیرشاخه‌های زیر تقسیم می‌شود:

۱. **ترکی آذربایجانی:** حوزه نفوذ گویشوران این لهجه ترکی به طور غالب استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، همدان، قزوین، البرز، تهران، کردستان و گیلان است. با این حال ترکان آذربایجانی در استان‌های دیگر هم زندگی می‌کنند. به عنوان مثال در آزادشهر استان گلستان تعداد کثیری از ترکان آذربایجانی ساکن هستند.
 ۲. **ترکی قشقایی** (که خود زیرشاخه‌ای از ترکی آذربایجانی است): سکونتگاه اصلی قشقایی‌ها استان فارس است اما در استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، اصفهان، یزد، قم، مرکزی و بوشهر نیز زندگی می‌کنند.
 ۳. **ترکمنی:** استان گلستان و خراسان شمالی مسکن اصلی ترکمن‌های ایران است.
 ۴. **ترکی خراسانی:** ترکان خراسان در استان‌های خراسان شمالی، خراسان رضوی و گلستان و سمنان زندگی می‌کنند.
 ۵. **ترکی خَلجی:** خَلج‌ها عمدتاً در استان مرکزی و قم سکونت دارند.
 ۶. **ترکی سنقری:** گویشوران این لهجه ترکی ساکن استان کرمانشاه هستند.
- بر اساس این تقسیم‌بندی زبان‌شناختی می‌توان ادعا کرد ترکان ایران زمین در حال حاضر در استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، همدان، قزوین، البرز، تهران، فارس، کردستان، گلستان، گیلان، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، اصفهان، یزد، قم، مرکزی، بوشهر، خراسان شمالی، خراسان رضوی، سمنان، مرکزی، قم و کرمانشاه سکونت دارند.^۱ با استفاده از این روش زبان‌شناختی حضور و سکونت جمعیت ترکان در اکثر استان‌های کشور تأیید می‌گردد اما نحوه توزیع تاریخی جمعیت ترکان در مناطق مختلف ایران نامشخص باقی می‌ماند. بنابراین پژوهشگر برای پاسخ به این مسئله از روش غیرمستقیم دیگری استفاده می‌کند.

ب) جاینام‌شناسی

نام‌های جغرافیایی حاوی معانی تاریخی و فرهنگی هستند. این نام‌ها (یعنی نام شهرها و روستاها، کوه‌ها، دشت‌ها و رودخانه‌ها و ...) که با اصطلاح توپونیم^۲ یا «جاینام» شناخته می‌شوند علاوه بر جغرافیا به تاریخ نیز اشاره دارند و هر کدام از آنها رد پایی از گذشته هستند. مطالعه علمی جاینام‌ها^۳ و ریشه‌شناسی،

^۱ جمعیت ترکان در استان‌های دیگر نیز زندگی می‌کنند اما شناسایی دقیق آنها به دلایل مختلف از جمله تغییر زبان و فرهنگ دشوار گردیده است. به عنوان مثال طوایف مختلف ایل بیجاقدی که تبار ترکی دارند در سیرجان و نواحی اطراف (استان کرمان) زندگی می‌کنند. نسل‌های کنونی ایل بیجاقدی به زبان فارسی صحبت می‌کنند.

^۲ toponym

^۳ جاینام‌شناسی (toponymy یا toponomastics) که شاخه‌ای از علم نام‌شناسی (onomastics) است به مطالعه نام اماکن مسکونی و عوارض طبیعی می‌پردازد. همچنین نام‌آب‌شناسی (hydronym) و نام‌کوه‌شناسی (oronym) نیز از شاخه‌های فرعی این رشته علمی است. علاوه بر این میکروتوپونومی (microtoponymy) نیز شامل مطالعه نام اجزاء فرعی مرتبط با یک واحد توپونومی است: نام جاده، خیابان، کوچه، میدان، مسجد، مزرعه، باغ، برکه، نهر، ییلاق و قشلاق و ...

معناشناسی و طبقه‌بندی زبان‌شناختی آنها می‌تواند به شناخت هرچه بیشتر گذشته و حال کمک کند. این نام‌ها همچون دانه‌های پراکنده تسبیح با نخ‌ی به نام تاریخ مشترک به هم وصل می‌شوند. جاینام‌های مشابه و هم‌تبار دارای گذشته مشترکی هستند و با شناسایی واژه‌های هم‌خانواده و هم‌ریشه می‌توان واقعیات تاریخی را بازشناسی و جانمایی کرد.

جاینام‌ها فی‌البداهه و فی‌الحال اختراع نشده‌اند بلکه هر یک تاریخ و شناسنامه خود را دارند. این نام‌ها یادگار اقوام تاریخی هستند و رنگ و بوی آنها را با خود حمل می‌کنند. بنابراین جاینام‌های موجود در یک قلمرو جغرافیایی سند معتبری بر حضور تاریخی اقوام خاص در آن منطقه است. یکی از کارکردهای مثبت جاینام‌شناسی کشف نحوه سکونت اقوام تاریخی در یک بستر جغرافیایی است و با مطالعه جاینام‌ها می‌توان حضور تاریخی اقوام مختلف را بازنمایی کرد. به تبع این رویکرد نظری می‌توان ادعا کرد وجود جاینام‌های ترکی در مناطق مختلف ایران نشانه‌ای از حضور ترکان در آن مناطق و نیز تفوق سیاسی، فرهنگی و زبانی آنها در برهه‌هایی از تاریخ بوده است. به عبارت دیگر «جاینام ترکی» معرف «حضور تاریخی ترکان» است. مطالعه علمی جاینام‌ها مستلزم مراجعه به اسناد تاریخی (کتاب‌ها، سفرنامه‌ها، وقفنامه‌ها، معاهده‌نامه‌ها، اسناد ملکی و مالی، نامه‌ها و زندگی‌نامه‌ها و ...)، کتب جغرافیایی، نقشه‌ها، سایت‌های اینترنتی، اسناد اداری و اظهارات و نقل قول‌های ساکنان محلی و همسایگان آنها است. لکن در این پژوهش به دلیل محدودیت‌های زمانی و پرسنی موجود صرفاً با مراجعه به گزارش سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ ابتدا نام ۵۲۲ شهر، بخش، دهستان، روستا و مزرعه که حاوی مشتقات مختلف واژه ترکی «قره» (قره، قرا، قراجه، قرجه، قره‌جه، قراچه، قرچه و قره‌چی) بودند انتخاب و تفکیک شد. در مرحله بعد ضمن تحلیل محتوای جاینام‌ها، جداول آماری و نقشه توزیع جغرافیایی این نام‌ها به تفکیک استان ترسیم گردید. در مرحله نهایی نیز جهت سنجش اعتبار تحقیق با استفاده از اطلاعات «پایگاه ملی نام‌های جغرافیایی ایران» متعلق به «سازمان نقشه‌برداری کشور» جاینام‌های حاوی واژه ترکی «قره» پردازش و مقایسه گردید.

در این پژوهش ۵۲۲ جاینام حاوی مشتقات واژه ترکی «قره» تحلیل شده‌اند. این مشتقات عبارتند از: قره (۴۵۶)، قرا (۴۸)، قراجه (۱۴)، قرجه (۱)، قره‌جه (۶)، قراچه (۳)، قرچه (۱) و قره‌چی (۵). بسیاری از جاینام‌ها در بخش‌های مختلف ایران تکرار شده‌اند. به عنوان مثال در استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، خراسان رضوی، قم، کرمانشاه، گلستان، گیلان و لرستان روستایی به نام «قره‌سو» وجود دارد. از منظر معناشناسی جاینام‌های مرتبط با واژه «قره» قابل طبقه‌بندی هستند. موصوفات مربوط به صفت «قره» به طور عمده شامل آب، نبات، جماد، آبادی، انسان، حیوان و ... هستند. در جدول (۱) طبقات عمده و جاینام‌های مرتبط به همراه تعداد آنها نمایش داده شده است.

طبقه	جاینام (تعداد)
آب	قره سو (۹)، قره چای (۳)، قره چشمه (۴)، قره گل (۱۹)، قراگل (۴)، قره بلاغ (۳۲)، قره بولاغ (۱) و قره کهریز (۵) و ...
نبات	قره باغ (۵)، قره آغاچ (۲۱)، قره آغاچ (۱)، قره آقاچ (۴)، قره آقاچلی (۱)، قره آفاشلی (۱)، قره قاچ (۱)، قره قاچ (۳)، قره چمن (۲)، قره تکان (۲) و قره تیکان (۱)، قره کوشن (۱) و ...
جماد	قره داغ (۳)، قره تپه (۳۱)، قره قیه (۱۰)، قره جه قیه (۱)، قره جاقیه (۱)، قره داش (۸)، قره دره (۱۳) و قره درق (۶) و ...
آبادی	قره کند (۵)، قراکند (۲) و قره قشلاق (۱۰) و ...
انسان	قره خان (۱۱)، قره محمد (۵) و قره ولی (۴)، قره بابا (۳)، قره حاجی (۳) قره سعید (۱)، قره اوغلان (۱)، قره قیز (۱) و ...
حیوان	قره قوچ (۵)، قره تولکی (۲) قره قوزی (۲)، قره قوش (۲)، ایلان قره (۱)، قره قویون (۱) و ...

جدول (۱): طبقات معنایی جاینام‌های حاوی مشتقات واژه «قره»

به منظور نمایش نحوه توزیع جغرافیایی جاینام‌های ترکی این اسامی برحسب استان تفکیک شده‌اند. تعداد ۵۲۲ جاینام به تفکیک ۳۱ استان کشور در جدول (۲) فهرست شده است. همانگونه که مشاهده می‌شود آذربایجان شرقی با دارا بودن ۱۰۹ جاینام حاوی مشتقات واژه ترکی «قره» در صدر جدول واقع شده است. استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، گلستان، خراسان رضوی، خراسان شمالی، کردستان و فارس نیز در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند. بنابراین می‌توان با احتیاط مدعی شد از منظر تاریخی ترکان ایران در این استان‌ها حضور بیشتری داشته‌اند.

اما هفت استان بوشهر، تهران، چهارمحال و بختیاری، سمنان، سیستان و بلوچستان، قم، کهگیلویه و بویراحمد و یزد تنها دارای یک جاینام حاوی مشتقات «قره» هستند. همچنین در بین ۳۱ استان کشور تنها سه استان ایلام، خراسان جنوبی و هرمزگان فاقد جاینامی با مشتقات واژه «قره» هستند. لذا سکونت تاریخی ترکان در این استان‌ها کمتر بوده است.

با تبدیل ارقام موجود در جدول (۲) به نقشه جغرافیایی تصویر نسبتاً شفافی از توزیع جاینام‌های ترکی به دست می‌آید. بر اساس نقشه توزیع جغرافیایی نشان داده شده در شکل (۱) کثرت جاینام‌های ترکی و به تبع آن سکونت تاریخی ترکان در بخش اعظم مناطق جغرافیایی ایران مشهود است. به نظر می‌رسد ترکان در مناطق شمال غربی، شمال شرقی، غرب و جنوب ایران تمرکز بیشتری داشته‌اند و حضور آنها تنها در مناطق گرم و خشک و مناطق کویری کم‌رنگ بوده است.

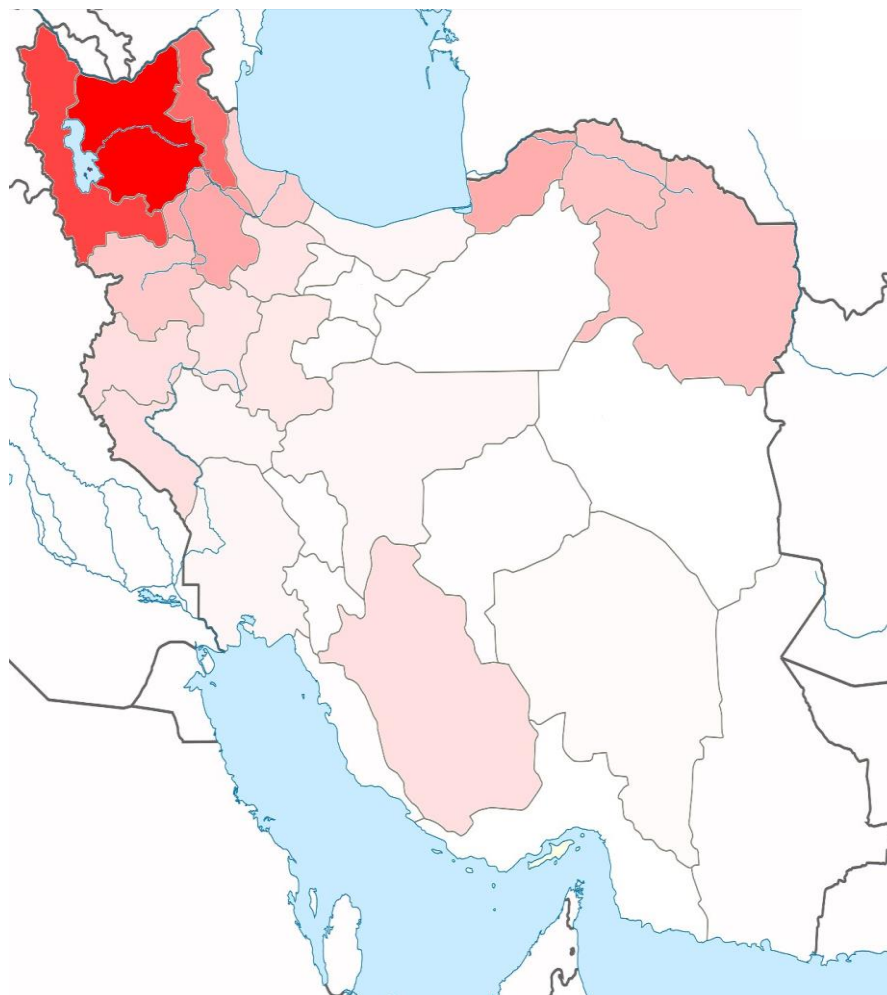
استان	نام محل
آذربایجان شرقی (۱۰۹)	آگکند قره خضر، بایقارود، بایقراکوه، تازه کند قراجه قیه، توپ قره، شور قره کند، قراتلو، قراجه (۲)، قراجه اربط، قراجه فیض اله، قراجه قیه (۲)، قراجه لو، قراجه محمد، قراجه ملک، قراجه میدان داغی، قراغیل، قراین، قرجه قیه پناهی، قره آغاج (۲)، قره آغاج رود، قره آغاج کوشک، قره آوری، قره ایگیتی (اسکانلوی علیا)، قره بابا (۲)، قره برقع، قره بلاغ (۷)، قره بلاغ (قلعه زیر)، قره بورون، قره پاچانلو، قره تپه (۳)، قره تپه (قشلاق قره تپه)، قره تیکانلو، قره جه قیا، قره جه قیه، قره چال، قره چای حاج علی، قره چای نقشی، قره چپق، قره چمن، قره چناق، قره چی احمدآباد (مرزآباد)، قره چی معدن، قره حاجی سفلی، قره حاجی علیا، قره حاجیلو، قره خضر، قره داش، قره درق، قره درق سفلی، قره درق علیا (۲)، قره درق وسطی، قره دیو، قره زکی، قره سفر، قره سقال، قره صفرلو (دول باغی)، قره صوفی، قره طورق، قره غورت (قره عورت)، قره قانلو، قره قشلاق (۳)، قره قوچ (قره قوچ سفلی)، قره قوچ مین باشی (قره قوچ علیا)، قره قوزی (نصرت آباد)، قره قیشه، قره قیه (۵)، قره قیه شکرلو، قره کانلو، قره کلک، قره کند (۲)، قره کند خطب (قره کهنه موسوی)، قره کوشن، قره گل (۲)، قره گنای سفلی، قره گنای علیا، قره گنای وسطی، قره گنبد سفلی، قره گنبد علیا، قره گوزلو، قره گونی (۲)، قره نازسفلی، قره نازعلیا، قره وانلو، قره ولی، قشلاق قراخانلو (کهلی قره خانلو)، قشلاق قره باغلو، قشلاق قره داغلو و گلرقره صوفی (گلر)
آذربایجان غربی (۸۸)	ایستگاه راه آهن قره تپه، ایلان قره سفلی، ایلان قره علیا (تازه کند ایلان قره)، حصارقره تپه، قراجلو (۲)، قراگوز حاجی بابا، قراگوز سلیم اقا، قرالر حاج قاسم، قرالر طسوجی، قرالر کوه، قرالر لطف الله، قرالر آقا تقی، قرالی، قراولخانه، قرایی، قره آغاج (۴)، قره آغاج علیا، قره آغل، قره اوغلان، قره ایاق، قره بابا، قره باغ، قره برار، قره بلاغ (۴)، قره بلاغ سفلی، قره بلاغ علیا، قره بوغاز، قره پاپاق، قره تپه (۴)، قره تولکی سفلی، قره تولکی علیا، قره جالو، قره جلو، قره جه وران سفلی، قره جه وران علیا، قره چلان، قره چی بلاغ، قره حسنلو، قره حسنلو خواجه پاشا، قره خاج، قره خان، قره خضر، قره خوجالو، قره داش، قره داغ (۲)، قره داغلی (عیسی کندی)، قره زاغ، قره زمین، قره سقال، قره سقل، قره سو، قره شعبان، قره ضیاءالدین، قره عمر، قره قاچ، قره قشلاق (۲)، قره قصاب، قره قوزلو، قره قوش سفلی، قره قوش علیا، قره قویون، قره قویون جنوبی، قره قویونلو (۲)، قره قیز، قره قیه (۲)، قره کلیسا، قره کند، قره کهریز (۲)، قره گل (۲)، قره گوز ایل، قره ناز و گاوداری قره نی

تازه کند قره بلاغ، قراجه آغل، قره آغاج (۲)، قره آغاج بالا، قره آغاج پایین، قره آغاج پشته، قره باغلار، قره بلاغ، قره تپه (۲)، قره تپه سیلان، قره تکان، قره تکانلو، قره چناق، قره چی سفلی، قره چی علیا، قره حسنلو، قره خان بیگلر، قره خان لو، قره داغلو، قره سقال سفلی، قره سقال علیا، قره سو، قره شیران، قره قاسملو، قره قاشلو، قره قباق سفلی، قره قباق علیا (اژدربیگلر)، قره قشلاق (۲)، قره قوچ (حجت آباد)، قره قیه، قره گسک، قره گل (۲)، قره لر، قره لو، قره ملهم، قره ولی، قره ولی لو، قره یاتاق، قشلاق امیرخانلو قره سقل، قشلاق تک قویی قره پیران، قشلاق تکقویی قره پیران حضرتقلی، قشلاق دمیرچلوی قره قشلاق حاج ابیل، قشلاق دمیرچلوی قره قشلاق حاج مجید، قشلاق قراوغلی ایبی، قشلاق قراوغلی جبار، قشلاق قره تپه تماق علی، قشلاق قره تپه ملک لر، قشلاق قره تکانلو امرالله، قشلاق قره جالو حاجی ایمان، قشلاق قره جالو حاجی صادق، قشلاق قره دره اسم خان آزادخان، قشلاق قره دره اسم خان اسد، قشلاق قره دره اسم خان حاج سعداله، قشلاق قره دره اسمخان تهرآق، قشلاق قره دره اسمخان خان کیشی، قشلاق قره دره اسمخان صفرکندی، قشلاق قره دره حاجی علیش، قشلاق قره دره عزیز رستم، قشلاق قره دره کهل قشلاق فرصت، قشلاق قره دره کهلوقشلاق حاجی شاهوردی، قشلاق قره سقال، قشلاق قره قیه، قشلاق قره ککیل ایاز، قشلاق قره ککیل حاجی محمود و قشلاق قره ککیل حاجی مطلب	اردبیل (۶۹)
توپ قره، قراقیه، قراگل، قره آغاج (۲)، قره آغاج سفلی، قره آغاج علیا، قره آقاجلو، قره اوغلانلو، قره آیی، قره باطلاق، قره بلاغ (۲)، قره بوته (۲)، قره بولاغ، قره پشتلو، قره تپه (۳)، قره چریان، قره حصارلو، قره داش، قره داغ، قره درق، قره دره، قره دوراخلو سفلی، قره زکی، قره سعید، قره قشلاق، قره کهریمز، قره کول، قره گل (۲)، قره گنی، قره محمد (۲)، قره ناس، قره ولی و مزرعه قره بلاغ	زنجان (۴۰)
اجن قره خوجه، امان قره جه، تمر قره قوزی، حاجی قره، زابلی محله قره شور، قراول تپه، قراول حاجی تاجی، قراولان، قره آغاج، قره آقاجلی، قره آقاشلی، قره بلاغ، قره تپه (۲)، قره تپه شیخ، قره جه، قره چشمه، قره داغلی، قره دام یک، قره دانگ، قره سعید، قره سو، قره شور، قره قاچ، قره قاشلی، قره قول تپه، قره کسلخه، قره کیله، قره گل تخته وسط، قره گل شرقی، قره گل غربی، قره گل کله، قره ماخر، قره محمد تپه، قره یسر بالا، قره یسر پایین، قلعه قره جلر و گینک لیک قره صحنه	گلستان (۳۸)
باباقره، بندقرا، چاق قره، چاه شماره ۱ قره حوض (جبله نو)، عباس خان قره گل، قارا چشمه، قراچه، قره آقاچ، قره باشلو، قره باغ، قره بیگ، قره تکان، قره تیکان	خراسان رضوی

(۲۹)	(شهید اسلام توکلی)، قره جقه، قره جنگل، قره چای، قره چه، قره خان، قره داش، قره سنگی (قلعه سنگی)، قره سو، قره شاهوردی (احمدآباد)، قره قلی، قره قویونلو، قره قیطان، قره کوسه، قره گل، قره محمد و معدن گچ قره قوچی
خراسان شمالی (۲۸)	رباط قره بیل، علی آباد قره چای، قراجه، قراجه رباط، قره آقاج، قره آقاج بالا، قره آقاج پایین، قره باشلو، قره باطر، قره باغ (قزل لر)، قره پارچق، قره جقه، قره جنگل علیا، قره چاه، قره چای، قره چشمه، قره چشمه پایین، قره چه رباط، قره خان بندی، قره قانلو (۲)، قره کانلو، قره گل، قره لر، قره مصلی، قره نوده، قلعه بیگ قره چشمه و مزرعه قره میدان کوچک
کردستان (۲۵)	تازه آباد قراگل، حسن قره، سراب قره خان، قراتوره، قراجلو، قراچی قران، قراطوره، قراغل، قراگل، قره بغره، قره بلاغ (۲)، قره بلاغ پنجه، قره بلاغ خان، قره بلاغ میانکوه، قره پالچوق، قره چر، قره دربند، قره دره، قره قایه، قره گل، قره گويز، قره محمدلو، قره ناو و قزانقره
فارس (۱۵)	باغات قراول، بنکوی قره لو، تلخاب قره خانی، توگه قره بس، قره باغ، قره بلاغ، قره چمن، قره حسینی، قره دره، قره قیه، قره کنار، قره گزلو، قره گل سفلی، قره گل علیا، معدن شن و ماسه قره آقاج
کرمانشاه (۱۵)	چشمه قره، شهرک زراعی قره بلاغ، قره بلاغ اعظم، قره بلاغ شیخ مراد، قره بناس، قره تپه، قره تپه، قره حسن، قره ژاله مهرعلی، قره سو، قره قاج، قره گوزلو سفلی، قره گوزلو علیا، قره ولی و قره ویس
همدان (۱۲)	حصار قره باغی، قراتلو، قراقیه، قراکند، قراکند، قراگل، قرایلر، قره آغاج، قره بلاغ (۲)، قره تگینی و قره دای
قزوین (۱۲)	قراچه قیا، قره آغاج، قره باغ، قره بلاغ، قره چم، قره داش، قره داش پرچیک، قره دولو، قره قباد، قره قورتان، قره کرسلو و قلعه قره داش
مرکزی (۱۰)	حسن آباد قره دربند، عباس آباد قره آغاج، قراقیه، قره بنیاد، قره جاقیه، قره چای، قره داش، قره کهریز (۲) و قشلاق قره زاغه
اصفهان (۴)	چاله قرا، قره بلطاق، قره تپه و قره قاج
خوزستان (۴)	قره خان سفلی، قره خان علیا، قره ویسی و مرغداری قراچه
لرستان (۴)	قره خان، قره دین، قره سو و قره ملک
مازندران (۴)	قراخیل، قراکلا، قره تپه و قره طغان

البرز (۳)	قره تپه، قره ترپاق و قره قباد
گیلان (۳)	قراخان محله، قره داشت و قره سوی
کرمان (۲)	قره تپه (موتورپمپ حسین آباد) و قره تپه عشایری
بوشهر (۱)	قراول خانه
تهران (۱)	مزرعه قره گل
چهارمحال و بختیاری (۱)	قرا قوش
سمنان (۱)	چاه قره سقر
سیستان و بلوچستان (۱)	قره یاغی
قم (۱)	قره سو
کهگیلویه و بویراحمد (۱)	سر کمر قره خون
یزد (۱)	قرچه
ایلام (۰)	
خراسان جنوبی (۰)	
هرمزگان (۰)	

جدول (۲): جاینام‌های حاوی مشتقات واژه ترکی «قره» به تفکیک استان



شکل (۱): نقشه توزیع جغرافیایی جاینام‌های حاوی مشتقات واژه ترکی «قره»

در ادامه، جهت سنجش اعتبار تحقیق و ارزیابی صحت مدعاهای مطرح شده به اطلاعات «پایگاه ملی نام‌های جغرافیایی ایران» مراجعه می‌گردد. در فرآیند اعتبارسنجی، آمار مربوط به عارضه‌های جغرافیایی حاوی واژه «قره» استخراج، طبقه‌بندی و مقایسه گردید. همانطور که در جدول (۳) نشان داده شده است اطلاعات استخراج شده تا حد زیادی با آمارهای «سرشماری عمومی نفوس و مسکن» همپوشانی دارند. با این حال در آمارهای مربوط به «پایگاه ملی نام‌های جغرافیایی ایران» تعداد جاینام‌های ترکی در استان‌های همدان، فارس، اصفهان، تهران و قم قابل توجه است.

استان	الف ^۱	ب ^۲	استان	الف	ب
آذربایجان شرقی	۱۰۹	۵۳۵	قم	۱	۱۴
آذربایجان غربی	۸۸	۳۳۳	لرستان	۴	۱۲
اردبیل	۶۹	۱۲۷	چهارمحال و بختیاری	۱	۱۱
مرکزی	۱۰	۱۲۲	بوشهر	۱	۱۰
زنجان	۴۰	۱۰۸	گیلان	۳	۹
خراسان شمالی	۲۸	۱۰۷	کرمان	۲	۶
گلستان	۳۸	۹۸	مازندران	۴	۶
همدان	۱۲	۸۷	هرمزگان	۰	۵
کردستان	۲۵	۷۸	البرز	۳	۳
فارس	۱۵	۷۰	ایلام	۰	۳
قزوین	۱۲	۶۴	یزد	۱	۳
کرمانشاه	۱۵	۶۰	خراسان جنوبی	۰	۲
اصفهان	۴	۵۱	خوزستان	۴	۲
خراسان رضوی	۲۹	۳۸	کهگیلویه و بویراحمد	۱	۲
سمنان	۱	۲۰	سیستان و بلوچستان	۱	۱
تهران	۱	۱۴	جمع	۵۲۲	۲۰۰۱

جدول (۳): جاینام‌های حاوی واژه «قره» و مشتقات آن به تفکیک استان

نتیجه

در این مقاله پژوهشگر برای ترسیم نقشه توزیع جغرافیایی جمعیت ترکان ایران به سبب فقدان آمار دقیق و اطلاعات شفاف، به ناچار از شیوه‌های بدیل (تحلیل لهجه‌های ترکی و تحلیل جاینام‌ها) استفاده کرده است. این شیوه‌ها دارای محدودیت‌ها و ایرادات خاص خود هستند، با این حال نیمرخ نسبتاً شفافی از وضعیت سکونت ترکان در بخش اعظم ایران ترسیم می‌نمایند. توزیع تاریخی جمعیت با دقت نسبتاً قابل قبولی نشان داده شده است^۳ اما توزیع جغرافیایی جمعیت کنونی به سبب تشدید روندهای مهاجرت در دهه‌های اخیر با نقص و خطا مواجه است^۴. در اینجا لازم است به محدودیت‌های پژوهش درباره جاینام‌ها پرداخته شود تا پژوهشگران بعدی با اطلاع از دشواری‌ها

^۱ نام شهرها و روستاهای حاوی مشتقات واژه ترکی «قره» مستخرج از «سرشماری عمومی نفوس و مسکن» سال ۱۳۸۵

^۲ عارضه‌های جغرافیایی حاوی واژه ترکی «قره» مستخرج از «پایگاه ملی نام‌های جغرافیایی ایران»

^۳ تغییر عمده نام‌های جغرافیایی یکی از موانع دسترسی به نام‌های تاریخی مناطق جغرافیایی است.

^۴ به عنوان مثال، جمعیت ترک‌زبان و ترک‌تبار زیادی در سه استان تهران، البرز و قم سکونت دارند. اما برآورد این جمعیت با استفاده از اطلاعات تحلیل شده در این پژوهش ناممکن است و این یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش حاضر محسوب می‌شود.

نقشه راه مناسبی را برای نیل به اهداف خود ترسیم نمایند. بزرگترین محدودیت این شیوه تحلیل، تغییر جاینام‌ها در گذر ایام است. بسیاری از نام‌های جغرافیایی در طول تاریخ تغییر شکل یافته‌اند و این تغییرات دلایل مختلفی داشته است: تغییر زبان ساکنان منطقه، تغییر نحوه تلفظ کلمه، جنگ و تصرف سرزمین توسط فاتحان، تغییر مذهب، تغییر ایدئولوژی مسلط، تغییر حکومت و محو نام‌های مرتبط با حکومت‌های پیشین و ... در یکصد سال اخیر حاکمان سیاسی و فرهنگی در نتیجه سلطه افکار پارس‌گرایانه و باستان‌گرایی و آریاگرایی بسیاری از اسامی جغرافیایی را به عمد تغییر داده‌اند. «قره داغ» به «ارسباران»، «قره عینی» به «سیه چشمه»، «سراسکند» به «هشترود»، «سووق بولاق» به «مه‌باد» و «سایین قالا» به «شاهین دژ» تغییر نام یافته‌اند. دولت‌ها با برنامه‌ریزی دقیق در راستای فارسی‌سازی واژه‌ها و پیرایش کلمات غیرفارسی تلاش کرده‌اند. به عنوان مثال در دوره پهلوی هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۵۵/۱۲/۲۸ تغییر نام نود و هفت جزیره از جزایر دریاچه رضائیه (اورمیه) را تصویب کرده است. مطابق این مصوبه نام جزیره شماره ۶ از «قره آدا» به «سیاوش»، نام جزیره شماره ۷۱ از «قلیچ یاقلی قره» به «شمشیران» و نام جزیره شماره ۷۸ از «یاستی یاقلی قره» به «سیاه سنگ» تغییر یافته است. علاوه بر این به دنبال تحولات سیاسی و انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ نام بسیاری از محلات، خیابان‌ها و کوی‌ها نیز عوض شده‌اند. مثلاً نام خیابان «قره آغاج» در «آذرشهر» (توفارقان) به خیابان «شهید بهشتی» تبدیل شده است و خیابان «قره آغاج» تبریز نیز «قدس» نام گرفته است. همچنین برخی روستاهای قدیمی به شهرها ملحق شده‌اند و نام آنها دیگر در اسناد مربوط به سرشماری‌های رسمی قید نمی‌شود. بعضی از این محلات هنوز هم نام قدیمی خود را در افواه عامه حفظ کرده‌اند. همانند محله «قراملک» تبریز که فی الحال به همان نام معروف است. از آنجا که در اسناد رسمی معمولاً نام فارسی مکان‌های جغرافیایی قید می‌شود و اسم قدیمی و ترکی درج نمی‌گردد پژوهشگران در جمع‌آوری اطلاعات واقعی و تاریخی با مشکلات فراوانی مواجه می‌شوند. در انتها باید اذعان کرد وجود نام‌های ترکی شهرها و روستاها، کوه‌ها، رودها و دشت‌های متعدد در اقصی نقاط ایران یادگاری از حضور تاریخی ترکان در این قلمرو است. تهیه فهرست بلندبالای نام‌های ترکی نیازمند صرف زمان زیاد و مستلزم کار گروهی است. پژوهشگر در این پژوهش صرفاً با انتخاب واژه ترکی «قره» و تهیه لیست نام‌های مرتبط با آن کار مطالعاتی را شروع کرده است. امید است پژوهشگران علاقه‌مند با بذل توجه بیشتر این مسیر را به انتها برسانند.

منابع:

- پایگاه ملی نام‌های جغرافیایی ایران متعلق به «سازمان نقشه‌برداری کشور» <http://gndb.ncc.org.ir>.
 سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، درگاه ملی آمار، <http://amar.org.ir>.
 محمد بن محمد بلعمی (۱۳۷۸) تاریخ‌نامه طبری، محمد روشن، جلد اول، تهران، انتشارات سروش.

سفرهای خیالی استاد شهریار به ترکیه

دکتر یاسمین آک‌کوش^۱

چکیده

شهریار که با اشعارش جایگاه ویژه‌ای در ادبیات ایران دارد، علاوه بر سرودن اشعاری به هر دو زبان فارسی و ترکی آذری، با توجه به ارائه نمونه‌هایی از سبک کلاسیک و شعر نو، در زمینه‌های بسیاری وارد شده و دامنه مخاطبین خود را گسترش داده است. با مقایسه کلی اشعار فارسی و ترکی شهریار می‌توان گفت، این دو، هم از نظر محتوا و هم از نظر قالب تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. زیرا شاعر، اشعار ترکی‌اش را با فرهنگ و زبان خویش درآمیخته، لیکن اشعار فارسی‌اش را بیشتر تحت تاثیر شعر کلاسیک ایران - بویژه حافظ - به رشته تحریر درآورده است. در دیوان‌های فارسی و ترکی شهریار شعری با موضوع و عنوان مشترک «سفری خیالی به ترکیه» وجود دارد. این دو شعر به دو زبان متفاوت، درباره سفری خیالی به ترکیه، مشاهدات شاعر در آنجا و آنچه توجه وی را به خود جلب می‌کند، سروده شده است. این مقاله به بررسی جداگانه این دو شعر که با عنوانی مشترک به دو زبان فارسی و ترکی آذری سروده شده‌اند، می‌پردازد.

واژگان کلیدی: محمدحسین شهریار، ترکیه، سفر، محمدعاکف ارسوی، یحیی کمال، توفیق فکرت

^۱ عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات ترک دانشگاه کارامان‌اوغلو، ترکیه. yaseminakkus@kmu_edu.tr

مقدمه

شعر فارسی مذکور، قصیده‌ای درباره ترکیه است که شامل ۸۲ بیت بوده و بر وزن «فعلاتن/فعلاتن/فعلاتن/فعلاتن» سروده شده است. تمامی این خصوصیات شکلی شعر، به وضوح نشان‌دهنده تاثیر شعر کلاسیک فارسی بر آن است. بررسی محتوایی شعر سفری خیالی به ترکیه در چهارچوب برخی عناوین کلی مناسب‌تر خواهد بود. می‌توان این عناوین کلی را بدین ترتیب دسته‌بندی نمود: شخصیت‌های ادبی و تاریخی، مردم ترکیه، مکان‌ها، ویژگی‌های دیگر ترکیه و غیره.

شخصیت‌های ادبی و تاریخی

شهریار که به صورتی خیالی راهی ترکیه شده، شخصیت‌های مورد نظر را با به یادآوردن مکان‌هایی که در آنجا با آنان روبرو شده، ذکر می‌کند. شاعر که از ایران به راه افتاده با رسیدن به ارضروم، از عشق اصلی و کرم، داستان مشهور فولکلوریک سخن به میان آورده و مواردی مانند راهپیمایی کرم به دنبال اصلی در گردنه‌های پرتگاهی ارضروم، مجادله وی با برف و بوران و عبور از خطرات پیش رو با ذکر «یاعلی!» را مطرح می‌کند:

ارض روم است و همان گردنه دستانی
که کرم در پی اصلی شد از این راهگذر
کرم اینجاست که جنگیده به برف و بوران
«یاعلی» گفته و برتافته چنگال خطر

حتی این جمله را که از «عاشیق» شنیده و در دوران کودکی آموخته را نیز تکرار می‌کند: «من درس غم عشق تو دارم ازبر».

عاشق این گفته و از کودکی‌ام در یاد است
زان زمان درس غم عشق تو دارم ازبر

شهریار با رسیدن به شهر دیاربکر، نام ابوبکر و عمر را ذکر می‌کند. در اینجا علاوه بر ذکر نظریه خارج کردن حاکمیت شهر دیاربکر از دست قیصرهای ارمنی توسط خالد در زمان خلافت ابوبکر در سال دهم هجرت حضرت محمد (ص) به مدینه^۱ اطلاعاتی همچون فتح این شهر توسط اعراب در دوره خلافت عمر نیز موجود است. بدین ترتیب، شهریار با رسیدن به شهر دیاربکر که به شهر صحابه معروف است، نام دو خلیفه را نیز ذکر می‌کند:

وین یکی عرصه سرسبز دیار بکر است
نام او خاطره‌انگیز ابوبکر و عمر

^۱ Okumuş, Ejder. Evliya Çelebi'nin Seyahatname'sinde Diyarbakır, e-Şarkiyat İlmi Araştırmalar Dergisi, Sayı: VII, Nisan ۲۰۱۲.

شهریار سپس به قونیه می‌آید. در اینجا به مولانا، شاعر جهانی، اشاره کرده و از اینکه او سرچشمه تصوف و عرفان بوده و امواج فکری نشأت گرفته از این سرچشمه فوران کرده و تا افلاک رسیده، سخن می‌گوید. شهریار با این مصراع، قصد بیان انتشار دنیای فکری و آموزه‌های تصوفی مولانا در سرتاسر جهان و تاثیر آنها بر تمامی انسانها را دارد:

او به فواره عرفان و تصوف که هنوز

موج فکر از فورانش به فلک ساید سر

شهریار با رسیدن به استانبول، از سلطان محمد فاتح، پادشاه عثمانی، که در سال ۱۴۵۳ میلادی این شهر را فتح نمود و آن پیروزی عظیم یاد می‌کند. سپس از اساتید ادبیات همچون توفیق فکرت و محمدعاکف ارسوی که در خیالش برای استقبال از او همانند گردنبندی از مروارید به صف ایستاده‌اند، سخن می‌گوید. در نگاه شهریار، توفیق فکرت (۱۸۶۷-۱۹۱۵) رهبر انجمن ادبی ثروت فنون که شاعری انقلابی و ایدئالیست است، پرچم ترکیه که هلال غیرت خورشید مشرق‌زمین بر آن نقش بسته را بر دوش گرفته است:

سر صف رایت ترکیه به دوش توفیق

وندر او ماه نوی غیرت مهر خاور

محمدعاکف ارسوی (۱۸۷۳-۱۹۳۶) نگارنده مارش استقلال، سرود ملی ترکیه، نیز در قلم شهریار بدین شکل توصیف شده است: «مارش ملی بر زبان عاکف جاری است و انسانها سکوت اختیار کرده‌اند؛ همه اشک شوق می‌ریزند».

مارش ملی به لب عاکف و خلقی خاموش

همه با گریه شوقیم و به مژگان تر

شهریار، نام یحیی کمال بیاتلی (۱۸۸۴-۱۹۵۸) یکی از شخصیت‌های برجسته شعر ترکی دوران جمهوری ترکیه را چنین ذکر می‌کند: «آوای سرود ملی به پایان رسید و یحیی کمال با گام‌های مبارک خود از میان جمعیت عبور کرد».

نغمه مارش به پایان شد و یحیی کمال

خیر مقدم زد و بشکافت شکاف معبر

ایستگاه بعدی شهریار، آنکارا است که شهریار آن را پایتخت جدید پایه‌گذاران جمهوری (به تعبیر شهریار ژن-ترک‌ها)^۱ می‌نامد. در حالی که در دوران عثمانی پایتخت استانبول بوده است، لیکن با تاسیس جمهوری ترکیه آنکارا به عنوان پایتخت جدید برگزیده شده است، فلذا شاعر آنکارا را پایتخت جدید گروهی که آنان را ژن‌ترک‌ها^۱

^۱ شهریار، اصطلاح «ژن‌ترک» را که به روشنفکران طرفدار اروپاگرایی و غربگرایی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اطلاق می‌شود، برای پایه‌گذاران جمهوری ترکیه نیز استفاده می‌کند. بدین ترتیب بر وجود پیوند ایدئولوژیک میان پایه‌گذاران جمهوری و ژن‌ترک‌ها تاکید می‌شود.

خطاب می‌کند، به شمار می‌آورد. مصطفی کمال آتاترک (۱۸۸۱/۱۹۳۸) بنیانگذار جمهوری ترکیه نیز به عنوان یکی از شخصیت‌های تاریخی در شعر شهریار یاد شده است. شهریار با این جملات از آتاترک یاد می‌کند: «مرحوم آتاترک، چنان شخصیتی است که دارای هوش مخصوص ترکان بوده و در مقابل تمامی فتنه‌ها و جنجال‌ها جسور و باشهامت است. ظاهر اصیل، چهره خشن و برق چشمانش مانند خنجری به قلبها نفوذ می‌کند».

ویژه از داهیه ترک، آتاترک فقید

آنچه پیکر، همه از شور و شهامت مظهر

پروفسور دکتر احمد آتش (۱۹۶۶-۱۹۱۷) دانشمند و شرقشناس ترک که با فعالیت‌های خود در زمینه زبان و ادبیات ایران شهرت یافته است، از سوی شهریار به نگینی درخشان تشبیه گردیده است. همچنین شهریار با عدم پذیرش خبر مرگ پروفسور آتش و با گفتن جمله «نمرده است و نمیرد» به جاویدان بودن وی با توجه به آثارش اشاره می‌کند. شهریار حضور بر سر مزار پاک پروفسور آتش و احساس بوی مشک و عنبر در این هنگام را بدین شکل در شعرش توصیف می‌کند:

بر سر تربت پاکش شدم و زد به مشام

باز از آن رشگ گلم نکهت مشک و عنبر

دکتر جواد هیئت (۱۳۹۳-۱۳۰۴ ش) جراح و ترکشناس تبریزی که از سوی شهریار «دوست عزیزم» خطاب شده، یکی دیگر از شخصیت‌های نامبرده شده در این شعر می‌باشد:

یاد می‌آیدم از صحبت دکتر هیئت

کو عزیزی است مرا یار و صدیقی سرور

مردم ترکیه از دیدگاه کلی

شهریار که در سفر خیالی خود به ترکیه، به نام برخی شخصیت‌های تاریخی و ادبی اشاره کرده است، همچنین به زنان، مردان، دختران و پسران ترک پرداخته و به صورت پی‌درپی از خصوصیات کلی ملت ترکیه سخن می‌گوید. شاعر با اشاره به اینکه ملت ترکیه از نظر ظاهری اروپایی، لیکن از لحاظ طرز معیشت مشرقی هستند، آمیخته‌شدن شرق و غرب در این کشور را عنوان می‌کند:

ملتی صورت اروپایی و سیرت شرقی

شرق و غرب است که آمیخته با یکدیگر

شاعر ضمن اشاره به منحصربه‌فرد بودن حسن نیت، صداقت و سادگی ترک‌ها عنوان می‌کند که نظیر این خصوصیات نزد ملت‌های دیگر یافت نمی‌شود:

ترک را سادگی و صدق و صفایی دگر است

که نظیرش نتوان یافت در اقوام دگر

به نظر شهریار، مردم ترکیه بسیار پرتلاش هستند و با این خصوصیت شهرت یافته‌اند. قهرمانان و پهلوانان برازنده این ملت با پنجه‌های خود یادآور شیر نر هستند:

قهرمانان برازنده و کشتی‌گیران

که ز سرپنجه بمانند به شیرانی نر

شهریار، مردان را خوش‌چهره و تنومند و زنان را بلندقامت و زیبا خوانده و چنین می‌گوید که دختران همانند مینیاتور بوده و همچون شاه نبات حافظ هستند، چشمان شهلاهی خود را از نرگس و زیبایی خود را از لاله گرفته‌اند؛ مردان نیز قدبلند، تنومند و چابک هستند و وزن آنان نیز کاملاً متناسب است:

مردها خوش سر و سیما و قوی‌الجثه

بانوان خوش قد و بالا و صبیح‌المنظر

دختران زیبا و دلربای ترک، زبان ترکی ترکیه را با عشوه‌ای ظریف ادا می‌کنند. در این چهره‌ها که به اندازه نقاشی‌های ترسیم‌شده از سوی نقاشان چینی زیبا هستند، ظرافت بی‌نهایتی وجود دارد:

حد اعلاهی ظرافت که در این صورتهاست

نقش چینی زده گویی قلم صورتگر

مکان‌ها

در کنار وجود تصاویر کلی از ترکیه در شعر شهریار، نام برخی شهرهای مهم نیز ذکر شده و اطلاعاتی کلی درباره این شهرها ارائه شده است. اسامی شهرهای نام برده شده به ترتیب بدین شرح است: ارض روم (ارضروم)، دیار بکر (دیاربکیر)، قونیه، استامبول (استانبول) و آنکارا. در بین شهرهای نام برده شده در شعر، ارضروم با توجه به داستان عشق اصلی و کرم و با اشاره به کوهپایش ذکر شده است. به همین ترتیب، شهر دیاربکر نیز دارای خاکی سرسبز بوده و همه جا همانند منظرهای ترسیم‌شده بر روی یک پرده نقاشی به نظر می‌رسد. شهر قونیه که با مقبره مولانا یاد شده، شهری است که برترین کنگره را از گنبد گردون (آسمان) به سمت خود کشیده و این مکان مرکز ثقل عرفان، قله معرفت و اوج معراج انسان می‌باشد:

آری این نقطه بود مرکز ثقل عرفان

قلعه معرفتی زروه معراج بشر

و شفق و روشنایی استانبول همچون عروسی با زیورات خود از دور دست مشاهده می‌شود. این شهر که یادآور فاتح و پیروزی است، گویی نیلوفری است که از اعماق امواج دریای آبی سربرآورده است:

گویی از گودی امواج کبود دریا

سر کشیده است و پر افشانده یکی نیلوفر

و اما آنکارا به عنوان پایتخت جدید ژن‌ترک‌ها، با بناهایی که با نقش و نگار زیبا به سبک جدید آراسته شده، یاد می‌شود. همچنین عنوان شده که در این شهر تماشای آفاق با دل اهل دل و با نظر اهل نظر چقدر خارق‌العاده است:

وین یکی آنکارا پایتخت نوین ژن‌ترک

با بناهای نوآیین و نگارین کر و فر

ویژگی‌های دیگر در رابطه با ترکیه

در شعر شهریار، علاوه بر شهرهای مذکور، تصاویری کلی از تاریخ و جغرافیای ترکیه نیز ارائه شده است. ترکیه به عنوان کشوری همکیش معرفی شده و بر اعتقاد ملت‌های ایران و ترکیه به دین اسلام تأکید شده است. همچنین کشور ترکیه مهد جوانمردی و مظهر پیروزی نامیده شده است:

کشور ملت همکیش و جوار ایران

مهد مردانگی و مظهر فیروزی و فر

شهریار این کشور را داستان پیروزی، فتح و جنگاوری و ماجرای جوانمردی و سلحشوری به شمار می‌آورد. بی‌شک هدف از اینکه ترکیه در طول قرن‌ها پرچمدار اسلام و خزانه‌دار تاریخ و اساطیر بوده است، اشاره به امپراتوری عثمانی، سرچشمه تاریخ پرافتخار ترکیه می‌باشد:

حامل پرچم اسلام در اعصار و قرون

خازن گنج اساطیر و تواریخ و سیر

و موزه آثار نایب (قصر توقاپی)، محل نمایش آثار باقیمانده از دوران امپراتوری عثمانی که تار موی حضرت پیغمبر به همراه خرقه وی را نیز در خود جای داده است، یکی دیگر از مشاهدات شهریار در ترکیه می‌باشد. شاعر به منظور بیان ارزش والای پرچم ترکیه از عبارت «بر روی سرها جای دارد» استفاده کرده و هلال روی پرچم را به پر شاهین تشبیه می‌کند. این هلال در عین حال نماد خنجر و داس نیز می‌باشد:

بر سرش رایت چون شهپر شاهین هلال

چه هلالی که بود آیت داس و خنجر

شهریار با تمجید از لهجه ترکی ترکیه، با بیان اینکه لهجه ترکی استانبولی در بین تمامی زبان‌های اروپا، نمونه زیبای تلفظ ظریف می‌باشد، این موضوع را با یک مثال توضیح می‌دهد که اگر ترکی آذری ما همانند قند و شکر باشد، ترکی ترکیه همچون عسل ناب است:

فی‌المثل لهجه ترکیه بود شهد ناب

گر بود آذری ما به مثل قند و شکر

شهریار همچنین جملات زیر را درباره ترکیه بکار برده است: دروازه آزادی، همه جا سرتاسر با پوششی سبزرنگ پوشیده شده که به گلپایی یاقوت‌رنگ مزین است؛ با دانشگاههایی که در هر ناحیه وجود دارد مهد علم است؛ هر یک از شرقشناسان، علما و اساتید دانشگاه یک عالم هستند؛ مرکز هنر و اساطیر؛ در هر روستایی فردی مشهور و والا و افرادی پادشاهوار وجود دارند؛ مجسمه‌سازی یکی از شاخه‌های هنر در سطحی بالا است؛ بناهای بی‌شمار تاریخی که از قرن‌های گذشته باقی مانده است؛ تمامی آثار چندصدساله همچون کتابی است که هر برگ آن خبرهای صدساله می‌دهد:

هر یکی کهنه کتابی است که هر صفحه آن

با تو صد قرن خبر باشد و صد عصر اثر

ترکیه از دیدگاه شهریار

شهریار که سفر خود را با آهنگ پیروزی آغاز می‌کند، گویی در رویاست؛ زیرا اشخاصی چمدان شاعر را آماده کرده و با گشودن بال‌های سفر او را رهسپار راه کرده‌اند. و شهریار که خود مشتاق این سفر است، با پرواز به سوی ترکیه، مشاهدات و اطلاعات خود در رابطه با ترکیه را یکی پس از دیگری بازگو می‌کند. او سیر تاریخی و ادبی از امپراتوری عثمانی به ترکیه امروز را با نشانه‌های کلی بیان نموده و همچنین ملت ترک و جغرافیای ترکیه را با ذکر ویژگی‌های بارز آن معرفی می‌کند. البته این مشاهدات، تابلوی پانورامیکی است که از دیدگاه شخصی شاعر و با نگاه وی شکل گرفته است. شهریار علاوه بر اشاره به موارد مذکور، احساسات و آرزوهای خود در طول این سفر را بیان نموده است. حتی شاعر بعضاً احساساتی شده و رو به درگاه خداوند برای ملت‌های ایران و ترکیه دعا کرده و احساسات خود را خالصانه به زبان می‌آورد. شهریار با دعا برای پیروزمندی دائمی ماه و ستاره پرچم ترکیه و درخشش جاویدان اختر بخت ترکیه، آرزوی پایدار بودن آزادی و پیروزی‌های ترکیه و شکست کفر و نفاق را دارد. به علاوه اینکه برای دوستی ملت‌های ایران و ترکیه، رو به درگاه خداوند خواستار پایداری همیشگی دوستی این دو رفیق شفیق می‌باشد:

همچنان ملت ترکیه و ایران یا رب

تا ابد الفتشان الفت جان یا دو جگر

حتی شهریار با بیان خوانده شدن شانه به شانه سرود ملی ترکیه و ایران با افتخار و سربلندی در همه جای جهان، از اهمیت بالایی که برای دوستی این دو ملت کهن قائل است، سخن می‌گوید. شهریار با عبور از مرز ایران و ورود به ترکیه، خود را همچون پرنده‌ای آزاد و رها تصور کرده که به آسمان پر کشیده است. سپس با ورود به دیاربکر، از عدم وجود احساس بیگانگی و غربت در وجودش خبر داده و حتی می‌گوید که گویی از دروازه کشور خود عبور کرده و اینگونه ادامه می‌دهد:

مهربان کوه و در و دشت به من پنداری

می‌خزم در بغل مادر و دامان پدر

ورود شهریار به استانبول بسیار باشکوه است، او ارواح اساتید ادبیات را که در دنیای خیال خود پرورانده و شاید مفتون آنان می‌باشد، می‌بیند و احساس می‌کند که آنان برای استقبال از او آمده‌اند. این اساتید، توفیق فکرت، یحیی کمال و محمدعاکف ارسوی هستند. سرودهای ملی دو کشور خوانده می‌شوند و شهریار در بین میزبانان، احساسات خود در این لحظه را چنین بیان می‌کند: «من قطره‌ای هستم. غیر از پیوستن به امواج دریای محبت چه می‌توانم بکنم؟ هدر شوم؟». منظور شهریار از دریای محبت، ترکیه، عزیزان حاضر در استانبول، اساتید نامبرده هستند. او به عنوان یک قطره خواستار بهره‌مندی از دریای محبت است، اگر دوری گزیند و به این دریای محبت نپیوندد، به منزله یک قطره نابود خواهد شد. با تمام وجود در آرزوی پیوستن به این دریای محبت است:

من یکی قطره و امواج محبت دریا

چه کند قطره که دریا نرود خود به هدر

شهریار با نزدیک شدن به پایان سفر می‌گوید که از تمامی مکان‌های مورد نظر بازدید نموده و به افسانه حیدر بابا اشاره می‌کند که چگونه این شعر مشهور شاعر، مرزهای ایران را درنور دیده و به ترکیه رسیده است. شهریار با بیان ارزش فراوان این سفر خیالی به ترکیه عنوان می‌کند که بدین ترتیب قفس خود را شکسته و پر کشیده است. بی‌شک این جمله به معنای باز شدن افق‌های دید شاعر با توجه به فرهنگ، تاریخ و آثار ملت برادر و غنی شدن روح وی با مشاهدات و آموخته‌هایش می‌باشد.

با توجه به مصراع‌های شهریار مشخص می‌گردد که پس از عارف قزوینی، ابوالقاسم لاهوتی و میرزاده عشقی سه شاعر ایرانی که پیشتر به ترکیه سفر کرده‌اند، وی نیز به عنوان چهارمین شاعر با سفر به ترکیه جایگاهی برای خود بدست آورده است.

شهریار با بیان اینکه در طول این سفر خیالی، همسر، دو دختر و یک پسرش نیز به همراه او بوده‌اند، عنوان می‌کند که آنها همین ۵ نفر نبوده‌اند و شاید با حضور طفیل و قفیل و دیگران، این رقم حتی بر سر سفره به ۵۰ نفر نیز می‌رسیده است. با توجه به این جمله شاعر می‌توان پی برد که در این سفر خیالی که به همراه خانواده صورت گرفته، اشخاص روحانی نیز آنان را همراهی نموده‌اند. در این سفر خیالی، اشخاصی که با روح شهریار آشنا هستند و او از دیدن آنها خوشحال می‌شود، حتی اگر به صورت جسمی حضور نداشته باشند، لیکن با روح خود در کنار آنان جای گرفته‌اند. همچنین شاعر با کلمات «طفیل و قفیل» نشان می‌دهد که سفر وی بدون راه صورت گرفته است. زیرا طفیل و قفیل، به عنوان اشخاصی که به منظور انجام یک وصلت بدون طی راه میانجیگری می‌کنند، شناخته می‌شوند. بنابراین از آنجا که سفر شهریار به ترکیه نیز خیالی بوده است، در سایه این افراد و بدون طی مسیر تحقق یافته و خیالی بودن همراهان وی نیز آشکار می‌گردد.

ترکیه‌یه خیالی سفر (ترکی آذری)

این شعر شهریار که با عنوان مشابه ولی به زبان ترکی آذری نوشته شده، از لحاظ قالب با شعر فارسی متفاوت است. قالب شعر مذکور چهارپاره است که یکی از قالبهای نظم ترکی و وزن آن هجایی است. این شعر از ۲۷ چهارپاره تشکیل شده و در وزن هجایی یازده بخشی سروده شده است. هر بند در داخل خود هم قافیه بوده و از ساختار قافیه‌ای قالب شعری «قوشما» استفاده شده است. (الف.الف.الف.الف.ب.ج.ب، الف.الف.ب.الف و غیره)

همانند شعر فارسی سفری خیالی به ترکیه، شهریار در این شعر نیز به موضوعات مشابهی پرداخته است. اما می‌توان گفت که شعر فارسی هم از لحاظ موضوعات و هم از لحاظ شخصیت‌ها و مکان‌ها از تنوع بیشتری برخوردار است. لیکن شهریار موضوعات موجود در شعر ترکی آذری را به شکلی عمیق‌تر مورد بررسی قرار داده است.

شعر با مصراع «گلمیشم نازلی هلال اولکه‌سینه (به کشور هلال نازنین آمده‌ام)» آغاز می‌شود. شهریار با ترکیب «نازلی هلال (هلال نازنین)» هم به سرود ملی ترکیه و هم به پرچم ترکیه اشاره می‌کند. در حالی

که مصراع ابتدایی شعر فارسی در رابطه با تدارک آغاز سفر می‌باشد. شاعر شعر فارسی خویش را از ابتدا تا پایان حول محور سفر بنا نهاده و در تلاش است تا تمامی بیانات و یا تصاویر خود را بر موضوع «سفر» متمرکز نماید. لیکن در شعر ترکی، نحوه آغاز سفر مشخص نیست، او با گفتن «گلمیشم (آمده‌ام)» رسیدن خود به ترکیه را ابراز می‌نماید. در اواخر شعر نیز، تمامی مشاهدات و تجربیات خود را «دادلی بیر رویا (رویایی شیرین)» می‌نامد:

اویورام چوق دا شیرین اویغودو بو (خواهیده‌ام و این، خوابی بسیار شیرین است)
همچنین شاعر در آخرین چهارپاره شعر خویش، عبارت «نازلی هلال (هلال نازنین)» را یکبار دیگر تکرار می‌کند. شهریار با بیان مشاهده هلال نازنین، درباره پرچم ترکیه چنین می‌گوید: «بو سونمز اوجاق گنت گنده پارلا سین (این اجاق خاموش نشدنی رفته رفته بدرخشد)». این جمله تداعی‌کننده مصراع‌های «سؤنمه‌دن یوردومون اوستونده توتن ان سون اوجاق / او بنیم ملتیمین ییلدیزیدیر پارالیاجاق (تا زمانی که آخرین اجاق در سرزمینم خاموش نشده، این پرچم، ستاره ملت من است و خواهد درخشید)» در سرود ملی ترکیه می‌باشد و شاعر آگاهانه به مصراع‌های مذکور اشاره می‌کند:

گۆروم آی نازلی هلالیم، سانجاق (ای هلال نازنین، ای پرچم، [انشاءالله] ببینم)
پارلا سین گنت گنده بو سؤنمز اوجاق (این اجاق خاموش‌نشدنی رفته‌رفته بیشتر بدرخشد)

شخصیت‌های ادبی و تاریخی

شاعر که به کشور هلال نازنین (ترکیه) آمده، همچنین به سرزمین خیال ظریف توفیق فکرت آمده است. اینکه شهریار اشعار توفیق فکرت را خوانده و او را دنبال می‌کند، از عبارت «اینجه خیال (خیال ظریف)» مشخص می‌شود. زیرا این عبارت در یکی از اشعار توفیق فکرت وجود دارد. سپس چشمان شهریار با مارش محمدعاکف ارسوی، شاعر سرود ملی جمهوری ترکیه بارانی می‌شود. شهریار نام یحیی کمال شاعر دوره جمهوریت را نیز در چهارپاره اول یاد می‌کند. شهریار با بیان اینکه به سرزمین یحیی کمال می‌نگرد، هم ترکیه را مدنظر دارد و هم به دنیای خیال این شاعر مشهور اشاره می‌کند:

گلمیشم نازلی هلال اوّلکه‌سینه (آمده‌ام به سرزمین هلال نازنین)
فکرتین اینجه خیال اوّلکه‌سینه (به سرزمین خیال ظریف فکرت)
عاکفین مارشی یاشاردیپ گۆزومو (مارش عاکف چشمانم را بارانی کرده)
باقیرام یحیی کمال اوّلکه‌سینه (به سرزمین یحیی کمال می‌نگرم)

شهریار در شعر خود به دفعات از این سه شاعر (ت. فکرت، ی. کمال و م. عاکف ارسوی) یاد کرده و دلدادگی خود به آنان را به وضوح آشکار می‌سازد. شاعر که قصد دیدن علویت فکرت را دارد، از ی. کمال قول گرفته و صعود می‌کند و گردش در اعماق آبی افق با عاکف را خیال می‌کند.

یکی دیگر از شخصیت‌های یادشده در این شعر، مولانا جلال‌الدین رومی است. شاعر در هنگام سخن گفتن از شهر قونیه، با استفاده از کلمه «رومی» خبر از مدفون بودن مولانا در این شهر می‌دهد. در حالی که

شهریار در شعر فارسی کلمه «ملا» را برای مولانا استفاده نموده است:

بوردا رومی کیمی عارف‌لر وار	(در اینجا عرفایی همچون رومی وجود دارند)
صوفیلر عابیده‌سی قونی‌ادیر	(عبادتگاه صوفیان قونیه است)

شهریار با اشاره به فتح استانبول، سلطان محمد فاتح را در حال هجوم تصور می‌کند. فاتحه دولت روم خوانده می‌شود، زیرا استانبول در حال فتح شدن است:

گوژورم فاتحی ائتمکده هجوم	(فاتح را در حال هجوم می‌بینم)
اوخونوب فاتحه دولت روم	(فاتحه دولت روم خوانده شده است)

شهریار در این شعر نیز به ژن‌ترک‌ها اشاره کرده است. او با رسیدن به آنکارا، این شهر را پایتخت جدید ژن‌ترک‌ها به انتخاب آتاترک می‌نامد. در حالی که شهریار در شعر فارسی به صورتی مفصل از آتاترک یاد نموده، لیکن در شعر ترکی به این موضوع زیاد نپرداخته است. در هنگام توصیف شهر استانبول به مجسمه آتاترک اشاره نموده و در یکی دیگر از چهارپاره‌ها، با مدنظر قرار دادن جمهوری تازه‌تاسیس ترکیه، در حالی که با چشم دوختن به مجسمه آتاترک قصد تمجید از ژن‌ترک‌ها را دارد، سعی در بیان رضایت خود از وضعیت جدید ترکیه را دارد. حتی نام ژان دارک عزیزه فرانسوی که در جنگ‌های صدساله با انگلستان از کشور خود دفاع نموده را ذکر می‌کند، لیکن دلیل این کار خود را نمی‌داند. این امر نشان دهنده تأثیر فرهنگ فرانسه بر روی شهریار همانند بسیاری از نویسندگان مشرق زمین در این دوره می‌باشد:

آتاتورک هئیکلینه گوژ تیکرک	(با چشم دوختن به مجسمه آتاترک)
بیردن آقیش‌لاییرام ژن تورکی	(به یکباره ژن‌ترک را تشویق می‌کنم)
گوژ اوئونده، نه تناسب، بیلیم	(در مقابل دیدگان است اما، نمی‌دانم چه تناسبی وجود دارد)
بیرده تصویر ائدیرم ژان دارکی	(ناخودآگاه ژان دارک را تصور می‌کنم)

مردم ترکیه از دیدگاه کلی

شهریار در شعر فارسی خود مردم ترکیه و همچنین زنان، مردان، دختران و پسران ترکیه را به صورت جداگانه مورد اشاره قرار داده و برخی از خصوصیات آنان را به زبان آورده است. لیکن در شعر ترکی، چنین توصیفی وجود ندارد. زیرا شاعر بیشتر توصیفی با حول محور «ملت ترک و تاریخ ترکیه» را برگزیده است و این دو موضوع را به صورت کلی با توجه به جنگ‌های تاریخی انجام شده تاکنون در چهارچوب تاریخ مورد ارزیابی قرار داده است. ملتی اصیل دارای فرهنگ شرق و غرب در این خاک متولد شده است. شهریار با فرورفتن به اعماق تاریخ درباره ملت ترک که دارای عزت و سربلندی بی‌پایان می‌باشند چنین می‌گوید که آنان دارای گذشته‌ای که مایه افتخار آینده می‌باشد، هستند و گویی آب حیات خضر را نوشیده‌اند، این ملت و این حقیقت هرگز از بین نخواهد رفت:

گوژورم بیر ابدی عزت و شان	(عزت و افتخاری ابدی می‌بینم)
گله‌جک فخری اولان بیر گنچه‌جک	(آینده‌ای با گذشته‌ای پرافتخار خواهد آمد)

یوق بو ملت بو حقیقت اؤلمز
چاتاجاق خضرینه جامین ایچه‌جک
(نه، این ملت و این حقیقت نخواهد مرد)
(به خضر خواهد رسید و آب حیات را خواهد نوشید)

مکان

شهریار که به سفری خیالی رفته، در شعر فارسی خود، در مسیر خود از مرز تا رسیدن به استانبول به برخی شهرهای موجود در این جغرافیا سرزده و اطلاعاتی کلی درباره خصوصیات بارز آنان ارائه نموده است. لیکن در شعر ترکی به شهرهای ارضروم و دیاربکیار اشاره نشده و تنها از این شهرها نام برده شده است: قونیه، استانبول و آنکارا. با وجود اینکه شهرهای قونیه و آنکارا در هر دو شعر با خصوصیتی مشابه مورد بررسی قرار گرفته‌اند، اما می‌توان گفت که در شعر فارسی به جزئیات بیشتری اشاره شده است. لیکن در رابطه با توصیف استانبول، در هر دو شعر تشابهات و اختلافاتی وجود دارد. در شعر ترکی، استانبول با تعبیری همچون «گۆزلر گۆزلی، دنیزلر قیزی، دریا گلینی (زیبای زیبارویان، دختر دریاها، عروس دریا)» توصیف شده است. این شهر که در هر دو شعر به گل نیلوفر تشبیه شده است، در شعر ترکی به عنوان «گل نیلوفری که بازوان خود را باز کرده و دستانش را به سمت ساحل انداخته» به تصویر کشیده شده است:

او گۆزلر گۆزلی اسلامبول
او دنیزلر قیزی، دریا گلینی
(استانبول، آن زیبای زیبارویان)
(آن دختر دریاها، عروس دریا)
سانکی دریا چیچگی، نیلوفر
(گویی نیلوفر گل دریاست)
قول آچوب، ساحله آتمیش الینی
(بازوانش را باز کرده و دستانش را به سمت ساحل انداخته)

شهریار که معتقد است آخرین تمدن در استانبول شکل گرفته است، به وجود بناهای مجلل و مجسمه اشخاصی همچون آتاترک اشاره می‌کند. مسجد ایاصوفیا در استانبول نیز در شعر بدین شکل یاد شده است: «ترکیه، مرکز اسلام است و ایاصوفیا نیز یکی از مصلی‌های آن است.» شهریار با این مصراع‌ها، به جغرافیای امپراتوری عثمانی اشاره می‌کند و اینکه عثمانی در چهار قاره گسترده شده و اسلام را به تمامی سرزمین‌های فتح شده برده است. یکی از مهمترین این اقدامات نیز تبدیل ایاصوفیا، کلیسای رومی‌ها به مسجد پس از فتح استانبول می‌باشد. شاعر در یکی دیگر از چهارپاره‌ها به فتح استانبول پرداخته و مشاهدات خود را چنین بیان می‌کند: «کوه‌های عظیم، مناطق مرتفع، دره‌های فراوان و پرتگاه می‌بینم.»:

شانلی داغلار، اوجالیقلار گۆرورم
یئنه بیر چوق دره‌لر، چوق اوچوروم
(کوه‌های عظیم و بلندی‌هایی می‌بینم)
(به علاوه دره‌های فراوان و پرتگاه‌های بسیار)

ویژگی‌های دیگر

شهریار در شعر ترکی سفر خیالی خود به ترکیه، صفحات تاریخ را ورق زده و ارزش این خاک را با این دیدگاه توضیح می‌دهد. شاعر امپراتوری عثمانی را با جمله «امپراتوری اسلام که بالهای خود را بر جغرافیایی وسیع گشوده است» تعریف کرده و چنین می‌گوید که هلالی با درخشش به خورشید تابانی به نام احلام

تبدیل شده است. شهریار با استفاده از این تعبیر به این موارد اشاره می‌کند که امپراتوری عثمانی در حالی که حکومتی کوچک بوده، چگونه در طول زمان گسترش یافته، بر جغرافیایی پهناور حاکم شده، همانند خورشیدی که موجب تحقق رویاها می‌شود به اطراف خود حیات بخشیده و بر روی جغرافیای تحت حمایت خود بال و پر گشوده است:

بیر هلال پارلایاراق اولدو گونش	(یک هلال با درخشش خورشید شد)
بیر ساچاخلی گونش، احلام آدلی	(خورشیدی تابان به نام احلام)
قول قاناد آچدی گنیش بیر مولکه	(بال و پر خود را بر روی ملکی وسیع گشود)
امپراطوری اسلام آدلی	(به نام امپراتوری اسلام)

شهریار با استفاده از عبارات «خورشید» که نماد امپراتوری عثمانی است و «توفان سیاه» که نماد جنگ‌ها و روزهای سخت می‌باشد، این نکته را بیان می‌کند که توفان‌های سیاه اطراف خورشید را احاطه کرده و یک امپراتوری بزرگ که اطراف خود را روشن می‌کرد، در نتیجه جنگ‌های انجام شده دچار تلاطم شده و روزهای سختی را پشت سر گذاشته است. لیکن در نهایت همه مشکلات حل شده و خورشید با تبدیل شدن به ماه، جای خود را به «هلالی ظریف» داده است و آن نیز دولت تازه‌تاسیس ترکیه می‌باشد که همه چیز را از نو آغاز کرده است:

قاوژانیر حیف قارا بیر توفان	(حیف که توفانی سیاه به راه می‌افتد)
او گونش چولقلانیر، آخ نه ملال	(آن خورشید پوشیده می‌شود، آه چه دردناک)
نه گونش سانکی محاق اتندی قمر	(چه خورشیدی، گویی قمری بر محاق رفته)
سون چیقارکن، یئنه بیر اینجه هلال	(و در پایان هلالی ظریف ظاهر می‌شود)

شهریار آن روزها را طوری بازگو می‌کند که گویی در آن روزها زندگی کرده و در عین حال احساسات خود را نیز بیان می‌کند. در سفر خیالی خود، با به نمایش درآمدن فیلم‌های خیالی، به زنده شدن تاریخ اشاره می‌کند. این تاریخ پر از توفان‌های شنی، خونبار و خفقان‌آلود است. انگار که مریخ در بین هوای مه‌آلود ناظر بر همه چیز است. شاعر با ورق زدن صفحات تاریخ، جنگ‌های خونین را به یاد آورده و تداعی کننده گذشته خاک‌های مورد بازدید خود است. این خاک منبع غیرت است، در این خاک، تعداد استخوان‌های جوانمردان بیش از سنگ‌ها است و بیشتر از چشمه‌ها، خون شهیدان جاری است:

هر یئرین توپراقی بیر شئی بسلر	(خاک هر جایی، چیزی را پرورش می‌دهد)
بورادا دوغروسو غیرت کانی دیر	(اینجا هم حقیقتاً کان غیرت است)
بوردا داشدان چوق ایگیتلر سوموگو	(در اینجا بیش از سنگ‌ها، استخوان جوانمردان هست)
چشمه‌دن بوللو شهیدلر قانی دیر	(بیش از چشمه‌ها، خون شهیدان جاری است)

شهریار در حین بازگو کردن تاریخ، علیرغم همه این موارد، امیدوار است. او معتقد است، عثمانی که یک امپراتوری بوده، مجدداً علم اسلام را بلند خواهد کرد. شاعر با گذری خیالی از آینده به گذشته، قطعاً متوجه است که همه چیز برای عثمانی پایان نیافته است. حتی عنوان می‌کند که دو بدن قدرتمند، یکی ترک‌زادگان

و دیگری ایرانیان، دست به دست هم داده و پرچمی را که از سوی عثمانی‌ها برافراشته شده بود، تحویل خواهند گرفت:

یثنه اسلام علمین قالدیراجاق	(باز هم علم اسلام را بلند خواهد کرد)
امپراطوری اولان عثمانلی	(عثمانی که یک امپراتوری است)
ایکی هیکل یاپاجاق، ال وئرک	(دست در دست هم دو تندیس خواهد ساخت)
بیری تورک اوغلو، بیری ایرانلی	(یکی ترک‌زادگان و دیگری ایرانیان)

شهریار با پایان یافتن دوران عثمانی و تداوم آن با جمهوری ترکیه، به اطراف خود نگاهی کرده و مشغول خیال کردن و مشاهده حضور شاهان تاجدار و آقایان با کلاه‌های قدیمی بر روی بالکن‌هاست؛ حتی باور دارد که اگر کمی گوش به افق‌ها سپرده شود، صدای نعره پاشاها و صدای سربازان عثمانی به گوش خواهد رسید:

دوزولوب سانکی بو بالقونلاردا	(انگار بر روی بالکن‌ها ردیف شده‌اند)
یثنه شاهلار تاجی، بیگلر فسی‌دیر	(باز هم تاج شاهان و کلاه قدیمی آقایان)
قولاغ آسان بو افقلرده هنوز	(گر گوش فرادهی در این افق‌ها، هنوز هم)
پاشالار نعره‌سی، عسگر سسی‌دیر	(نعره پاشاها و صدای سربازان شنیده می‌شود)

احساسات شهریار

شهریار در شعر ترکی، احساسات خود را به شکلی عمیق‌تر و صمیمانه‌تر بر زبان آورده است. گویی سفر خیالی خود را با پرواز بر فراز آسمان‌ها انجام می‌دهد. نگاه‌های وی به پرواز درآمده‌اند، و چشمانش چنین می‌گوید: «بگذار تا می‌توانم نگاه کنم!...»

باقیشیم قول قاناد آدیقدا اوچور	(نگاهم بال و پر زده و به پرواز درمی‌آید)
گۆز دئییر قوی هله باخدیقچا باقیم	(چشم می‌گوید بگذار تا می‌توانم نگاه کنم)
بو افق‌لرده سئوینچک قاریشوب	(در این افق‌ها شادمان بیبوندم)
شفقین آرخینا آخدیقچا آقیم	(تا می‌توانم در جویبار شفق جاری باشم)

شهریار که همانند آنچه در شعر فارسی گفته بود، در شعر ترکی نیز در طول سفر خود به ترکیه، احساس غربت نمی‌کند، گویی به زادگاه خود آمده است، حتی این مکان جایی است که برادران او حضور دارند و آنجا را مانند سرزمین مادری خود می‌بیند و عنوان می‌کند که خود او نیز ترک‌زاده و فرزند آذری است و به میهمانی برادران خود آمده است. و دلیل به میهمانی آمدن خود را نیز چنین بیان می‌کند: «گفتم بگذار بروم و لشکر جداافتاده خود را متحد کنم».

من‌ده آذر بالاسی، تورک اوغلو	(من هم فرزند آذربایجان و ترک‌زاده‌ام)
قوناغام دوغما قارینداشلاریمما	(میهمان برادران تنی خود هستم)
دئمیشم آیری دوشن لشکریمی	(گفتم لشکریان جداافتاده خویش را)
گیده‌ییم، وصل ائده‌ییم باشلاریمما	(بروم و متحد سازم)

شهریار در این شعر خود را «شاعر ایل و تبار» نامیده و دلیل سرایش این شعر را چنین عنوان می‌کند: «قصد دارم دردمان را بیان کنم، این احساسی بسیار عمیق است.»:

او بالار شاعیریم، دردیمیزی	(من شاعر ایل و تبارم هستم، دردمان را)
دویورام، چوق دا درین دویغودو بو	(احساس می‌کنم که احساسی بسیار عمیق است)
شهریار شعر خود را با این عبارت به اتمام می‌رساند:	
دئمیرم قول ائلییه‌ک دونیانی بیز	(من نمی‌گویم که جهان را به بردگی بکشانیم)
دونیا آرتیق بیزی اینسان ساناجاق	(دنیا فقط انسانیت را پاس خواهد داشت)

نتیجه‌گیری

استاد محمدحسین شهریار، در طول حیات خود هرگز به ترکیه سفر نکرده است. حسرت خود نسبت به ترکیه را از زبان شعر ابراز نموده و با سفری خیالی سعی در رفع حذقلی این حسرت دارد. به علاوه اینکه، با نوشتن دیدگاه‌ها، افکار، مشاهدات و احساسات خود در این زمینه به هر دو زبان فارسی و ترکی آذری، مخاطب قرار دادن هر دو زبان و ادبیات را ترجیح داده است. این دو شعر با دو زبان و موضوعی مشابه، در عین حال به سؤالاتی از قبیل اینکه شهریار کشوری را که تا به حال به آن سفر نکرده، لیکن از نظر روحی خود را به آن نزدیک حس می‌کند، از دور چگونه می‌بیند، وضعیت آن را چگونه ارزیابی می‌کند و تا چه حد خبرهای آن را دنبال می‌کند، پاسخ می‌دهد.

شهریار در سفر خیالی خود به ترکیه، از برخی شهرها بازدید می‌کند. شاعر که در شعر فارسی خود به شهرهای ارضروم، دیاربکر، قونیه، آنکارا و استانبول می‌رود، در شعر ترکی خود به قونیه، استانبول و آنکارا اشاره می‌کند. شعرای ترک نام برده شده در هر دو شعر مشترک هستند. توفیق فکرت، یحیی کمال بیاتلی و محمدعاکف ارسوی، شعرای ترکی هستند که شهریار هم از نظر دنیای شعری، هم از لحاظ جهان بینی و هم از منظر ارزش‌های اعتقادی با آنان احساس نزدیکی فکری می‌کند. به همین دلیل شاعر تنها ذکر نام سه نفر از شعرای ترک قرن‌های نوزدهم و بیستم را ترجیح داده است. آگاهی شهریار از تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه و اینکه در این زمینه حرفی برای گفتن دارد، مشهود است. خصوصاً در شعر ترکی خویش به وقایع تاریخی بیشتر اشاره کرده و به دلیل جنگ‌های رخ داده احساس ناراحتی می‌کند. شاعر که ملت‌های ایران و ترکیه را دو دوست قدیمی می‌داند، برای تداوم این دوستی دعا می‌کند.

شهریار با هر مشاهده خود به گذشته رفته و با به یادآوردن روزهای تاریخی، آنها را تجربه می‌کند. با افزودن معانی متفاوت به خاکی که بر روی آن راه می‌رود، احساس تعلق خود را صمیمانه بیان می‌کند. این کشور که آن را همانند وطن دوست و برادر می‌بیند، موجب برانگیخته شدن احساسات شهریار می‌شود.

با مقایسه کلی شعرهای فارسی و ترکی سفری خیالی به ترکیه، برخی تفاوت‌ها در طرز کار شاعر آشکار می‌شود. در شعر فارسی، گویی سفر مذکور خارج از اراده وی صورت گرفته، اما او از این وضعیت خشنود است. انگار که افرادی او را برای این سفر آماده کرده‌اند. همچنین علاوه بر اعضای خانواده‌اش افرادی نیز

در این سفر در کنار او هستند و شاعر در انتهای شعر، به صورتی غیرمستقیم اتمام این سفر خیالی را خبر می‌دهد. لیکن در شعر ترکی، انجام سفر با اراده شخصی وی مشاهده می‌شود. با آمدن وی به ترکیه ماجرا آغاز می‌شود. لیکن نحوه تدارک سفر، اتفاقات رخ داده در پایان سفر و اتمام و یا عدم اتمام سفر نامعلوم است. او در شرایط هیجان‌انگیز روحی خویش، شعر را به پایان می‌رساند. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که شهریار شعر فارسی خود را با هدف معرفی ترکیه از طریق سفر و انتقال اطلاعات خود در رابطه با این کشور و فرهنگ آن، سروده و تمامی این موارد را در چهارچوب سفر شکل داده است. لیکن در شعر ترکی، بیشتر از اینکه سفری با هدف گردش و معرفی ترکیه مشاهده گردد، بیان سیر تاریخی این کشور به همراه عواطف شاعر احساس می‌شود.

نتیجتاً شهریار در دو شعر خود با نام «سفری خیالی به ترکیه»، ترکیه را با پرچم، سرود ملی، ادبیات، تاریخ، جغرافیا و مردم آن مورد بررسی قرار داده است. حسرت خود نسبت به ترکیه و دیدگاه‌های خویش را به هر دو زبان فارسی و ترکی آذری بر زبان آورده و سفر خیالی خود را با دو زبان و ادبیات متفاوت درآمیخته است.

منابع

- بیگدلی، غلامحسین، (۱۳۸۵)، استاد شهریار لا گوروش، تهران: بینا
- ثروتیان، بهروز، (۱۳۸۵)، شهریار ملک سخن، تهران: دستان
- سامی بانارلی، نیهات، (۱۹۷۱)، رسیملی ترک ادبیاتی تاریخی، جلد ۲، استانبول: وزارت آموزش ملی
- شهریار، محمدحسین، (۱۳۹۰)، کلیات اشعار ترکی شهریار، تهران: نگاه
- شهریار، محمدحسین، (۱۳۹۰)، دیوان شهریار، جلد ۱-۲، تهران: نگاه

Üç Aylıq İctimai və Kültürəl Dərgi

AZƏRBAYCAN

2

No 2-Payız 2020

Qimət 30000 Tüman

ARAŞDI RIVARİ

ISSN: 2676-6396

- 1. İslamdan Öncə Azərbaycanın Siyasi – Sosial Durumu**
Dr. Əhəd İbadi
- 2. Qacarlar Sülaləsi, Təzkirəçilər Xanədani**
Dr. Vüsalə Musalı
- 3. Caməottəvarix Kitabında Azərbaycan Termininin Etimologik İncələməsi**
Lütfəli Bərq
- 4. Mişginşəhr (Xiyav)in Sosyo – Ekonomik Tarixi**
Dr. Hüseyinli Qurbani
- 5. Seyfəddin Rzasoy, Nizaminin Milli və Ədəbi kimliyi Həggində**
Dr. Əzizəgə Nəcəfzadə
- 6. Səfəvilər Dövründə Ərdəbildə Xəttatlıq və Kitab Sənəti**
Dr. Namiq Musalı
- 7. İran Türklərinin cuğrafi yayqınlığı**
Cəlil Yari
- 8. Ustad Şəhryarın Türkiyəyə Xəyali Səfərləri**
Dr. Yasemin Akkuş